

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَّآلِ مُحَمَّدٍ وَّعَجِّلْ فَرَجَهُمْ وَاَعِنِمْ مِنْ عَادَاهُمْ

اهداء به:

حضرت فاطمه ی معصومه سلام الله علیها

تقویم ایام امامت و ولایت (غدیریّه)

۹ ذی الحجّه: سد الابواب

۱۰ ذی الحجّه: عید قربان و تکرار حدیث ثقلین، ابلاغ سورهی براءت توسط

امیرمؤمنان علیه السلام

۱۲ ذی الحجّه: سپردن ودایع الهی به امیرمؤمنان علیه السلام

۱۳ ذی الحجّه: ملقب شدن حضرت علی علیه السلام به لقب امیرمؤمنان

۱۴ ذی الحجّه: بخشش فدک به حضرت فاطمه زهرا علیها السلام و نزول آیهی ﴿وَأْت ذی

القربی حقه﴾

۱۵ ذی الحجّه: میلاد امام هادی علیه السلام و روز زیارت جامعه کبیره و زیارت غدیریّه

۱۷ ذی الحجّه: نزول آیه محبت در شأن امیرمؤمنان علیه السلام (سوره مریم، ۹۶)

۱۸ ذی الحجّه: عید الله الاکبر، غدیر خم، نزول آیه تبلیغ و اکمال، آغاز حکومت

ظاهری امیرمؤمنان علیه السلام پس از ۲۵ سال خانه نشینی

تاکید بر حدیث منزلت، روز نصب جانشینان انبیاء الهی علیهم السلام (عید ادیان)

نزول آیه ﴿سأل سائل﴾، استقرار کشتی نوح (توجه به حدیث سفینه)

روز بیعت با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف.

۲۱ ذی الحجّه: روز نزول آیهی ﴿اولی الامر﴾ و حدیث بساط

۲۲ ذی الحجّه: ختنی شدن توطئه ترور پیامبر صلی الله علیه و آله در گردنه هرشا

۲۴ ذی الحجّه: عید بزرگ مباحله و نزول آیه مباحله

نزول آیه تطهیر و ماجرای حدیث کساء

خاتم بخشی و نزول آیه ولایت

۲۵ ذی الحجّه: نزول سوره (هل أتی) در شأن پنج تن آل عبا پس از اطعام به فقیر،

یتیم و اسیر

اقامه‌ی اولین نماز جمعه توسط امیرمؤمنان علیه السلام و میلاد امام کاظم علیه السلام

در ستامه ایام غدیریّه

نگاهی به مناسبت‌های ایام امامت و ولایت

دهم تا بیست و پنجم ذی الحجّه

ستاد احیاء ایام امامت و ولایت

گروه پژوهش ستاد غدیریّه

فهرست

۷	درس اول: ضرورت احیای ایام غدیریّه
۱۰	درس دوم: سدّ الابواب
۱۴	درس سوم: عید سعید قربان
۱۸	درس چهارم: ابلاغ سوره برائت
۲۱	درس پنجم: حدیث تقلین
۲۴	درس ششم: سپردن ودایع الهی به امیرالمؤمنین <small>علیه السلام</small>
۲۹	درس هفتم: نزول لقب امیرالمؤمنین <small>علیه السلام</small>
۳۳	درس هشتم: بخشش فدک
۳۷	درس نهم: ولادت امام هادی <small>علیه السلام</small>
۴۱	درس دهم: آیه تبلیغ
۴۶	درس یازدهم: آیه محبت
۵۰	درس دوازدهم: آیه اکمال
۵۳	درس سیزدهم: حماسه جاوید غدیر
۵۸	درس چهاردهم: آشنایی با خطبه غدیر
۶۳	درس پانزدهم: استمرار امامت «از غدیر تا ظهور»
۷۰	درس شانزدهم: آغاز خلافت ظاهری امیرالمؤمنین <small>علیه السلام</small> ، عید ادیان
۷۴	درس هفدهم: تأکید بر حدیث منزلت
۸۰	درس هیجدهم: عذاب الهی بر دشمن غدیر
۸۵	درس نوزدهم: واقعه هرشا
۸۸	درس بیستم: آیه ولایت
۹۳	درس بیست و یکم: آیه مباهله
۹۹	درس بیست و دوم: حدیث کساء
۱۰۳	درس بیست و سوم: آیه ی تطهیر
۱۰۸	درس بیست و چهارم: حدیث بساط (غمام)
۱۱۴	درس بیست و پنجم: سوره ی هل اتی «انسان»
۱۱۸	درس بیستم و ششم: میلاد امام کاظم <small>علیه السلام</small>

سر شناسه: گروه پژوهش ستاد غدیریّه
عنوان و نام پدیدآور: درسنامه ایام غدیر، گروه پژوهش ستاد غدیریّه
مشخصات نشر: قم، عطر عترة، ۱۳۹۱
مشخصات ظاهری
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۴۳-۰۵۵-۳
وضعیت فهرست نویسی: فیپا
موضوع: غدیر خم
موضوع: غدیر خم. مباهله
موضوع: خاتم بخشی. امامت
رده بندی کنگره: ۱۳۹۱ ف۷م 4/27BP
رده بندی: ۹۷۳/۲۹۷

درسنامه ایام غدیریّه
واحد تحقیق و پژوهش ستاد احیاء ایام امامت و ولایت
ناشر: عطر عترة
چاپ سوم: غدیر ۱۳۹۴
چاپخانه: معراج
شمارگان: ۵۰۰۰ نسخه
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۴۳-۰۵۵-۳
قیمت: ۴۰۰۰ تومان
تلفن مرکز پخش: ۰۹۱۳۰۰۹۳۰۰۲

بسم الله الرحمن الرحيم

مقدمه

الحمد لله الذي جعلنا من المتمسكين بولاية امير المؤمنين و اولاده المعصومين عليهم السلام مجموعه‌ی حاضر که توسط واحد تحقیق و پژوهش ستاد احیاء ایام امامت و ولایت به صورت درس نامه تدوین شده است، به منظور تقویت بنیه علمی شما عزیزان در اختیارتان قرار می‌گیرد. امید است با بهره‌گیری از این مجموعه، محتوای علمی سخنرانی‌ها و جلسات ایام غدیریه را ارتقا بخشید.

از همه‌ی عزیزانی که در تدوین این مجموعه ما را یاری نمودند کمال تقدیر و تشکر را داریم.

واحد تحقیق و پژوهش

ستاد احیاء ایام امامت و ولایت

درس اول

ضرورت احیای ایام غدیریه

خداوند متعال جهت هدایت بشر از تمام ظرفیت‌های هستی بهره گرفته است تا بشر به تکامل خود برسد. در این میان اعتقادات، مهم‌ترین رکن هدایت است. روح اعتقادات نیز بحث امامت است. در قرون متمادی پیروان اهل بیت علیهم السلام برای تعمیق و گسترش مبحث امامت چه در گستره‌ی شعور و چه در گستره‌ی شعار اقدامات منحصر به فردی را پایه‌گذاری کرده‌اند. کتاب‌هایی مانند عبققات الانوار، الغدیر و شبه‌های پیشاور و المراجعات و... در تعمیق تفکر شیعه به رشته‌ی تحریر در آمده است، و در عرصه‌ی ابلاغ و عمومی شدن معارف از ظرفیت‌های عظیم شهادت اهل بیت علیهم السلام استفاده شایانی شده است مانند ایام محرم و صفر و ایام فاطمیه و ایام صادقیه و...

در این میان فرهنگ سازی برای استفاده از ایام سرور اهل بیت علیهم السلام برای تعمیق و گسترش تشیع جای خالی خود را نشان می‌دهد و در این میان توجه به اعیاد شعبانیه و دهه‌ی کرامت نوید بهره‌گیری مناسب از ایام شاد را با خود آورد، اما نکته‌ای که به آن پرداخته نشده بود، استفاده از این ایام شادی بخش به عنوان ظرفیت بیان معارف شیعه همانند استفاده از مراسم عزاداری بود.

به همین منظور تعدادی از محبین اهل بیت علیهم السلام بر آن شدند تا فرهنگ سازی استفاده از ایام شاد به عنوان منبر، بیان اعتقادات و معارف را پایه‌گذاری کردند و پس از تأمل و بررسی مناسبت‌های شادی آفرین، ایام غدیر را آماده یافتند. نتیجه بررسی‌ها این واقعیت را نمایان کرد که خداوند متعال تکویناً ایام غدیر را مملو از مهم‌ترین شأن نزول‌های آیات و روایات اعتقادی مسلمین قرار داده است، و

خداوند متعال به پیامبر ﷺ دستور صریح می‌دهد که باید این امر را تبلیغ کنی و پیامبر ﷺ به وظیفه‌ی خود عمل کرده و در خطبه‌ی غدیر به همه امر فرمود که این مطلب را تبلیغ کنند «فلیبلغ الحاضر الغائب و الوالد الولد إلى يوم القيامة»^(۱): «حاضران به غائبان و پدران به فرزندان باید این مطلب را تا روز قیامت برسانند.» پس تبلیغ غدیر یک وظیفه‌ی همگانی است.

امید است با همت شما این سنت حسنه پایه‌گذاری شود و همگی مشمول این حدیث شریف باشیم که: «من سنّ سنّة حسنة فله أجرها و أجر من عمل بها»^(۲): «هرکس سنت حسنه‌ای را پایه‌گذاری کند تا روز قیامت هرکه به آن سنت عمل کند به او و به فرد پایه‌گذار آن هم، همان اجر عطا خواهد شد.»

خلاصه بحث

لازم است در این ایام نیز مانند ایام عزاداری در جهت معرفت‌افزایی نسبت به معارف اهل بیت ﷺ استفاده بهینه کرد. غدیر و مناسبت‌های قبل و بعد از آن بهترین موقعیت برای این امر می‌باشد، خداوند متعال و پیامبرش به ما امر کرده‌اند که مبلغ غدیر باشیم.

ارزیابی

- ۱- در بین ایام شاد چرا غدیر بهترین مناسبت برای تبلیغ دین است؟
- ۲- به نظر شما چرا اهل بیت ﷺ غدیر را «عید الله الاکبر» نامیدند؟
- ۳- مناسبت‌های قبل از غدیر را نام ببرید؟
- ۴- مناسبت‌های بعد از غدیر را نام ببرید؟

منابع جهت پژوهش

- ۱- خطبه غدیر
- ۲- مستندات ایام غدیر

بدون این که نیاز به مناسبت سازی باشد ایام بسیار شاد و اعیاد بسیار مهم همراه با مهم‌ترین مباحث اثبات حقیقت شیعه را در غدیر و ایام قبل و بعد از آن قرار داده است. ان شاء الله با همت جمعی، این ایام در آینده به عنوان ایام تبلیغی حوزه‌های علمیه و مراکز آموزشی، علمی، فرهنگی و... نهادینه خواهد شد و متولیان امر تبلیغ و تبیین نیز در این ایام خود را موظف به تبلیغ خواهند دانست.

مناسبت‌های ایام قبل از غدیر شامل سدّ الابواب، حدیث ثقلین، اعطای ودایع نبوت به امیرالمؤمنین علیؑ، نزول لقب امیرالمؤمنین برای حضرت علیؑ، اعطای فدک به حضرت زهراؑ و ماجراهای پیرامون آن، میلاد امام هادیؑ صاحب زیارت جامعه و زیارت غدیریّه و بیان بالاترین معارف امام‌شناسی در این دو زیارت و نزول آیات ابلاغ تماماً در ایام قبل از غدیر اتفاق افتاده است و در روز غدیر خم خطبه‌ای مملو از معارف امامت و ولایت و تأکید بر حدیث منزلت و معرفی اهل بیت ﷺ و به خصوص امام زمان ﷺ صادر شده است. ۲۵ سال بعد تقدیر الهی بر آن قرار گرفت که مرگ سومین خلیفه هم در چنین روزی واقع شود و خلافت ظاهری امیرالمؤمنین علیؑ با خلافت انتصابی واقعی آن حضرت، هم زمان شود.

در همین ایام جریان آیه ﴿سأل سائل بعذاب واقع﴾ اتفاق می‌افتد.

در ایام غدیر استدلال‌های بسیار مهم بر حقیقت شیعه مانند آیه ولایت، آیه تطهیر، حدیث کساء، آیه‌ی محبت، و سوره‌ی هل اتی نازل شد و به میلاد مسعود امام کاظم علیؑ (باطن قرآن) منور شده است.

بنابر این متوجه می‌شویم که این ایام، ایام بسیار استثنایی و پر ظرفیت برای تبیین معارف حقه‌ی شیعه‌ی اثنی عشری می‌باشد.

نکته بسیار قابل تأمل این است که امر به تبلیغ امامت و ولایت در این ایام صادر شده است. چرا که آیه ابلاغ ﴿یا ایها الرسول﴾^(۱) در این ایام نازل شده است و

۱- احتجاج طبرسی: ج ۲ ص ۶۲، خطبه غدیر. ۲- فروع کافی: ج ۵ ص ۹.

۱- سوره مائده: ۶۷.

بگذارند که پیامبر ﷺ اجازه ندادند.

مرحوم ابن شهر آشوب این حدیث را از حدود ۳۰ نفر از اصحاب نقل کرده است.

نکات و استدلال به حدیث سَدِّ الْأَبْوَابِ برای اثبات حقانیت عقاید شیعه

۱- همان طور که در آیه مباحله حضرت امیر عَلَيْهِ السَّلَامُ جان پیامبر ﷺ معرفی شد، در این ماجرا هم خداوند بین پیامبر و حضرت امیرالمؤمنین علی عَلَيْهِ السَّلَامُ (وذریه ایشان) تفاوتی قائل نشد.

۲- پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: «لَا يَحِلُّ لِأَحَدٍ أَنْ يَجْتَبِ فِي هَذَا الْمَسْجِدِ إِلَّا أَنَا وَ عَلِيٌّ وَ فَاطِمَةُ وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ...»^(۱) یعنی هیچ کس حق ندارد در این مسجد حدث اکبر داشته باشد جز من پیامبر و علی و فاطمه و اولاد فاطمه عَلَيْهَا السَّلَامُ، پس آنان در هر حالتی پاک هستند و معصوم.

۳- پیامبر ﷺ در ادامه سَدِّ الْأَبْوَابِ فرمودند که این ماجرا شبیه ماجرای موسی و هارون است که موسی مأمور شد مسجدی بسازد که هیچ کس در آن بیتوته نکند مگر هارون و ذرّیه‌ی هارون، پس حضرت هارون هر ویژگی که دارد حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَامُ هم آن را دارند.^(۲)

۴- علامه مجلسی رحمته الله می‌فرماید: این واقعه برای نشان دادن شایستگی‌های امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ برای خلافت بعد از پیامبر ﷺ است. چون حتی حمزه سیدالشهداء را با آن سنّ بالا و مرتبه عظیم از این امتیاز محروم کردند.^(۳)

۵- خداوند به روشنی نشان داد که اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَامُ با دیگران قابل مقایسه نیستند «لَا يُقَاسُ بِنَا أَحَدٌ».

درس دوم سَدِّ الْأَبْوَابِ

پیامبر اکرم ﷺ فرمودند:

«إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى أَمَرَهُمْ بِسَدِّ الْأَبْوَابِ وَ اسْتِثْنَانِهِمْ رَسُولَهُ وَ أَنْتُمْ نَفْسُ رَسُولِ اللَّهِ»^(۱)

یکی از فضائلی که به صورت قطعی و متواتر از شیعه و سنّی نقل شده است ماجرای سَدِّ الْأَبْوَابِ است. مرحوم مجلسی وقوع آن را در نهم ذی الحِجَّه دانسته است.

در زمان رسول خدا ﷺ وقتی که مسجد النبی ساخته شد عده‌ای از اصحاب و بنی‌هاشم خانه‌ی خود را به گونه‌ای قرار دادند که یک درب آن به مسجد باز می‌شد تا بتوانند سریع‌تر به مسجد بیایند و گاهی هم بدون طهارت وارد می‌شدند تا این که در این روز پیامبر اکرم ﷺ امر فرمودند: همه‌ی اصحاب درب خانه‌های خود به سمت مسجد را ببندند، غیر از خانه‌ی خود و خانه‌ی علی عَلَيْهِ السَّلَامُ که اجازه دادند باز بماند. عباس عموی پیامبر و دیگران نزد پیامبر ﷺ آمده و گفتند: ای رسول خدا، چرا علی را داخل کرده و ما را خارج نمودی؟ پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: این کار به امر خدا بوده و باید تسلیم حکم خدا باشید، این جبرئیل است که از طرف خدا به من امر کرد علی را ساکن کنم و شما را خارج کنم.

حتی بعضی اصحاب تقاضا کردند که روزنه‌ای از منزلشان به سمت مسجد باز

۱- من لایحضره الفقیه: ج ۳ ص ۵۵۷. ۲- خصال، ج ۲ ص ۵۵۹.

۳- بحار الانوار، ج ۳۹ ص ۳۴.

۱- بحار الانوار: ج ۳۹ ص ۲۳.

استخراج کنید؟

- ۳- فرزند عمر با چه استدلالی حضرت علی علیه السلام را از همه برتر می دانست؟
 ۴- علامه مجلسی رحمته الله چگونه از این واقعه بر خلافت امیرالمؤمنین علیه السلام استناد می کند؟

منابع جهت پژوهش

- ۱- مناقب امیرالمؤمنین علیه السلام (کوفی) ج ۱ ص ۴۷۱
 ۲- بحارالانوار ج ۳۹ ص ۲۸
 ۳- الامالی شیخ طوسی ص ۵۹۹
 ۴- خصال صدوق ص ۳۱۱
 ۵- شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید ج ۹ ص ۱۷۳

۶- نافع گوید از پسر عمر پرسیدند بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله چه کسی از همه ی مردم بهتر است؟ او گفت کسی که جایز است برای او هر چه جایز است برای پیامبر، و حرام است برای او هر چه حرام است برای پیامبر. نافع پرسید او کیست؟ پسر عمر گفت: او علی است! پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «لك في المسجد ما لي و عليك ما علي، أنت وارثي و وصيي»^(۱) یعنی ای علی! هرچه برای من جایز است در این مسجد برای تو هم جایز است، و هر حرمتی من در این مسجد دارم تو نیز داری، و تو وارث من و وصی من هستی.

۷- امیرالمؤمنین علیه السلام در قضیه ی شورا جریان «سدّ الابواب» را از فضائل خود مطرح کردند.

۸- جریان «سدّ الابواب» برای معرفی چهره ی منافقین و حسودان دلیل مناسبی است.

خلاصه بحث

پیامبر به امر خداوند تمام درب هایی که به سمت مسجد باز می شد به غیر از درب خانه ی خود و درب خانه ی حضرت علی علیه السلام را بستند و این فضیلت دلیل بر مشابَهت پیامبر و حضرت علی علیه السلام است، و دلیل بر افضلیت حضرت علی علیه السلام نسبت به همه صحابه است. و نیز طهارت و عصمت ایشان را می رساند. مانند آیه مباهله که جان علی علیه السلام، جان پیامبر است.

ارزیابی

- ۱- بعد از امر به سدّ الابواب، عباس به پیامبر صلی الله علیه و آله چه گفت و چه جوابی شنید؟
 ۲- چهار آموزه جهت اثبات حقانیت امیرالمؤمنین علیه السلام را از این حدیث

آمادگی حضرت آدم علیه السلام جهت لقاء.

جبرئیل به حضرت آدم علیه السلام امر نمود تا در ادامه اعمال حج موی سر خود را کوتاه نماید^(۱) و آماده ملاقات (و دریافت انوار پنج تن آل عبا علیهم السلام) شود.^(۲)

حضرت ابراهیم علیه السلام و قربانی جایگزین

حضرت ابراهیم در نظر داشت فرزندش اسماعیل را طبق فرمان الهی قربانی کند اما خداوند او را معاف نمود. در این حال حضرت ابراهیم علیه السلام محزون شد و گفت: خدایا می خواستم با حزن و اندوه و اشک و آه به واسطه قربانی فرزندم به تو تقرب جویم و از آن محروم شدم. خداوند متعال جبرئیل را فرستاد تا مصائب فرزند خاتم الانبیاء، حضرت ابا عبدالله الحسین را برای ابراهیم علیه السلام بخواند. جبرئیل مصائب کربلا را خواند و ابراهیم علیه السلام اشک ریخت. خداوند فرمود: ای ابراهیم این حزن و اندوه و اشک تو بر امام حسین علیه السلام جایگزین ذبح فرزندت اسماعیل شد و به تقرب و کمالات نائل شدی! و این همان معنای ذبح عظیم است.^(۳)

۱. تفسیر قمی ج ۱ ص ۴۵: وَ أَمَرَهُ جِبْرَائِيلُ أَنْ يَخْلُقَ الشَّعْرَ الَّذِي عَلَيْهِ فَخْلَقَهُ.

۲. الکافی؛ ج ۴؛ ص ۵۴۹: عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ ذَرِيحِ الْمُخَارِبِيِّ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام إِنَّ اللَّهَ أَمَرَنِي فِي كِتَابِهِ بِأَمْرٍ فَأَجِبْتُ أَنْ أَعْمَلَهُ قَالَ وَمَا ذَاكَ قُلْتُ قَوْلَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ - ثُمَّ لِيُقَضُوا تَفَنَّهُمْ وَ لِيُؤْفُوا نُدُورَهُمْ قَالَ لِيُقَضُوا تَفَنَّهُمْ لِقَاءِ الْإِمَامِ وَ لِيُؤْفُوا نُدُورَهُمْ تِلْكَ الْمُنَاسِكُ قَالَ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ سِنَانٍ فَأَتَيْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فَقُلْتُ جَعَلْتُ فِدَاكَ قَوْلَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ - ثُمَّ لِيُقَضُوا تَفَنَّهُمْ وَ لِيُؤْفُوا نُدُورَهُمْ قَالَ أَخَذَ الشَّارِبَ وَ قَصَّ الْأُظْفَارَ وَ مَا أَشْبَهَ ذَلِكَ قَالَ قُلْتُ جَعَلْتُ فِدَاكَ إِنَّ ذَرِيحَ الْمُخَارِبِيِّ حَدَّثَنِي عَنْكَ بِأَنَّكَ قُلْتَ لَهُ وَ لِيُقَضُوا تَفَنَّهُمْ لِقَاءِ الْإِمَامِ - وَ لِيُؤْفُوا نُدُورَهُمْ تِلْكَ الْمُنَاسِكُ فَقَالَ صَدَقَ ذَرِيحٌ وَ صَدَقْتُ إِنَّ لِلْقُرْآنِ ظَاهِرًا وَ بَاطِنًا وَ مَنْ يَخْتَلِمُ مَا يَخْتَلِمُ ذَرِيح.

۳. الخصال؛ ج ۱؛ ص ۵۸: عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شاذَانَ قَالَ سَمِعْتُ الرَّضَاعَةَ عليه السلام يَقُولُ لَمَّا أَمَرَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِبْرَاهِيمَ عليه السلام أَنْ يَذْبَحَ مَكَانَ ابْنِهِ إِسْمَاعِيلَ الْكَتْبِشِ الَّذِي أَنْزَلَهُ عَلَيْهِ تَمَنَّى إِبْرَاهِيمَ عليه السلام أَنْ يَكُونَ قَدْ ذَبَحَ ابْنَهُ إِسْمَاعِيلَ بِيَدِهِ وَ أَنَّهُ لَمْ يُوْمَرْ بِذَبْحِ الْكَتْبِشِ مَكَانَهُ لِيُوجَعَ إِلَى قَلْبِهِ مَا يُوْجَعُ إِلَى قَلْبِ الْوَالِدِ الَّذِي يَذْبَحُ عَزَّ وَجَلَّ وَ لِيُدَّ عَلَيْهِ بِيَدِهِ فَيَسْتَحِقُّ بِذَلِكَ أَرْقَعَ دَرَجَاتِ أَهْلِ التَّوَابِ عَلَى الْمَصَائِبِ فَأَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَيْهِ بِإِبْرَاهِيمَ مِنْ أَحَبِّ خَلْقِي إِلَيْكَ



درس سوم

عید سعید قربان

روز دهم ذی الحججه عید قربان و یکی از چهار عید مهم اسلامی «غدیر، فطر، جمعه و قربان» است که برای شرافت یافتن و عید بودن آن جهات مختلفی ذکر شده است مانند:

ولیمه ولادت امیرالمؤمنین علیه السلام

امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند: ... حضرت ابوطالب علیه السلام پس از ولادت فرزند عزیزشان علی علیه السلام ولیمه ای عظیم برپا نمودند که شامل ۳۰۰ شتر و ۱۰۰۰ گاو و گوسفند بود. حضرت ابوطالب علیه السلام پس از تهیه این ولیمه فرمود: ای مردم! هرکس می خواهد از طعام فرزندم علی علیه السلام استفاده کند هفت بار خانه خدا را طواف کند سپس به فرزندم علی سلام کند و وارد شود که خدای عزوجل علی را شرافت داده است. کار بزرگ ابوطالب باعث شد که بعد از آن یوم نحر «عید قربان» شرافت پیدا کند.^{(۱)(۲)}

۱. امالی طوسی، ص ۷۰۹: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عليه السلام ، عَنْ آبَائِهِ عليهم السلام ، قَالَ... فَلَمَّا كَانَ الْعَاشِرُ مِنْ ذِي الْحِجَّةِ، أَذَّنَ أَبُو طَالِبٍ فِي النَّاسِ أَذَانًا جَامِعًا، وَ قَالَ: هَلُمُّوا إِلَيَّ وَ لِيْمَةَ ابْنِي عَلِيٍّ قَالَ: وَ نَحَرَ ثَلَاثَ مِائَةٍ مِنَ الْبَابِ وَ أَلْفَ رَأْسٍ مِنَ الْبَقَرِ وَ الْغَنَمِ، وَ اتَّخَذَ وَ لِيْمَةً عَظِيمَةً، وَ قَالَ: مَعَاشِرَ النَّاسِ، أَلَا مَنْ أَرَادَ مِنْ طَعَامِ عَلِيٍّ وَ لَدِي فَهَلُمُّوا وَ طُوفُوا بِالْبَيْتِ سَبْعًا، وَ اذْخُلُوا وَ سَلَّمُوا عَلَيَّ وَ لَدِي عَلِيٍّ فَإِنَّ اللَّهَ شَرَّفَهُ، وَ لِفِعْلِ أَبِي طَالِبٍ شَرَّفَ يَوْمَ النَّحْرِ.

۲. با توجه به جا به جایی ایام حج در زمان جاهلیت که خداوند متعال در قرآن بدان اشاره نموده است: ﴿انما النسىء زيادة في الكفر﴾ «توبه: ۳۷»، این احتمال وجود دارد که ایام حج سال ولادت امیرالمؤمنین علیه السلام نیز به ماه رجب منتقل شده باشد.

تجلی نور خداوند بر موسی عَلَيْهِ السَّلَامُ

پس از مناجات چهل شبانه روزی حضرت موسی عَلَيْهِ السَّلَامُ در کوه طور، خداوند متعال در روز عید قربان با نور خود بر او تجلی نمود و الواح تورات به ایشان اعطاء شد. (۱)

صدور حدیث شریف ثقلین

روز عید قربان در مسجد خیف منا و در جریان حجة البلاغ حدیث شریف ثقلین توسط رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قرائت شد.

جریانات عید قربان (۱۰ ذی الحجه) و بیان چند نکته

الف. عظمت و شرافت امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ از همان آغازین روزهای ولادت بر پدر بزرگوارشان برای مردم کاملاً مشخص شده است.
 ب. مردم مکه پس از طواف خانه خدا به ملاقات امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ نائل شدند.
 ج. شرافت زمانها و مکانها به دلیل ارتباط با اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَامُ بوده همان گونه که یوم النحر به خاطر ولادت امیرالمؤمنین شرافت یافت.
 د. حزن بر ابا عبدالله عَلَيْهِ السَّلَامُ منافاتی با روز عید ندارد همان گونه که جبرئیل در این روز مصائب کربلا را بر ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَامُ قرائت کرد.

حدیث شریف ثقلین که در مواقع مختلف از جمله عید سعید قربان از لسان شریف پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قرائت شده نشان از لزوم حضور دائمی امام در کنار قرآن به عنوان مفسر و مترجم آن دارد.

ارزیابی

۱. شرایط حضرت ابوطالب جهت استفاده از ولیمه ولادت حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَامُ چه بود؟
۲. جایگزین قربانی حضرت اسماعیل عَلَيْهِ السَّلَامُ چه بود؟
۳. یکی از زمانها و مکانهای صدور حدیث شریف ثقلین را نام ببرید؟
۴. تجلی نور خدا و اعطاء الواح به حضرت موسی عَلَيْهِ السَّلَامُ چه روزی بود؟

▲ فَقَالَ يَا رَبِّ مَا خَلَقْتَ خَلْقًا هُوَ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ حَبِيبِكَ مُحَمَّدًا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَأَوْحَى اللهُ تَعَالَى إِلَيْهِ أَنَّهُ هُوَ أَحَبُّ إِلَيْكَ أَمْ نَفْسُكَ قَالَ بَلْ هُوَ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ نَفْسِي قَالَ فَوَلَدَهُ أَحَبُّ إِلَيْكَ أَمْ وَلَدُكَ قَالَ بَلْ وَلَدُهُ قَالَ فَذَبْحُ وَوَلَدِهِ ظُلْمًا عَلَى أَيْدِي أَعْدَائِهِ أَوْ جَعَلَ لِقَلْبِيكَ أَوْ ذَبْحُ وَوَلَدِكَ بَيْدِكَ فِي طَاعَتِي قَالَ يَا رَبِّ بَلْ ذَبْحُ وَوَلَدِهِ ظُلْمًا عَلَى أَيْدِي أَعْدَائِهِ أَوْ جَعَلَ لِقَلْبِي قَالَ يَا إِبْرَاهِيمُ فَإِنَّ طَائِفَةً تَزْعُمُ أَنَّهَا مِنْ أُمَّةٍ مُحَمَّدٍ سَتَقْتُلُ الْحُسَيْنَ ابْنَهُ مِنْ بَعْدِهِ ظُلْمًا وَ عَدُوَانَا كَمَا يُذَبِّحُ الْكَنْبُشُ وَ يَسْتَوْجِبُونَ بِذَلِكَ سَخَطِي فَجَزِعَ إِبْرَاهِيمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِذَلِكَ وَ تَوَجَّعَ قَلْبُهُ وَ أَقْبَلَ بَيْنِي فَأَوْحَى اللهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَيْهِ يَا إِبْرَاهِيمُ قَدْ فَدَيْتَ جَزَعَكَ عَلَى ابْنِكَ إِسْمَاعِيلَ لَوْ ذَبَحْتَهُ بَيْدِكَ بِجَزَعِكَ عَلَى الْحُسَيْنِ وَ قَتَلْتَهُ وَ أَوْجَبْتَ لَكَ أَرْفَعَ دَرَجَاتٍ أَهْلِ التَّوَابِ عَلَى الْمَصَائِبِ وَ ذَلِكَ قَوْلُ اللهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ فَدَيْنَاهُ بِذَبْحٍ عَظِيمٍ.

۱. تفسیر صافی، ج ۳، ص ۳۱۷، تَمَّ مِيقَاتُ مُوسَى أَرْبَعِينَ لَيْلَةً فَلَمَّا كَانَ يَوْمَ عَشْرَةِ مِنْ ذِي الْحِجَّةِ أَنْزَلَ اللهُ عَلَيْهِ الْأَوْحَ فِيهَا التَّوْرَةَ وَ مَا يَحْتَاجُونَ إِلَيْهِ مِنْ أَحْكَامِ السَّيْرِ وَ الْقَضَى.

بار و در روزهای متوالی آن آیات را قرائت کرد.^(۱) این جریان در روز دهم ماه ذی الحجه اتفاق افتاد و بنا به نقلی امیرالمؤمنین علیه السلام در روزهای ۱۱ و ۱۲ و ۱۳ ذی الحجه نیز سوره براءت را در جمع مشرکین و کفار قرائت نمودند.

حکایت اعلام براءت از لسان امیرالمؤمنین علیه السلام

حضرت علی علیه السلام جریان ابلاغ آیات سوره براءت را چنین نقل فرمودند: هنگامی که به مکه آمدم تا آیات سوره براءت را بر مشرکین بخوانم هیچ کسی در مکه نبود مگر آن که دوست داشت مرا تکه تکه کند و هر تکه ای از بدن مرا بر سر کوهی بگذارد اگرچه در این راه جان و مال و خاندانش را نابود کند. پس از آن که رسالت را ابلاغ نمودم، همگی با تهدید پاسخ مرا دادند و زن و مرد آنان به من اظهار دشمنی و کینه توزی کردند اما من با پایداری پاسخ آنان را دادم...^(۲)

نکات و استدلال به ابلاغ آیات براءت در حقانیت امیرالمؤمنین علیه السلام

۱. اعزام و عزل ابوبکر بسیار هوشمندانه، هدفمند و به منظور روشن شدن عدم صلاحیت او برای مسلمین بود.

۲. اعزام امیرالمؤمنین علیه السلام به دستور خداوند متعال و در جهت زمینه سازی برای امامت آینده جامعه اسلامی بوده است.

۳. در این ماجرا رسول خدا صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علیه السلام یک حقیقت واحد معرفی می شوند «إِنَّهُ لَا يُؤَدِّيٰ عُنْكَ إِلَّا أَنْتَ أَوْ رَجُلٌ مِّنْكَ» و این همان تفسیر «أَنْفُسَنَا وَ أَنْفُسَكُمْ» در آیه مباحله است.

۴. یکی از مقامات حضرت هارون شراکت در رسالت است «وَأَشْرَكَهُ فِي أَمْرِي» و ابلاغ سوره براءت نیز به نوعی شراکت در رسالت است «أَنْتَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى».

درس چهارم

ابلاغ سوره براءت

یک سال پس از فتح مکه در ذی حجه سال نهم هجری آیات ابتدائی سوره براءت نازل شد و مشرکین را بین دو امر مخیر کرد، یا اسلام بیاورند و یا از مکه خارج شوند. اما این پیام توحیدی و تطهیر مکه را چه کسی ابلاغ کند؟

برخی پیشنهاد دادند، ابوبکر برای رساندن این آیات به مکه برود، چون در جنگها هیچ مشرکی از او زخمی برنداشته بود و مشرکان مکه از او کینه‌ای نداشتند. رسول اکرم صلی الله علیه و آله ابوبکر را فراخواند و آیات اول سوره براءت را به او سپرد و فرمان داد تا آن آیات را برای مردم شرکت‌کننده در مراسم حج قرائت کند، ولی جبرئیل به خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله رسید و عرض کرد:

«يا محمد! إِنَّهُ لَا يُؤَدِّيٰ عُنْكَ إِلَّا أَنْتَ أَوْ رَجُلٌ مِّنْكَ».

ای محمد! این کار را باید یا خود شما یا کسی که از شما و همانند شما است انجام دهد و از دیگری پذیرفته نیست.

بلافاصله رسول خدا صلی الله علیه و آله علی علیه السلام را برای اعلام براءت به سوی مکه اعزام کرد و ابوبکر را از این مأموریت عزل نمود. ابوبکر گفت: آیا چیزی در باره من نازل شده؟

علی علیه السلام فرمودند: رسول الله صلی الله علیه و آله فرموده است که آیات براءت را به من واگذار کنی، چون اعلام براءت کار تو نیست. حضرت علی علیه السلام آن آیات را گرفت و در موسم حج شرکت کرد و با شجاعت و صلابت در میان مشرکین ایستاد و چندین

۲. خصال شیخ صدوق، ج ۲، ص ۱۲۸.

۱. خصال، ج ۲، ص ۳۶۹.

۵. کسی که صلاحیت ابلاغ جزئی از رسالت را ندارد (ابوبکر)، به طریق اولی صلاحیت جانشینی رسول خدا ﷺ را نیز نخواهد داشت.

۶. با توجه به شجاعت امیرالمؤمنین علیؑ در ابلاغ سوره براءت آن هم در مرکز تجمع کفار و منافقین، افضلیت ایشان بر سایر انبیاء الهی ثابت می شود.

۷. آیات براءت از مشرکین را کسی باید ابلاغ کند که خودش از همه انواع شرک مبرا باشد. کسی که از هر نوع شرکی مبرا است و لایق ابلاغ آیات براءت از مشرکین است حتماً معصوم است.

ارزیابی

۱. دلیل عزل ابوبکر از ابلاغ سوره براءت چه بود؟
۲. امیرالمؤمنین علیؑ در چه شرایطی سوره براءت را ابلاغ فرمودند؟
۳. ارتباط جریان ابلاغ سوره براءت و آیه مباحله در چیست؟
۴. چرا امیرالمؤمنین علیؑ شریک در رسالت رسول خدا ﷺ بودند؟
۵. دلیل افضلیت امیرالمؤمنین بر سایر انبیاء با استفاده از متن درس چیست؟

درس پنجم حدیث ثقلین

حدیث ثقلین دلیلی بسیار گویا و با مفهوم بر عصمت، افضلیت و هم طراز بودن اهل بیت علیهم السلام با قرآن است. پیامبر اکرم ﷺ به طور مکرر در مکان‌های متفاوت به بیان گوناگون، این حدیث را مطرح نمودند و بسیاری از اصحاب آن را نقل کردند و از متواترت قطعی الصدور می باشد. از آن جمله در ۱۲ ذی الحجه در مسجد خیف در خطبه‌ای مطرح فرمودند. و همچنین امام باقر علیهما السلام فرمودند: در منا این حدیث تکرار شده است. متن حدیث این گونه است: «يا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ مَا إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضَلُّوا أَبَدًا، كِتَابَ اللَّهِ وَ عِترَتِي أَهْلَ بَيْتِي فَإِنَّهُمَا لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضِ، (فَلَا تَقْدُمُوهُمَا فَتَهْلِكُوا)»^(۱) یعنی ای مردم من از بین شما رحلت خواهم کرد و برای شما دو گوهر گران بها باقی خواهم گذاشت که اگر به آن دو چنگ بزنید و آن را رها نکنید هرگز گمراه نخواهید شد، یکی قرآن است و دیگر عترت من، اهل بیت من و بدانید که آن دو تا قیامت از هم جدا نخواهند شد تا در کنار حوض کوثر مرا ملاقات کنند (پس بر آنها سبقت نگیرید که هلاک خواهید شد).

نکات و استدلال به حدیث ثقلین برای اثبات حقانیت عقاید شیعه

- ۱- همان گونه که تبعیت از قرآن واجب است، تمسک به اهل بیت علیهم السلام و تبعیت از آن بزرگواران واجب است.
- ۲- شعار «حسبنا کتاب الله» خلاف سخن پیامبر و تقدیر الهی است و سبب گمراهی می شود، چون که قرآن بدون اهل بیت علیهم السلام؛ قرآن منهای قرآن است.

۱۲- همان گونه که هیچ کس را یارای برابری با قرآن نیست، یارای برابری با اهل بیت علیهم السلام نیست.

۱۳- به تأخیر انداختن خلافت امیرالمؤمنین علیه السلام بعد از رسول خدا صلی الله علیه و آله یعنی جدا داشتن قرآن از امیرالمؤمنین علیه السلام و این مخالفت با ملاکات قطعی قرآن در شناخت امام است و این امری است نشدنی.

۱۵- همان طور که قرآن ظاهر و باطن دارد، اهل بیت علیهم السلام نیز ظاهر و باطن دارند، اگر کسی خلافت ظاهری آنان را نپذیرفت، خلافت باطنی (ولایت کلیه) آنان پابرجاست.

خلاصه بحث

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بارها می فرمودند بعد از من به قرآن و اهل بیت علیهم السلام تمسک کنید، و جداسدن از آنها را موجب گمراهی می دانستند. این بیان افضلیت اعلیّت و عصمت آنان را می رساند و از تفکر «حسبنا کتاب الله» مردم را بر حذر می داشتند. و به وسیله این حدیث متواتر به راحتی مکتب اهل بیت علیهم السلام اثبات می شود و ضلالت دیگران مشخص می شود.

ارزیابی

- ۱- حدیث ثقلین را ذکر کنید و دقیقاً ترجمه کنید؟
- ۲- حدیث ثقلین چگونه بر حقیقت شیعه دلالت می کند؟ کاملاً توضیح دهید؟
- ۳- چهار نکته از نکات حدیث ثقلین را بیان کنید؟
- ۴- حدیث ثقلین چگونه بر امامت امام زمان عجل الله تعالی فرجه دلالت می کند؟

منابع جهت پژوهش

- ۱- بحارالانوار ج ۲ ص ۱۴۸
- ۲- امالی صدوق ص ۵۰۰
- ۳- الغدير ج ۳ ص ۱۸۰
- ۴- مستدرک حاکم
- ۵- کنز العمال ج ۱ ص ۱۸۶

۳- کلمه‌ی ثقلین نشان از جایگاه بسیار عظیم اهل بیت علیهم السلام دارد.

۴- جدا شدن از اهل بیت علیهم السلام موجب ضلالت است حتی اگر یک لحظه باشد، و تمسک به آنها موجب هدایت است.

۵- تا زمانی که قرآن میان مردم هست امام معصوم نیز در بین مردم هست، چون که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «لن یفترقا» و چون مطلق است هم افتراق باطنی و ظاهری را شامل می شود. پس حدیث ثقلین دلالت روشن بر وجود و حضور امام زمان علیه السلام در هر عصری دارد، حتی اگر خلافت ظاهری را نپذیرند.

۶- همان گونه که قرآن از خطا و اشتباه مصون است و باید کاملاً از او تبعیت کرد اهل بیت علیهم السلام هم معصوم‌اند و باید کاملاً از آنها تبعیت کرد.

۷- همان گونه که احادیث ساختگی با ملاک قرآن شناخته می شود، اصحاب منافق و ظاهر الصلاح نیز با ملاک اهل بیت علیهم السلام شناخته می شوند.

۸- حدیث ثقلین دلالت بر اعلیّت و افضلیت اهل بیت علیهم السلام نسبت به دیگران و اعلیّت و افضلیت قرآن نسبت به کتب دیگر است. یعنی همان گونه که قرآن اعلم و افضل از کتب دیگر است اهل بیت علیهم السلام هم اعلم و افضل از دیگران هستند.

۹- همان گونه که نباید از قرآن جلو افتاد و یا رأی خود را بر آن تحمیل کرد، از اهل بیت علیهم السلام هم نه سبقت باید گرفت و نه جدا افتاد. «فلا تقدّمواهما فتهلکوا»^(۱): مقدم بر آنها نشوید که هلاک می شوید.

۱۰- قرآن جدا کننده‌ی حق از باطل است، و اهل بیت علیهم السلام نیز میزان شناخت مؤمن از منافق و حق از باطل هستند.

۱۱- پیامبر صلی الله علیه و آله به طور مطلق دستور تبعیت از اهل بیت علیهم السلام را دادند، و این سخن دلیل بر عصمت اهل بیت علیهم السلام است، چرا که تبعیت از خطا کار مخالف امر الهی است، و پیامبر صلی الله علیه و آله امر به مخالفت با خدا نمی کند.

سرور آمدم و عرض کردم: بیش از این بفرمایید. فرمودند: همین مقدار بس است. این نمونه‌ای از انتقال علوم الهی است.

هریک از میراث پیامبران دارای آثار خاصی است، به عنوان مثال پیراهن حضرت یوسف که در زمان ظهور امام زمان علیه السلام به تن مبارک ایشان است همان پیراهنی است که حضرت ابراهیم علیه السلام با آن داخل آتش شده نسوخت، و هر کس بپوشد اندازه‌ی او نیست مگر حجّت زمان.

عصای حضرت موسی چوبی است که همیشه تر و تازه است و هر دستوری را که حجّت حق به او بدهد انجام می‌دهد و اگر با آن سخنی بگوید جواب می‌دهد. وقتی امام عجل الله تعالی فرجه آن را به زمین می‌زند هر چه در مقابلش باشد می‌بلعد.

اسم اعظم آن اسمی است که تخت بلقیس را در یک چشم به هم زدن، از فاصله‌ی هزار منزلی به نزد سلیمان حاضر می‌کند و...

نکات و استدلال به حدیث برای اثبات حقانیت عقاید شیعه

۱- همان گونه که میراث انبیاء از پیامبری به پیامبر دیگر منتقل می‌شد (مثلاً از حضرت داود به سلیمان و یا از سلیمان به عاصف یا از ابراهیم به اسحاق و بعد یعقوب) دلیل بر انتقال پیامبری به نفر بعد بوده است، این تحویل میراث نیز دلیلی بر جانشینی و امامت امیرالمؤمنین علیه السلام می‌باشد.

۲- انتخاب وصی به دست پیامبران نیست، بلکه با وحی الهی و انتصاب خداوند است.

۳- به فرموده‌ی قرآن کریم؛ انبیایی چون حضرت عیسی و حضرت داود علیهم السلام در کودکی به پیامبری رسیدند؛ و پیامبر صلی الله علیه و آله ودایع را به امیرمؤمنان علیه السلام سپردند در حالی که ایشان جوان بودند، بنابراین کسی نمی‌تواند برای توجیه غصب خلافت

درس ششم

سپردن ودایع الهی به امیرالمؤمنین علیه السلام

«إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَأْمُرُكَ أَنْ تَعْلَمَهُ جَمِيعَ مَا عَلَّمَكَ وَتَسْتَحْفِظَهُ جَمِيعَ مَا حَفَظَكَ وَ اسْتَوْدَعَكَ فَإِنَّهُ الْأَمِينُ الْمُؤْتَمَنُ»^(۱)

هر پیامبری از پیامبران الهی که اجل خود را نزدیک می‌دید با فرمان الهی ودایع الهی را به وصی خود منتقل می‌نمود و آنها را تحویل حجت بعد از خود می‌داد، و این خود از علائم و نشانه‌های قطعی وصایت و خلافت کسی است که ودایع به او سپرده شده است.

در حجّة البلاغ، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز بعد از مراسم حج در آخرین روزی که در مکه بودند به امر خداوند تمام میراث پیامبران گذشته را به امیرالمؤمنین علیه السلام تحویل دادند، و این میراث بعد از امیرالمؤمنین علیه السلام به امام حسن علیه السلام و سپس به امام حسین علیه السلام رسید و اکنون نزد امام زمان عجل الله تعالی فرجه است.

میراث پیامبران علیهم السلام مواردی مانند پیراهن حضرت یوسف علیه السلام، عصای حضرت موسی علیه السلام، انگشتر حضرت سلیمان علیه السلام و اسلحه و صندوق (تابوت: میراث بنی اسرائیل از حضرت موسی) و از همه مهم‌تر علم و حکمت الهی، اسم اعظم و آثار و دانش پیامبران است که به طور کامل تحویل امیرالمؤمنین علیه السلام شد. سلمان فارسی می‌گوید: روزی امیرالمؤمنین علیه السلام در گوش من کلمه‌ای را تلفظ فرمودند که تمام علوم گذشته و آینده و علم بلا یا و منایا به من منتقل شد به وجد و

امیرالمؤمنین توسط خلفاء، سن کم حضرت را بهانه کند.

۴- با وجود صحابه‌ی مسن و اطرافیان پرنفوذ، انتخاب امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام نشان از گزینش الهی ایشان دارد: «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَأْمُرُكَ» ضمن آن که تمام گفتار و افعال الهی است، زیرا قرآن می‌فرماید: ﴿وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ...﴾^(۱)

۵- پیامبر در حدیث تغلین فرمودند: «لَنْ يَفْتَرِقَا»^(۲) و در این حدیث فرمودند: علوم و حکمت الهی و قرآن تماماً به امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام منتقل شده است، پس امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام قرآن ناطق اند.

۶- اگر سؤال شود که آیا پس از انتقال این علوم آیا امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام آنها را فراموش کردند یا نه؟ می‌گوییم: این که پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمودند: حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَام «أُذِنَ وَاعِيَةً»^(۳) می‌باشند، یعنی هر آنچه به ایشان منتقل شود ایشان فراموش نخواهند کرد و از ایشان جدا نخواهد شد خود دلیلی است بر حفاظت الهی. و خداوند حفاظت الهی خود را در مورد قرآن نیز اعمال کرده است ﴿إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ﴾^(۴)

۷- و به بیان دیگر پیامبر فرمودند: «عَلِيٌّ مَعَ الْحَقِّ وَالْحَقُّ مَعَ عَلِيٍّ يَدُورُ حَيْثَمَا دَارَ» یعنی تمام اعمال و گفتار و... مطابق حکمت الهی است و در این حدیث فرمودند: «میراث انبیا و علم و حکمت آنها نزد ایشان است»، این مطلب را می‌فهمیم که تمام اعمال امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام مطابق علم و حکمت الهی است و خطایی در آن نیست، این همان عصمت است، همان گونه که قرآن ﴿لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ﴾^(۵).

قرآن می‌فرماید که کسی به حقایق قرآن نمی‌رسد؛ مگر آن که مطهر باشد، تنها

اهل بیت پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ هستند که چنین طهارتی دارند.

۸- این که قرآن می‌فرماید: ﴿لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ﴾^(۱) و در این حدیث پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ تمام علوم و معارف را به امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام منتقل کردند، خود دلیل بر آن است که امیرالمؤمنین از مطهرون هستند و معصومند.

۹- طبق حدیث که پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ علم و حکمت الهی را تنها به امیرمؤمنان عَلَيْهِ السَّلَام منتقل کرده‌اند، دلیل بر سنخیت و تشابه این دو معدن است: «السَّلامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ بَيْتِ النَّبِيِّ وَمَعْدِنِ الرَّسَالَةِ». این که پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمودند: «أَنَا وَعَلِيٌّ مِنْ شَجَرَةِ وَاحِدٍ وَسَائِرُ النَّاسِ مِنْ شَجَرٍ شَتَّى»^(۲) از آیه‌ی مباحله نیز این مطلب استفاده می‌شود که امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام نفس پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌باشند.

۱۰- کسی که با عمل و روش امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام مخالفت کند با عمل و روش پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مخالفت کرده، چون هر دو از یک علم و حکمت منبعث می‌شود، پس در شورا که به امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام پیشنهاد شد از روش شیخین تبعیت کنید و ایشان نپذیرفتند و فرمودند: به سنت پیامبر و روش خودم عمل می‌کنم، دلیل بر آن است که روش شیخین مخالف روش پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام است یعنی مخالف روش الهی است.

۱۱- امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام قسمت کننده‌ی بهشت و جهنم هستند «عَلِيٌّ حَبِيبُ جَنَّهِ قَسِيمِ النَّارِ وَالْجَنَّةِ»^(۳) (قاسم) و هر کس علوم را به دیگری بیاموزد حق پدری بر او دارد و چون پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ تمام علم و حکمت را به امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام منتقل کردند پس پیامبر ابوالقاسم هستند (با استفاده از روایت امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام).^(۴)

۱- سوره نجم: ۳. ۲- کافی: ج ۲ ص ۱۵۰.

۳- سوره الحاقه: ۱۲. ۴- سوره حجر: ۹۰.

۵- سوره فصلت: ۴۲.

۱- سوره واقعه: ۷۹.

۲- کشف الغمه: ج ۱ ص ۵۲.

۳- کافی ج ۴ ص ۵۷.

۴- عیون اخبار الرضا: ج ۲ ص ۸۵.

ارزیابی

- ۱- میراث انبیاء چیست؟ چهار مورد را نام ببرید؟
- ۲- آیا پیامبران می‌توانند با انتخاب مردم میراث را به فرد مستخبر بسپارند؟ چرا؟
- ۳- چرا به پیامبر ﷺ، ابوالقاسم می‌گویند؟
- ۴- با دو روش به وسیله‌ی این حدیث، حقانیت مکتب اهل بیت ﷺ را ثابت کنید.

منابع جهت پژوهش

- ۱- بصائر الدرجات، ص ۳۰۹.
- ۲- کمال الدین: ص ۱۴۲.
- ۳- الغیبة، شیخ طوسی: ص ۲۶۶.
- ۴- بحار الانوار: ج ۲۶، ص ۲۱۹.

درس هفتم

نزول لقب امیرالمؤمنین ﷺ

مؤمن کسی است که با زبان، اقرار به «ما جاء به النبی» داشته باشد و با قلب آن را بپذیرد و در نهایت با جوارح به آن عمل کند. بنابراین اگر کسی فقط با زبان اقرار کند اسلام آورده است، نه ایمان.

در چهارده ذی الحجة خداوند برای مؤمنین امیر و امام انتخاب نمود و جبرئیل نازل شد و به حضرت علی ﷺ این گونه سلام کرد: «السلام عليك يا امیرالمؤمنین»^(۱).

پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: این جبرئیل است که از سوی خداوند تحقق آنچه به من وعده داده شده بود را آورده است.

بعد پیامبر ﷺ به اصحاب امر فرمودند که به حضرت علی ﷺ با عنوان امیرالمؤمنین سلام کنند، برخی با رغبت و برخی با اکراه سلام کردند.

البته اطلاق امیرالمؤمنین برای حضرت علی ﷺ در خاندان رسالت معمول بود، زیرا در حدیث کساء هم حضرت زهرا ﷺ با لفظ امیرالمؤمنین به ایشان سلام می‌کنند و از ایشان استقبال می‌کنند، ولی به صورت یک امر همگانی و تکلیف شرعی در حجة البلاغ نازل شد و مردم قبل از بیعت روز غدیر متوجه شدند که حضرت علی ﷺ از طرف خداوند به عنوان امیر و پیشوا انتخاب شده است، این لقب از ویژگی‌های حضرت علی ﷺ است. دیگر امامان معصوم ﷺ

۱- مناقب آل ابی طالب: ج ۳، ص ۵۴.

۵- ما سوی الله هر چه تسبیح خدا را بگویند ﴿يُسَبِّحُ اللَّهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ﴾^(۱) امام و امیر آنها حضرت علی عليه السلام است پس تمام هستی مطیع ایشان هستند.

۶- القاب الهی از روی حکمت انتخاب می شود و خداوند عادل است و به همه‌ی جهان از اول خلقت تا آخر خلقت نظر کرد و بین همه‌ی بندگان فقط حضرت علی عليه السلام را شایسته‌ی لقب امیرالمؤمنین یافت، پس امیرمؤمنان امیر تمام بندگان صالح می باشد. و نیز فرمودند: «أنت أمير من قبلك و أمير من بعدك».

۷- انتخاب امیر و خلیفه به دست خدا است، پس اجماع ادعایی خلیفه‌ی اول و انتصاب بشری خلیفه‌ی دوم و تشکیل شورا برای خلیفه سوم هر سه خلاف امر الهی است و نتیجه‌ی آن امیرالمؤمنین نخواهد شد بلکه پادشاهی مانند بقیه‌ی ملوک خواهد بود.

خلاصه بحث

خداوند متعال با نزول لقب امیرالمؤمنین، برای حضرت علی عليه السلام قبل از واقعه‌ی غدیر، امامت ایشان را تکلیف مسلمین دانستند و جبرئیل، حضرت علی عليه السلام را امیر خود یاد کرد و اصحاب هم با رغبت و یا با اکراه به آن عمل کردند و خداوند با نزول این لقب مشابهت پیامبر صلى الله عليه وآله با امیرالمؤمنین عليه السلام در زمان حیات پیامبر را ثابت کردند.

ارزیابی

- ۱- این که خداوند به اصحاب دستور داد که به حضرت علی به عنوان امیرالمؤمنین سلام کنند دارای چه پیامی است؟
- ۲- چرا حضرت علی عليه السلام امام فرشتگان نیز هست؟

از این که کسی آنها را امیرالمؤمنین خطاب کند نهی کرده و می فرمودند: «این لقب شخصی و مختص حضرت علی عليه السلام است» و حتی در بعضی روایات آمده است: اگر به کسی غیر از حضرت علی عليه السلام امیرالمؤمنین بگویند و او شاد شود و یا بپذیرد قطعاً آن فرد مرتکب منافی عفت شده است و این پذیرش و شادی او دلیل بر فسق و فحشای او است.^(۱)

نکات و استدلال به حدیث برای اثبات حقانیت عقاید شیعه

۱- حضرت علی عليه السلام امیر فرشتگان و حتی جبرئیل است، زیرا فرشتگان مؤمن هستند و افضل فرشتگان جبرئیل است، و جبرئیل با تواضع به حضرت علی عليه السلام خطاب می کند: «السلام عليك يا أمير المؤمنين» و فرمودند: «يا علي أنت أمير من في السماء و أمير من في الأرض و أمير من مضي و أمير من بقي».^(۲)

۲- هر کجا در قرآن مدح مؤمنین شده است اساس آن فضیلت و مرتبه‌ی اعلای آن برای امیرالمؤمنین عليه السلام اثبات می شود، پس یکی از راه‌های شناخت صفات و فضائل امیرالمؤمنین عليه السلام، شناخت فضائل مؤمنین در قرآن است.

۳- با توجه به این که در حضور پیامبر صلى الله عليه وآله، جبرئیل به حضرت علی عليه السلام می گوید امیرالمؤمنین و می دانیم پیامبر هم از مؤمنین است ﴿آمن الرسول بما أنزل إليه﴾^(۳) و یقین داریم که رهبر مؤمنین پیامبر صلى الله عليه وآله است. پس این دلیلی بر یکی بودن آن دو در فضائل است که قرآن می فرماید: ﴿انفسنا﴾؛ «حضرت علی عليه السلام جان پیامبر است»

علی را قدر، پیغمبر شناسد که هر کس خویش را بهتر شناسد
۴- تمام افرادی که در تاریخ به آنها امیرالمؤمنین، اطلاق شده است و آنها از این لفظ پرهیز نکرده‌اند، فسق و فحشای خود را اثبات نموده‌اند.

۱- وسائل الشیعه: ج ۱۴ ص ۶۰۰. ۲- رسالة العلویه، مرحوم کراچی، ص ۴۷.

۳- سوره بقره: ۲۸۵.

۱- سوره جمعه: ۱.

۳- با دو روش به وسیله‌ی این فضیلت حقانیت مکتب اهل بیت علیهم‌السلام را اثبات کنید.

۴- با توجه به این حدیث آیا امامت و امارت مسلمین انتخابی است یا انتصابی؟

منابع جهت پژوهش

- ۱- امالی، شیخ طوسی، ص ۳۳۱.
- ۲- احتجاج، ج ۱، ص ۷۶.
- ۳- کافی: ج ۱، ص ۲۹۲.
- ۴- بحار الانوار: ج ۳۷، ص ۲۹۰.
- ۵- امالی شیخ صدوق، ص ۴۳۶.

درس هشتم

بخشش فدک

﴿وَأْتِذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ﴾^(۱)

برای شناختن حق و باطل یکی از ماجراهایی که با طراح‌ی الهی و اجر‌ی معصومین علیهم‌السلام در دل تاریخ باقی ماند و به روشنی حقانیت اهل بیت علیهم‌السلام را به مسلمین نشان داد، ماجرای فدک بود. در این درس فقط به قسمت اول آن یعنی بخشش فدک می‌پردازیم و ماجرای غصب آن را به محلّ دیگری واگذار می‌کنیم.

در روز ۱۴ ذی الحجّه پس از جنگ خیبر سرزمین بسیار عظیم فدک (تقریباً طول و عرض آن ده کیلومتر در ده کیلومتر بوده است) تنها به وسیله‌ی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و امیرالمؤمنین علیه‌السلام فتح شد و چون خیل و رکاب در آن دخالت نداشت (یعنی رزمندگان اسلام برای آن جهاد نکرده بودند) طبق آیه‌ی قرآن ﴿مَا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَىٰ رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرَىٰ فَلِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ...﴾ ملک شخص پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌شود.^(۲) در این هنگام خداوند به پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم وحی نازل فرمود که ﴿وَأْتِذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ﴾^(۳). پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم سؤال کردند: این حق چه کسی است؟

جبرئیل از خداوند پرسید و جواب آورد که حق فاطمه علیها‌السلام است، فدک را به حضرت فاطمه بده.

پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم چون که مهریه‌ی حضرت خدیجه علیها‌السلام را که در حقیقت ارث حضرت زهرا علیها‌السلام می‌شد در ذمه‌ی خود می‌دیدند با دادن فدک در حقیقت حق

۲- سوره حشر: ۷.

۱- سوره حشر: ۶.

۳- سوره اسراء: ۲۶.

حضرت زهرا علیها السلام را به ایشان بر می‌گرداندند (دقت کنید این حق حضرت زهرا علیها السلام است و نه فقط یک بخشش)، لذا پیامبر صلی الله علیه و آله این سرزمین بسیار وسیع را به حضرت زهرا علیها السلام دادند. و برای این که بعداً بهانه‌گیری نشود، برای آن قباله‌ای نوشتند و حضرت امیرالمؤمنین و حضرت امام حسن و امام حسین علیهم السلام و ام ایمن را به عنوان شاهد آن قرار دادند. و برای این که مردم کاملاً متوجه شوند، مدیریت آن را به ایشان واگذار کردند. و حضرت زهرا علیها السلام کارگران و نیروهای خود را در آن جا گماشتند و هر ساله با درآمد آن به همسران رسول خدا صلی الله علیه و آله سهمیه‌ای می‌دادند و فقرای مدینه را بهره‌مند می‌کردند و این امر در بین اهل مدینه و اهل فدک شایع شده بود.

روزی مهدی عباسی از امام کاظم علیه السلام سؤال کرد: حدود فدک را تعیین بفرمایید تا به شما برگردانم. امام کاظم علیه السلام فرمودند: یک طرف آن بین النهرین، یک طرف آن آفریقا، و طرف دیگر چین و.. حاکم گفت: این که کل حکومت من است. امام علیه السلام فرمودند: حدّ فدک همین است. (۱)

۳- حال که تنها راه تقرّب به خداوند محبت به حضرت زهرا علیها السلام است پس مهم‌ترین راه نزدیک شدن به شیطان و طاغوت، ظلم به حضرت زهرا علیها السلام است.

۴- عده‌ای در سقیفه به این عنوان که [آنها قریشی هستند و با پیامبر خویشاوندی دارند پس مستحقّ امارت بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله هستند] خلیفه مسلمین شدند، اگر این استدلال درست باشد، خود این استدلال دلیل بر آن است که امیرالمؤمنین علیه السلام امام هستند چون ایشان ذو القربای پیامبرند و از خلفا به پیامبر نزدیک ترند.

۵- حقوق اهل بیت علیهم السلام واجب الاداء است چه حق مادی و چه حق معنوی و چه حق اطاعت و اگر ﴿وَآتِ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ﴾ (۳) نسبت به پیامبر صلی الله علیه و آله ادای مهریه‌ی حضرت خدیجه به حضرت زهرا علیها السلام باشد و پیامبر باید عمل کنند حق پذیرش امامت آنها نیز برآمت واجب است و مصداق آیه می‌باشد.

۶- آت فعل امر است و دلالت بر وجوب می‌کند پس کسی که امر الهی را امتثال نکند و حقّ اهل بیت علیهم السلام را زائل کند نافرمانی خدا را کرده که در حدّ شرک و کفر است!

۷- اهل بیت علیهم السلام فرزندان حضرت زهرا علیها السلام هستند و ذوی القربای ایشان، پس ادای حقوق آنها یک واجب قرآنی است.

۸- ماجرای بخشش فدک را خداوند این گونه طراحی کرد تا در آینده شناخت حق و باطل راحت‌تر باشد و با اندک تأملی بتوان اهل باطل را شناخت.

۱- سوره سبأ: ۴۷. ۲- سوره فرقان: ۵۷. ۳- سوره اسراء: ۲۶.

نکات و استدلال به این آیه برای اثبات حقانیت عقاید شیعه

۱- در این آیه خداوند متعال حضرت زهرا علیها السلام را به عنوان ذوی القربای پیامبر صلی الله علیه و آله یاد کرده است و در آیه‌ی دیگر اجر رسالت را مودّت به ایشان قرار داده است: ﴿قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ﴾ (۲) پس اگر کسی به فاطمه علیها السلام محبت نکند اجر رسالت را ادا نکرده است.

۲- در آیه‌ی دیگری خداوند می‌فرماید: «اگر از شما اجر رسالت را خواستم

۹ - خداوند متعال می فرماید: ﴿إِنَّ الَّذِينَ يُؤْذُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَعَنَهُمُ اللَّهُ...﴾ پیامبر ﷺ فرمودند: «فاطمة بضعة مني من أذاها فقد أذاني» و بدون شک اذیت اولاد حضرت زهرا موجب اذیت ایشان و لعن الهی را در پی دارد و غصب فدک باعث اذیت حضرت زهرا ﷺ شد.

خلاصه بحث

یکی از ماجراهایی که برای اثبات حقانیت مکتب اهل بیت ﷺ در تاریخ و روایات ثبت شده است ماجرای فدک است، خداوند آن را حق حضرت زهرا ﷺ دانسته و پیامبر ﷺ واسطه‌ی رساندن این حق به حضرت زهرا ﷺ قرار گرفت و امت به وسیله‌ی این حق آزمایش شدند و محور شناخت حق و باطل شد و در روایات گرفتن و دادن فدک به عنوان گرفتن و دادن حکومت بر مسلمین قلمداد می شد یعنی قلمرو فدک قلمرو حکومت اسلامی است.

ارزیابی

- ۱- چرا امام کاظم ﷺ حد فدک را کل قلمرو مسلمین دانستند؟
- ۲- با توجه به مهریه‌ی حضرت خدیجه ﷺ حق بودن فدک را اثبات کنید.
- ۳- ماجرای فدک چگونه حقانیت شیعه را اثبات می کند؟
- ۴- چگونه محبت به حضرت زهرا ﷺ تنها راه تقرب به خداوند است؟ (مستدل بیان کنید)

منابع جیت پژوهش

- ۱- مناقب امیر المؤمنین، ج ۱، ص ۱۹۵.
- ۲- بحار الانوار: ج ۱۷، ص ۳۸۷.
- ۳- کافی، ج ۱، ص ۵۴۳.
- ۴- امالی صدوق، ص ۶۱۹.
- ۵- سعد السعود، ص ۱۰۱.
- ۶- تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۲۸۷.
- ۷- الدر المنثور، ج ۴، ص ۱۷۷.

درس نهم

ولادت امام هادی ﷺ

دو میراث گران بها زیارت جامعه کبیره و زیارت غدیریه

شیخ مفید و شیخ طوسی و شیخ کلینی میلاد امام هادی ﷺ را در نیمه‌ی ماه ذی الحجه سال ۲۱۲ دانسته‌اند. امام هادی ﷺ با انشاء زیارت جامعه‌ی کبیره و زیارت غدیریه منشور اعتقادی شیعه را با فصیح‌ترین بیان انشاء فرمودند. زیارت جامعه کبیره با بیان حدود ۴۰۰ ویژگی و صفات امامان معصوم ﷺ یک دوره امام‌شناسی و زیارت غدیریه با بیانی شیوا و با استناد بر حدود ۴۰ آیه قرآنی یک دوره امیرالمؤمنین‌شناسی را مطرح نموده است، در این دو زیارت مهم‌ترین استدلال‌های اعتقادی شیعه مطرح شده است.

چند نکته‌ی اعتقادی در زیارت جامعه

- ۱- اهل بیت ﷺ بنده و مطیع خداوند هستند. وَعِبَادِهِ الْمُكْرَمِينَ، الْمُطِيعُونَ لِلَّهِ، لَا يَسْبِقُونَهُ بِالْقَوْلِ وَهُمْ بِأَمْرِهِ يَعْمَلُونَ.
- ۲- آنها معصومند «عَصَمَكُمُ اللَّهُ مِنَ الزَّلَلِ وَ طَهَّرَكُم مِّنَ الدَّنَسِ»
- ۳- معرفت ایشان معرفت خداست. «مَحَالٌّ مَعْرِفَةِ اللَّهِ؛ مَن أَرَادَ اللَّهُ بَدَاءَ بِكُمْ»
- ۴- دشمنی با ایشان دشمنی با خداست «مَنْ عَادَاكُمْ فَقَدْ عَادَى اللَّهَ»
- ۵- پذیرش ولایت ایشان، پذیرش ولایت خداست «مَنْ وَالَاكُمْ فَقَدْ وَالَى اللَّهَ»
- ۶- صلوات بر ایشان و پذیرش ولایت آنها باعث پاک‌ی نفوس و نیکویی فطرت می شود «جَعَلَ صَلَوَاتِنَا عَلَيْكُمْ وَ مَا خَصَّنَا بِهِ مِنْ وَلَايَتِكُمْ طَيِّبًا لَخَلَقْنَا وَ طَهَّرْنَا لِأَنْفُسِنَا»

- ۲- همه چیز به پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ختم می‌شود و همچنین از ایشان منتشر می‌شود «الْخَاتَمَ لِمَا سَبَقَ وَ الْفَاتِحَ لِمَا اسْتَقْبَلَ» و امیرالمؤمنین جان پیامبر است.
- ۳- امیرمؤمنان صراط مستقیم خداست. «أَشْهَدُ أَنَّكَ الْمَعْنِيُّ بِقَوْلِ الْعَزِيزِ الرَّحِيمِ ﴿وَأَنَّ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا﴾» (سوره انعام: ۱۵۳)
- ۴- اولین کسی که به خدا ایمان آورد و نماز خواند حضرت علی عَلِيٌّ بود. «أَنْتَ أَوَّلُ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَ صَلَّى لَهُ»
- ۵- عالم به تفسیر و تنزیل قرآن است «أَنْتَ الْمَخْصُوصُ بِعِلْمِ التَّنْزِيلِ وَ حَكْمِ التَّأْوِيلِ وَ نَصْلِ الرَّسُولِ»
- ۶- نور امیرالمؤمنین عَلِيٌّ خاموش شدنی نیست. «تُورِكُ لَا يُطْفَأُ»
- ۷- خداوند امر نموده که مؤمنین از ایشان تبعیت کنند و ایشان را یاری نمایند «وَقَدْ أَمَرَ اللَّهُ تَعَالَى بِاتِّبَاعِكَ وَ نَدَبِ الْمُؤْمِنِينَ إِلَى نَصْرِكَ»
- ۸- خداوند لعنت کن قاتلین امیرالمؤمنین عَلِيٌّ و ظلم کنندگان به ایشان و پیروان و انصار آنان را. «اللَّهُمَّ الْعَن قَتْلَةَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ مَنْ ظَلَمَهُ وَأَشْيَاعَهُمْ وَأَنْصَارَهُمْ»
- ۹- دشمن امیرالمؤمنین دشمن خداست و منکر رسول خداست «وَعَدُوُّكَ عَدُوُّ اللَّهِ وَ جَاهِدْ لِرَسُولِ اللَّهِ»
- ۱۰- خداوند مداح امیرالمؤمنین است: «وَفِي مَدْحِ اللَّهِ تَعَالَى غِنَى عَنِ مَدْحِ الْمَادِحِينَ وَ تَفْرِيطِ الْوَاصِفِينَ»
- خلاصه بحث**
- وجود امام هادی عَلِيٌّ منتهی بر ما سوی الله شد و زیارت جامعه کبیره و زیارت غدیریّه ایشان دژ مستحکم اعتقادات حقه‌ی شیعه است و در این زیارت‌ها اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَامُ به عنوان بندگان خاص الهی، فضائل بیشماری را دارا هستند به گونه‌ای که هر کس خدا را اراده کند باید از ایشان شروع کند و اگر خدا را عبادت کند باید به وسیله‌ی ولایت ایشان باشد و دوستی ایشان دوستی خدا و دشمنی

- ۷- مخالف‌شان، کافر و محارب با آنها مشرک است «مَنْ جَعَلَكَ كَافِرًا وَمَنْ حَارَبَكَ مُشْرِكًا»
- ۸- مردم به وسیله‌ی اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَامُ امتحان می‌شوند «وَالْبَابُ الْمُبْتَلَى بِهِ النَّاسُ»
- ۹- قبل از آمدن به سوی مردم آنان به عرش الهی محیط بودند. «خَلَقَكُمْ اللَّهُ أَنْوَارًا فَجَعَلَكُمْ بَعْرِشَهُ مُحَدِّقِينَ»
- ۱۰- آنان حق محض هستند. «وَالْحَقُّ مَعَكُمْ وَ فِیكُمْ وَ مِنْكُمْ وَ إِلَيْكُمْ»
- ۱۱- روح و نور و طینت آنها یکی است «أَنَّ أَرْوَاحَكُمْ وَ نُورَكُمْ وَ طِینَتَكُمْ وَاحِدَةٌ»
- ۱۲- خداوند به آنها مقامی عطا کرده که به احدی از اهل عالم نداده است و هیچ کس با آنها قابل مقایسه نیست «آتَاكُمْ اللَّهُ مَا لَمْ یُؤْتِ أَحَدًا مِنْ الْعَالَمِينَ».
- ۱۳- شرط پذیریش عبادات پذیرش ولایت آنهاست. «بِمَوَالِئِكُمْ تُقْبَلُ الطَّاعَةُ الْمُفْتَرَضَةُ»
- ۱۴- همه چیز در عالم از اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَامُ شروع می‌شود و به آنها ختم می‌شود «بِكُمْ فَتَحَ اللَّهُ وَ بِكُمْ یَخْتَمُ»
- ۱۵- بندگی و وصول الی الله فقط از طریق اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَامُ صورت می‌گیرد «مَنْ ارَادَ اللَّهُ بَدْءَ بَكْمِ وَ مِنْ وَحْدَهُ قَبْلَ عَنكُمْ» (مورد ۱۴ و ۱۵ و جواب توسل به ایشان را نشان می‌دهد)*
- ۱۶- بازگشت خلق به سوی آنهاست و حساب مخلوقات با آنان است، «ایاب الخلق الیکم و حسابهم علیکم» (با توجه به آیه‌ی قرآن ﴿إِنَّا إِلَیْنَا یَابِئُكُمْ وَ عَلَیْنَا حِسَابُهُمْ﴾ «سوره غاشیه ۲۵» که فرموده «إِنَّ الِیَّ...» و جمع آورده که نکته‌ی زیارت جامعه روشن می‌شود)
- چند نکته اعتقادی در زیارت غدیریّه^(۱)**
- ۱- امیرالمؤمنین عَلِيٌّ سفیر خدا در بین مخلوقات است. «وَ سَفِیرُهُ فِی خَلْقِهِ»

۱- زیارت غدیریّه و زیارت جامعه کبیره هر دو در مفاتیح آمده است.

ایشان دشمنی خداست.

ارزیابی

- ۱- مطابق زیارت جامعه کبیره اثر صلوات بر اهل بیت علیهم السلام و پذیرش ولایت آنها چیست؟
- ۲- قبل از نزول اهل بیت علیهم السلام در بین مردم آنها کجا بودند؟
- ۳- چهار فقره از فقرات اعتقادی زیارت جامعه کبیره و زیارت غدیریه را بنویسید؟
- ۴- «من أراد الله بقاءکم» یعنی چه؟
- ۵- در زیارت غدیریه چه کسانی مورد لعن واقع شده‌اند؟

منابع جهت پژوهش

- ۱- کافی، ج ۱، ص ۴۹۷.
- ۲- مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۵۰۵.
- ۳- مفاتیح الجنان ص ۸۸۹.
- ۴- بحار الانوار: ج ۹۹، ص ۱۲۸.

درس دهم

آیه تبلیغ

یکی از ده‌ها آیه‌ای که در ایام غدیر خم و در جهت انتصاب حضرت علی علیه السلام به امامت نازل شد «آیه تبلیغ» است.

آیه تبلیغ سه فراز مهم دارد که بنا بر آن چه که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند: هر فرازی از آن در یک روز نازل شده است.

روز شانزدهم ذی الحجه: ﴿يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ﴾

روز هفدهم ذی الحجه: ﴿يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ﴾

روز هجدهم ذی الحجه: ﴿يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ﴾^(۱)

شأن نزول آیه تبلیغ

ده‌ها هزار نفر از مسلمانان، رسول خدا صلی الله علیه و آله را در آخرین حج مشایعت نمودند. در پایان مراسم حج، روز شانزدهم ذی الحجه سال دهم هجری جبرئیل بر رسول خدا صلی الله علیه و آله نازل شد و عرض کرد: یا رسول الله! خداوند تبارک و تعالی سلام می‌رساند و می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ﴾

ای رسول ما آن چه را که در مورد نصب امیرالمؤمنین علیه السلام به تو فرمان دادیم ابلاغ کن!

نکات و استدلال به آیه تبلیغ در اثبات حقانیت امیرالمؤمنین علیه السلام

۱. تأکید و تحذیر الهی بر ابلاغ وصایت امیرالمؤمنین علیه السلام امری مسلم است که در آیه تبلیغ به آن اشاره می شود.
۲. نزول تدریجی آیه تبلیغ در سه روز منتهی به غدیر و گفتگوی پی در پی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم با جبرئیل نشان از اهمیت موضوع دارد.
۳. پذیرش ولایت سعه صدر و توان روحی بالایی می خواهد.
۴. «یا جبرئیل ان الناس حدیثو عهدی بالاسلام فأخشی أن یضطربوا و لا یطیعوا» انتخاب امام باید از جانب خدا باشد ﴿بلغ ما أنزل إليك من ربك﴾.
۵. امامت هم سنگ و هم طراز نبوت و رسالت است ﴿و ان لم تفعل فما بلغت رسالته﴾.
۶. وجود منافقان و مخالفان در صف اصحاب رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم قطعی است و تعداد آنان بسیار قابل توجه بوده «لعلمی بکثرة المنافقین و قلة المؤمنین». در قرآن می فرماید: ﴿وَمِمَّنْ حَوْلَكُم مِّنَ الْأَعْرَابِ مُنَافِقُونَ وَمِنْ أَهْلِ الْمَدِينَةِ مَرَدُوا عَلَى النَّفَاقِ لَا تَعْلَمُهُمْ نَحْنُ نَعْلَمُهُمْ﴾ «سوره توبه، ۱۰۱» و لذا خداوند متعال به رسول خود ضمانت اجرایی می دهد ﴿والله یعصمک من الناس﴾.

▲ رسالته فقال له يا جبرئيل أخشى من أضحاي أن يخالفوني فعرج جبرئيل و نزل عليه في اليوم الثالث و كان رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم بموضع يقال له غدیر خم و قال له ﴿يا أيها الرسول بلغ ما أنزل إليك من ربك و ان لم تفعل فما بلغت رسالته و الله یعصمک من الناس﴾ فلما سمع رسول الله هذه المقالة قال للناس أئینوا نأقبي فوالله ما أخرج من هذا المكان حتى أبلغ رسالة ربي و أمر أن یضرب له منبر من أقطاب الابل و صعدھا و أخرج معه علياً عليه السلام و قام قائماً و خطب خطبة بليغة و عظم فيها و رجز ثم قال في آخر كلامه يا أيها الناس ألسنت أولى بكم منكم فقالوا بلى يا رسول الله ثم قال قم يا علي فقام على عليه السلام فأخذ بيده فرفعها حتى رسي بساكن إبطيهما ثم قال ألا من كنت مولاه فهذا علي مولاه اللهم وال من والاه و عاد من عاداه و انصر من نصره و اخذل من خذله ثم نزل من المنبر و جاء أصحابه إلى أمير المؤمنين عليه السلام و هتفوا بالولايه و أول من قال له عمر بن الخطاب فقال له يا علي أصبحت مولاي و مؤلى كل مؤمن و مؤمنة و نزل جبرئيل ع بهذه الآية اليوم أكملت لكم دينكم و أتممت عليكم نعمتي و رضيت لكم الإسلام ديناً.

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به جبرئیل فرمودند: ای جبرئیل! این مردم تازه به دین اسلام گرویده اند و من بیم آن دارم که با اعلام جانشینی امیرالمؤمنین علیه السلام دچار تزلزل در ایمان شوند و فرمان مرا اطاعت نکنند. جبرئیل بازگشت و در روز هفدهم ذی حجه مجدداً فرازی دیگر از آیه تبلیغ را از جانب خداوند متعال نازل نمود:

﴿يا أيها الرسول بلغ ما أنزل إليك من ربك و ان لم تفعل فما بلغت رسالته﴾

ای رسول ما آن چه را که به تو فرمان دادیم ابلاغ کن که اگر چنین نکنی رسالت خود را به سرانجام نرسانده‌ای.

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: ای جبرئیل! من اصحاب خود را می شناسم و بیم آن دارم که با من به مخالفت برخیزند. جبرئیل بازگشت و در روز هجدهم ذی حجه که کاروان رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به وادی غدیر خم رسیده بودند، خدمت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم رسیده و ما بقی آیه تبلیغ را آورده و وعده الهی مبنی بر حفظ و نگهداری رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و امیرالمؤمنین علیه السلام و محافظت از دین اسلام را نازل نمود.

﴿يا أيها الرسول بلغ ما أنزل إليك من ربك و ان لم تفعل فما بلغت رسالته و الله یعصمک من الناس﴾ (۱)

هنگامی که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فراز آخر آیه تبلیغ را شنیدند فرمان دادند همگان بایستند و جمع شوند آن گاه فرمودند: به خدا سوگند از این مکان حرکت نخواهم کرد، مگر آن که مأموریت خدای خویش را انجام دهم... (۲)

۱. سوره مائده، آیه ۶۷.

۲. بحار الأنوار، ج ۳۷، ص ۱۶۵. متن روایت: عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ سَمِعْتُ الصَّادِقَ عليه السلام قَالَ: لَمَّا خَرَجَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم إِلَى مَكَّةَ فِي حِجَّةِ الْوَدَاعِ فَلَمَّا انْصَرَفَ مِنْهَا وَ فِي خَبَرٍ آخَرَ وَ قَدْ شَهِدَهُ مِنْ مَكَّةَ اثْنَا عَشَرَ أَلْفَ رَجُلٍ مِنَ الْيَمَنِ وَ خَمْسَةَ أَلْفٍ رَجُلٍ مِنَ الْمَدِينَةِ جَاءَهُ جِبْرَائِيلُ فِي الطَّرِيقِ فَقَالَ لَهُ يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يُفْرُتُكَ السَّلَامَ وَ قَرَأَ هَذِهِ آيَةَ يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ فَقَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم يَا جِبْرَائِيلُ إِنَّ النَّاسَ حَدِيثُوا عَهْدِي بِالْإِسْلَامِ فَأَخْشَى أَنْ يَضْطَرُّبُوا وَ لَا يُطِيعُوا فَعَرَّجَ جِبْرَائِيلُ عليه السلام إِلَى مَكَانِهِ وَ نَزَلَ عَلَيْهِ فِي يَوْمِ الثَّانِي وَ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم نَازِلاً بِغَدِيرٍ فَقَالَ لَهُ يَا مُحَمَّدُ يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَ انْ لَمْ تَفْعَلْ فَما بَلَغْتَ



ایشان است. بنابراین منافقین برای رسیدن به این ریاست برنامه ریزی مفصلی داشتند که پیامبر ﷺ هم متوجه آن بودند و از همین روی بود که خداوند خطاب به ایشان فرمود: ﴿وَاللَّهُ يَعصمكُم مِّنَ النَّاسِ﴾^(۱)

۱۲ - خداوند از دینی که با ولایت امیرالمؤمنین علیؑ کامل و تمام شده باشد راضی است ﴿وَرَضِيْتُ لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا﴾^(۲) یعنی دین بدون ولایت مورد غضب الهی است و خداوند از آن راضی نیست.

۱۳ - همان گونه که باید پیامبر ﷺ تبلیغ توحید بکند و نیز نبوت خود را اثبات کند، باید تبلیغ امامت نیز بکند و بدون تبلیغ امامت تبلیغ توحید و نبوت انجام نشده است ﴿وَإِن لَّمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ﴾^(۳).

۱۴ - اگر پیامبر ﷺ تبلیغ امامت نکند رسالت خود را انجام نداده است و اگر کسی امامت حضرت علیؑ را نپذیرد رسالت پیامبر اکرم ﷺ را نپذیرفته است ﴿فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ﴾^(۴).

ارزیابی

۱. دلیل نزول تدریجی آیه تبلیغ بر رسول خدا ﷺ چه بود؟
۲. دلیل امتناع اولیه رسول خدا ﷺ از ابلاغ رسالت مهم خود چه بود؟
۳. چه زمانی رسول خدا تصمیم قطعی بر ابلاغ رسالت خود گرفتند؟
۴. با توجه به جریانات نزول آیه تبلیغ دلیل مخدوش بودن نظریه عدالت جمیع صحابه چه بود؟
۵. بنابر نظر علامه امینیؒ راویان غدیر و شأن نزول آیه تبلیغ چه کسانی بودند؟

نظریه عدالت جمیع صحابه مخدوش و غیر قابل قبول است «یا جَبْرئیلُ أَخْشَى مِنْ أَصْحَابِي أَنْ يُخَالِفُونِي».

۷. با توجه به فراز اول آیه تبلیغ ﴿يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ﴾ همه انبیاء حتی رسول اکرم ﷺ به ولایت امیرالمؤمنین ایمان داشتند ﴿أَمِنَ الرَّسُولُ بَمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ﴾.

۸. مرحوم علامه امینیؒ در کتاب شریف «الغدیر» شأن نزول آیه تبلیغ و خطابه رسول خدا ﷺ در روز غدیر را از ۱۱۰ نفر از صحابه، ۸۴ نفر از تابعین و ۳۵۶ نفر از راویان اهل سنت در طول چهارده قرن بیان نموده که جای هیچ گونه شک و تردید در شأن نزول آیه تبلیغ که همان جانشینی امیرالمؤمنین علیؑ برای رسول خدا ﷺ است باقی نمی گذارد.

۹ - جملهی ﴿وَاللَّهُ يَعصمكُم مِّنَ النَّاسِ﴾ وجود منافقین و قدرت تأثیر گذار آنان در بین مردم را ثابت می کند. پس عده ای از صحابه جزء منافقین هستند.

۱۰ - کلمه ی ﴿يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ﴾ که نازل شد پیامبر ﷺ فرمودند: فليبلغ الحاضر الغائب والوالد الولد الى يوم القيامة.^(۱) حاضران باید به غائبان و پدران به فرزندان نسل به نسل تا روز قیامت این مطلب را تبلیغ کنند. پس تبلیغ غدیر واجب است.

پس تبلیغ ولایت بر همه ی افراد واجب است و همه موظف هستند که غدیر را تبلیغ کنند.

۱۱ - این ابلاغ مختص امامت است چرا که اول این آیه در آخرین روزهای عمر شریف پیامبر اکرم ﷺ که تمامی احکام و حدود الهی و اصول دین بیان شده بود نازل شد. ثانیاً برای ابلاغ احکام و حدود الهی، ترس و نگرانی ندارد آن هم در اوج اقتدار اسلام، تنها موضوع مهم و قابل تأمل مسأله جانشینی و امامت بعد از

۱ - سوره مائده: ۶۷.

۲ - سوره مائده: ۳.

۳ - سوره مائده: ۶۷.

۴ - مائده: ۶۷.

۱ - احتجاج طبرسی: ج ۱ ص ۶۲.

دنیا را به منافق بدهم که مرا دوست بدارد دوست نخواهد داشت.

۲- دوست داشتن حضرت علی علیه السلام و در کنار آن دوستی با دشمنان حضرت علی علیه السلام ممکن نیست. چون که فرمودند: «لَنْ يَحِبَّنَا مَنْ يَحِبُّ عَدُوَّنَا»^(۱).

و در ذیل آیه شریفه ﴿مَا جَعَلَ اللَّهُ لِرَجُلٍ مِنْ قَلْبَيْنِ فِي جَوْفِهِ﴾^(۲)

خداوند در یک سینه دو قلب قرار نداد. امام علیه السلام فرموده‌اند: این امکان ندارد که با

یک قلب ما را دوست بدارد و با یک قلب دشمن ما را، هرگز امکان ندارد.

۳- با توجه به حدیث «اللهم هب...» می‌توان فهمید که مؤمنین مودت در آیه ﴿قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى﴾^(۳) را باید از خداوند بخواهند که با جعل الهی در دل آنها انشا گردد.

۴- در این آیه خداوند مودت را در قلب مؤمن قرار داد و حضرت علی علیه السلام را امیرمؤمنان قرار داد پس کسی که محبت آن حضرت را ندارد از مؤمنین بیرون است (مشرک، کافر و یا فاسق است).

۵- پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله محبت به حضرت علی علیه السلام را علامت طیب ولادت قرار داد. لا يَحِبُّكَ إِلَّا مَنْ طَابَتْ وِلَادَتُهُ^(۴).

۶- در حدیث کسا آمده که خلقت آسمان و زمین و... فقط به خاطر محبت اهل بیت علیهم السلام بوده است «ما خلقت سماء مبنية ولا أرضاً مدحية... ولا فلکاً يدور ولا فلکاً يسرى إلا في محبة هؤلاء الخمسة»^(۵).

۷- هر کس علی علیه السلام را و اهل بیت علیهم السلام را دوست بدارد، خدا را دوست داشته است.

من أحبكم فقد أحب الله^(۶).

۱- بحارالانوار: ج ۲۷ ص ۸۳. ۲- سوره احزاب: ۴.

۳- سوره شوری: ۲۳. ۴- محاسن برقی: ج ۱ ص ۱۳۸.

۵- عوالم العلوم: ج ۱۱ ص ۹۳۳. ۶- من لایحضره الفقیه: ج ۲ ص ۶۱۳.

درس یازدهم آیه محبت

در روز هفده ذی الحجّه سال دهم هجری (حجّه البلاغ) بعد از نماز ظهر، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با صدای بلند این گونه دعا کردند و فرمودند:

اللهم هب لعلی المودّة في صدور المؤمنین والهیبة والعظمة في صدور المنافقین.^(۱)

بعد به حضرت علی علیه السلام فرمودند: دعا کن. ایشان عرض کردند: چه دعایی کنم؟ فرمودند: بگو. خدایا برای من در نزد خود عهد و پیمانی قرار ده (دوستی و محبتی) و برای من در قلب مؤمنین محبتی قرار ده.

حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام هم سه مرتبه دعا کردند و فرمودند: خدایا محبت و مودت من را در قلوب مردان و زنان مؤمن ثابت بدار و پیامبر آمین گفتند و این آیه نازل شد: ﴿إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا﴾^(۲) و بدین گونه در اثر دعای امیرالمؤمنین و پیامبر صلی الله علیه و آله خداوند تکویناً در دل مؤمنین محبت حضرت علی علیه السلام را قرار داد.

نکات و استدلال به آیه محبت برای اثبات حقانیت عقاید شیعه

۱- محبت حضرت علی علیه السلام در قلوب مؤمنین امری الهی است به همین خاطر با مشکلات خارج نمی‌شود. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند:

اگر با مشت به دماغ مؤمن بزنم که مرا دوست نداشته باشد نمی‌تواند و اگر همهی

۱- بحارالانوار: ج ۳۵ ص ۳۵۴. ۲- سوره مریم: ۹۶-۹۷.

۴- علت آفرینش آسمان و زمین چه بوده است؟

منابع جهت پژوهش

- ۱- بحار الانوار: ج ۳۵، ص ۲۵۴.
- ۲- تفسر عیاشی: ج ۲، ص ۱۴۲.
- ۳- تفسیر نور الثقلین: ج ۲، ص ۳۴۳.
- ۴- تفسیر ثعلبی، ج ۶، ص ۲۳۳.
- ۵- شواهد التنزیل: ج ۱، ص ۶۴.

۸- همان گونه که حضرت علی علیه السلام نفس پیامبر صلی الله علیه و آله است، کسی که پیامبر را دوست دارد باید نفس پیامبر را هم دوست بدارد و کسی که پیامبر را دوست ندارد باید از دشمن پیامبر بیزار باشد.

۹- محبت به امیرمؤمنان علیه السلام آن قدر عظیم و والاست که نیاز به دعای خاص پدرانیه پیامبر و امیرمؤمنان دارد. «اللهم هب لعلی الموده» و نیز فرمودند: «أنا وعلی أبوا هذه الأمة»^(۱) و پدران امت دلسوزترین افراد برای امت بودند.

۱۰- بعضی از زنان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تصریح می کردند که علی علیه السلام را دوست ندارند. این اقرار آنان دلیل بر بی ایمانی آنهاست.

خلاصه بحث

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله جهت هدایت مردم، امت خود را دعا کردند که خداوند محبت حضرت علی علیه السلام را در دل مؤمنین قرار دهد و خداوند آن دعا را اجابت نمود و در دل مؤمنین تا قیامت محبت حضرت علی علیه السلام را قرار داد. اگر کسی آن را یافت شکر کند و اگر نیافت یا آن را کم رنگ دید از خداوند بخواهد که در دل او قرار دهد و خداوند این محبت را تنها راه تقرب به خود قرار داد و عدم آن را باعث خبثت و ورود در جرگه‌ی منافقین قرار داد.

ارزیابی

- ۱- آیه محبت کدام آیه است؟ شأن نزول آن را بیان کنید.
- ۲- آیا محبت امیرالمؤمنین علیه السلام با دوست داشتن مخالفین ایشان جمع می شود؟ چرا؟
- ۳- آیا کسی که محبت علی علیه السلام را ندارد حلال زاده است؟ با روایت مستدل بیان کنید.

نکات و استدلال به آیه اکمال در اثبات حقانیت امیرالمؤمنین علیه السلام

انتصاب جانشین صالح برای رسول خدا صلی الله علیه و آله از جانب خداوند متعال موجب یأس و ناامیدی کافران شد. بنابراین اگر انتخاب امامت جامعه الهی نباشد موجب طمع دشمنان و نفوذ کافران در روزنه هدایت فردی و اجتماعی و نظام اعتقادی و مدیریتی جامعه مسلمین خواهد شد **﴿الْيَوْمَ يَأْسُ الَّذِينَ كَفَرُوا﴾**.

تا زمانی که تمام مسلمین ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام را نپذیرند، اذیت و آزار کفار و مشرکین ادامه خواهد داشت.

با نصب الهی امام و ناامیدی کافران جای هیچ گونه ترس و نگرانی از دشمنان نخواهد بود **﴿فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْن﴾**.

کمال دین به مسئله امامت است و دین اسلام، بدون امام منصوب از جانب خداوند متعال دینی ناقص خواهد بود که مورد تأیید الهی نخواهد بود **﴿الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ﴾**.

در میان تمامی نعمات الهی، برترین و تمام‌ترین نعمت، امام صالح است و بالاتر از آن، نعمت دیگری وجود ندارد **﴿أَتَمَّمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي﴾**.

از مهم‌ترین سؤالات روز قیامت، سؤال از نعمت ولایت خواهد بود (لتسئلن یومئذ عن النعم).^(۱)

۱. عیون أخبار الرضا علیه السلام؛ ج ۲؛ ص ۱۲۹: حَدَّثَنَا إِبْرَاهِيمُ بْنُ عَبَّاسٍ كُنَّا يَوْمًا بَيْنَ يَدَيْ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى علیه السلام فَقَالَ لِي لَيْسَ فِي الدُّنْيَا نِعِيمٌ حَقِيقِي فَقَالَ لَهُ بَعْضُ الْفُقَهَاءِ مِمَّنْ يَحْضَرُهُ فَيَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ ثُمَّ كُنْتُمْ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ أَمَا هَذَا النَّعِيمُ فِي الدُّنْيَا وَهُوَ الْمَاءُ الْبَارِدُ فَقَالَ لَهُ الرُّضَا علیه السلام وَ عَلَا صَوْتُهُ كَذَا فَسَوَّيْتُهُمْ أَنْتُمْ وَ جَعَلْتُمُوهُ عَلَيَّ ضُرُوبٍ فَقَالَتْ طَائِفَةٌ هُوَ الْمَاءُ الْبَارِدُ وَ قَالَ غَيْرُهُمْ هُوَ الطَّعَامُ الطَّيِّبُ وَ قَالَ هُوَ التَّوَمُّ الطَّيِّبُ قَالَ الرُّضَا علیه السلام وَ لَقَدْ حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ أَبِيهِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الصَّادِقِ علیه السلام أَنَّ أَقْوَالَكُمْ هَذِهِ ذُكِرَتْ عِنْدَهُ فِي قَوْلِ اللَّهِ تَعَالَى ثُمَّ كُنْتُمْ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ فَغَضِبَ علیه السلام وَ قَالَ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ لَا يَسْأَلُ عِبَادَهُ عَمَّا تَفَضَّلَ عَلَيْهِمْ بِهِ وَ لَا يَمُنُّ بِذَلِكَ عَلَيْهِمْ وَ الْبَائِئِنَانُ بِالْإِنْعَامِ مُسْتَفْتِحِينَ مِنَ الْمَخْلُوقِينَ فَكَيْفَ يُضَافُ إِلَى الْخَالِقِ عَزَّ وَجَلَّ مَا لَا يَرْضَى



درس دوازدهم

آیه اکمال

یکی دیگر از ده‌ها آیه ای که در جریان نصب الهی امیرالمؤمنین علیه السلام به عنوان خلیفه بلافضل رسول خدا صلی الله علیه و آله نازل شد «آیه اکمال» است.

﴿الْيَوْمَ يَأْسُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَاؤُنَ الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ أَتَمَّمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيتُ لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا﴾^(۱)

امروز کافران از شکست دین شما ناامید شده‌اند بنابراین از آنان مترسید و از من بترسید. امروز دینتان را برای شما کامل، و نعمتم را بر شما تمام کردم، و اسلام را برایتان به عنوان دین پسندیدم.

شأن نزول آیه اکمال

پس از موفقیت رسول خدا صلی الله علیه و آله در اعلان و نصب رسمی ولایت و جانشینی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیعت عمومی با ایشان، آیه اکمال توسط جبرئیل نازل شد. در این هنگام بود که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند:

الله اكبر! الله اكبر! على اكمال الدين و اتمام النعمة و رضى الرب برسائتي و ولاية علي بن ابي طالب بعدي.^(۲)

خدا بزرگ تر از آن است که توصیف شود همان خدای بزرگی که دین خود را کامل ساخت و نعمت خویش را بر ما تمام کرد و از رسالت من و ولایت علی بن ابی طالب پس از من راضی و خشنود شد.

۲. مرآة العقول، ج ۳، ص ۲۵۷.

۱. سوره مائده، آیه ۳.

دین مورد رضا و پسند خدای منان، اسلام همراه با امامت است ﴿قَالَتِ الْأَعْرَابُ آمَنَّا قَل لَمْ نُوْمِنُوا وَلَكِنْ قُولُوا أَسْلَمْنَا وَلَمَّا يَدْخُلِ الْإِيمَانُ فِي قُلُوبِكُمْ﴾^(۱) و منهای امامت، اسلام و مسلمانی نه تنها مورد پسند و رضایت الهی نخواهد بود، بلکه مورد خشم و غضب خدا خواهد بود ﴿و رَضِيَتْ لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا﴾.

افراد با ایمانی چون سلمان و ابوذر یا عمار و مقداد که قبل از غدیر، ولایت امیرالمؤمنین را پذیرفته بودند نیز پس از بیعت در غدیر ایمانشان کامل شد. چرا که در غدیرخیم، بیعت برای ۱۲ امام گرفته شد و دین کامل گشت.

ارزیابی

۱. آیه اکمال چه زمانی و در شأن چه کسی نازل شد؟
۲. سخن رسول خدا ﷺ پس از نزول آیه اکمال چه بود؟
۳. چه زمانی کافران از شکست دین اسلام مأیوس می شوند؟
۴. چرا کمال دین و برترین نعمت الهی امر و ولایت و امامت است؟
۵. چرا حضرت ابراهیم علیهِ السلام به مقام امامت رسیدند؟

درس سیزدهم حماسه جاوید غدیر

پس از اتمام اعمال مناسک حج رسول خدا ﷺ در حجة البلاغ، فرمان الهی در نصب جانشین نازل می شود. جبرئیل پی در پی فرود می آید و رسول خدا ﷺ را مأمور معرفی حضرت علی علیهِ السلام به عنوان خلیفه بلا فصل و جانشین خود می کند، اما رسول خدا ﷺ می فرماید:

سَأَلْتُ جَبْرَائِيلَ أَنْ يَسْتَعْفِيَ لِي عَنْ تَبْلِيغِ ذَلِكَ إِلَيْكُمْ، أَيُّهَا النَّاسُ لِعِلْمِي بِقَلَّةِ الْمُتَّقِينَ وَكَثْرَةِ الْمُنَافِقِينَ.^(۱)

ای جبرئیل مرا از بیان این حقیقت معاف دار که می دانم افراد با تقوا بسیار کم و منافقان بسیار زیاد هستند.

اما با فرمان مؤکد، همراه با تحذیر الهی مواجه می شود.

پیامبر اکرم ﷺ مردم را در کنار برکه غدیر فرا می خوانند سلمان و مقداد و ابوذر و عمار محیط را آماده می کنند، منبری آماده شده و پیامبر ﷺ خطبه‌ی غدیر را ایراد می کنند.

در بین خطبه از مردم بر ولایت امیرالمؤمنین علیهِ السلام اقرار می گیرند و سپس اهل بیت تا امام زمان علیهِ السلام را معرفی می کنند و در مدت سه روز مردم با حضرت علی علیهِ السلام با عنوان امیرالمؤمنین بیعت می کنند. حتی زنان، با گذاشتن دست خود در داخل طشت آبی که دست مبارک حضرت علی علیهِ السلام هم در سوی دیگر آن قرار دارد بیعت می کنند.

۱- احتجاج طبرسی: ج ۱ ص ۵۹.

▲ الْمَخْلُوقُ بِهِ وَ لَكِنَّ التَّعْيِيمَ حُبْنًا أَهْلَ الْبَيْتِ وَ مَوَالِمْنَا يَسْأَلُ اللَّهُ عِبَادَهُ عَنْهُ بَعْدَ التَّوْحِيدِ وَ التَّبَوُّؤِ لِأَنَّ الْعَبْدَ إِذَا وَفَى بِذَلِكَ أَذَاهُ إِلَى تَعْيِيمِ الْجَنَّةِ الَّتِي لَا يَزُولُ وَ لَقَدْ حَدَّثَنِي بِذَلِكَ أَبِي عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ أَنَّهُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يَا عَلِيُّ إِنَّ أَوَّلَ مَا يُسْأَلُ عَنْهُ الْعَبْدُ بَعْدَ مَوْتِهِ شَهَادَةُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ ﷺ وَ أَنَّكَ وَ لِيُّ الْمُؤْمِنِينَ بِمَا جَعَلَهُ اللَّهُ وَ جَعَلْتَهُ لَكَ قَمَرًا أَقْرَبَ بِذَلِكَ وَ كَانَ يَعْتَقِدُهُ صَارَ إِلَى التَّعْيِيمِ الَّتِي لَا زَوَالَ لَهَا.

۱- سورة الجرات: آیه ۱۴.

نکات و استدلال بر حَقانیت عقاید شیعه با استفاده از آیات و روایات غدیر

۱- پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از طرف خدا دو چیز آورده است یکی قرآن و یکی امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام و پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در حدیث ثقلین فرمودند: **إِنَّهُمَا لَنْ يَفْتَرِقَا**^(۱).

و رسالت پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ با این دو واقع می شود و پذیرش رسالت نیز با پذیرش هر دو مورد رضایت خدا قرار می گیرد.

۲- پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در غدیر فرمودند: **مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ**^(۲).

هر کس من مولای او هستم علی عَلَيْهِ السَّلَام مولای اوست

و چون پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مولای جن و انس و ملائکه مقرب هستند، امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام هم مولای همه هستند.

۳- پذیرش ولایت امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام پذیرش ولایت خداست **مَنْ وَالَاكُمْ فَقَدْ وَالَى اللَّهَ**^(۳).

پس اگر خداوند از دینی راضی شده است که مؤمنین به آن دین، ولایت امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام را پذیرفته باشند، یعنی خداوند از دینی راضی شده که ولایت خداوند را پذیرفته باشد و در آیه ولایت **إِنَّمَا وَلِيكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ**^(۴) خداوند ولایت خود و رسولش و امیرالمؤمنین را در کنار هم بیان کرده است.

۴- همان طور که اگر کسی ولایت الهی را نپذیرد از توحید بیرون رفته است، کسی که ولایت امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام را نپذیرد از توحید خارج شده است.

مَنْ جَحَدَكُمْ كَافِرٌ وَمَنْ حَارَبَكُمْ مُشْرِكٌ.

۵- حدیث قدسی «كَلِمَةُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ حِصْنِي...» و حدیث «وَلَايَةَ عَلِيٍّ بَنِ أَبِي طَالِبٍ حِصْنِي...» نشان می دهد که توحید بدون ولایت امکان ندارد و خداوند زادگاه صاحب ولایت را در مرکز توحید، کعبه قرار داده است.

۶- طبق آیه **﴿وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا لِمُؤْمِنَةٍ إِذَا قَضَى اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا مُّبِينًا﴾**^(۱) هرگاه خدا و رسولش امری را حتمی کنند هیچ مرد و زن مؤمنی در برابرش اختیاری ندارند و اگر کسی نافرمانی خدا و رسول را نماید در گمراهی آشکاری قرار گرفته است.

بنا بر این وقتی خدا و رسولش، حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَام را به عنوان ولی و خلیفه معرفی کرده اند، دیگر مردم در این زمینه اختیاری ندارند و اگر نپذیرند در گمراهی آشکار قرار گرفته اند.

۷- فراز شریفه «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ»^(۲) دلالت بر عصمت امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام می کند چون پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مولای فرشتگان هستند و حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَام هم مولای آنها است و فرشتگان معصومند **﴿لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ﴾**^(۳). پس مولای آنها هم باید عصمتی بالاتر داشته باشد.

۸- انتصاب و معرفی امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام در روز غدیر با وجودی که تمام سران صحابه در آن مکان حضور داشتند نشان از افضلیت ایشان بر دیگر صحابه دارد.

۹- این که پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در روز غدیر به همه امر فرمودند که طی سه روز غدیر با امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام بیعت کنند و او را با لفظ امیرالمؤمنین خطاب کنند دلیل آن است که مولا به معنای امیر و سرپرست است.

۱۰- اگر مولا به معنای دوست باشد نقض غرض می شود یعنی به جای این که فضیلتی برای امیرالمؤمنین باشد، نقصی برای امیرالمؤمنین اثبات می شود به این معنی که: ای علی! هر کس من دوست او هستم تو هم باید دوست او باشی! یعنی تکلیفی بر حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَام است نه این که فضیلتی برای حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَام باشد.

۱۱- این که پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به تمام زنان امر کردند که با قرار دادن دست خود در

۲- کافی: ج ۱ ص ۲۷۸.

۱- سوره احزاب: آیه ۳۶.

۳- سوره تحریم: ۷.

۲- کافی: ج ۱ ص ۲۷۸.

۱- کافی: ج ۲ ص ۴۱۵.

۴- سوره مائده: ۵۵.

۳- بحار الانوار: ج ۹۹ ص ۱۲۹.

ارزیابی

- ۱- عبارت ﴿وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ﴾ اشاره به چه مطلبی دارد؟
- ۲- به وسیله‌ی آیات و روایات غدیر حَقَانِیت تشیع را اثبات کنید.
- ۳- آیه ﴿وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا لِمُؤْمِنَةٍ إِذَا قَضَى اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ﴾^(۱) چگونه نفی انتخابی بودن امامت را اثبات می‌کند.
- ۴- با توجه به «من كنت مولاه وهذا عليّ مولاه»^(۲) و کلمه «انفسنا» در آیه مباحله چه مطالبی استفاده می‌شود؟
- ۵- آیه تبلیغ را کامل بیاورید و نحوه‌ی استدلال به آیه برای امامت را توضیح دهید؟
- ۶- چرا آیه تبلیغ تنها دلالت بر امامت دارد و بر اصول و فروع دیگر دین دلالت ندارد؟

منابع جهت پژوهش

- ۱- تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۹۸.
- ۲- تفسیر فرات: ص ۵۱۶.
- ۳- بحار الانورا: ج ۳۷، ص ۱۵۲.
- ۴- بصائر الدرجات، ص ۹۷.
- ۵- سنن ابن ماجه: ج ۱، ص ۴۵.
- ۶- مسند احمد: ج ۱، ص ۸۴.

طشت آبی که طرف دیگر آن دست حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَام بود با ایشان بیعت کنند، دلیل بر آن است که زنان پیامبر نیز باید مطیع امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام باشند و اگر یکی از آنها به جنگ حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَام رفت مردم باید از حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَام تبعیت کنند نه آن زن و آن زن بیعت خود را شکسته است و جزء محاربین قرار گرفته. «من حاربکم فقد حارب الله».

۱۲- پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمودند: «من كنت مولاه فهذا عليّ مولاه»^(۱) تفسیر «انفسنا» در آیه مباحله است یعنی هر کسی که من مولای او هستم جان من هم (علی عَلَيْهِ السَّلَام) مولای اوست.

۱۳- در روایتی پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمودند: «أنا و عليّ أبوا هذه الأمة»^(۲) یکی از تفاسیر آن را در غدیر فرمودند که یعنی «من كنت مولاه فهذا عليّ مولاه»^(۳) به بیان دیگر پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمودند: «أنا و عليّ من شجرة واحدة»^(۴) در غدیر نیز تأکید کردند که آن شجره‌ای که تا کنون مولای شما بود همان شجره در آینده نیز مولای شما خواهد بود.

خلاصه بحث

پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در بازگشت از حجة البلاغ به امر الهی برای امامت امیرالمؤمنین از مردم بیعت گرفتند، و در خطبه‌ای اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام و امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام را معرفی کردند و همه را موظف به تبلیغ غدیر نمودند و نشان دادند که امامت انتصابی است نه انتخابی و همان گونه که خود، مولای ما سوی الله بودند، امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام را مولای ما سوی الله نامیدند.

۲- عیون اخبار الرضا: ج ۲ ص ۸۶.

۱- کافی: ج ۱ ص ۲۷۸.

۴- عیون اخبار الرضا: ج ۲ ص ۶۳.

۳- کافی: ج ۱ ص ۲۷۸.

۲- کافی: ج ۱ ص ۲۷۸.

۱- سوره احزاب: ۳۶.

رکوع زکات دادند به عنوان امام معرفی کرده بود و من می دانم که مؤمنین در بین شما کم و تعداد منافقین بسیارند (ولی خداوند ضمانت کرده که آسیبی به من نرسد).

«معاشر الناس، إن الله قد نصبه لكم ولياً اماماً مفترضاً طاعته»^(۱)؛ ای مردم خداوند حضرت علی عليه السلام را مولا و امام شما قرار داد و اطاعت او را بر همه واجب کرد. و فرمودند: «ملعون من خالفه»؛ هر کس با ایشان مخالفت کند ملعون است. ای مردم خداوند مولا و ولی شماست و پس از او رسول او محمد صلى الله عليه وآله (این کسی که با شما سخن می گوید) مولای شماست و پس از من علی عليه السلام مولای شماست و پس از علی عليه السلام، فرزندان او امامان شما هستند. ای مردم از علی روی بر مگردانید و از ولایتش سرپیچی نکنید او اولین کسی است که ایمان آورد و جانفش را فدای رسول خدا کرد، او بعد از من امام شماست و اگر کسی ولایتش را نپذیرد هر چه قدر توبه کند خدا توبه اش را نمی پذیرد. ای مردم کسی که در نبوت من شک کند، کافر است و اگر کسی بر این کلام من (امامت امیرالمؤمنین) شک کند، در همه ی کلام من شک کرده است و او اهل آتش است.

جانشینی علی عليه السلام هدیه ی خدا به من بود. علی عليه السلام پس از من بهترین انسان ها است به وسیله ما خداوند روزی را بر مردم نازل می کند، ملعون است ملعون است کسی که این سخن را نپذیرد. جبرئیل از طرف خدا خبر آورد که هر کس ولایت علی عليه السلام را پذیرفت، نعمت من مستحق او باد.

ای مردم، «من كنت مولاة فهذا علي مولاة».

درس چهاردهم

آشنایی با خطبه غدیر

پیامبر اکرم صلى الله عليه وآله در روز غدیر خطبه ی مفصلی ایراد فرمودند.

در ابتدا از خداشناسی و معارف توحیدی سخن راندند. از جمله فرمودند:

«هو منشيء الشيء حين لا شيء»؛ خدا از هیچ، همه چیز را پدید آورد.

«جل أن تدرکه الأبصار»؛ او از آن برتر است که چشم ها او را ببینند.

«يُفقر ويغني ويضحك و يبكي»؛ او است که فقیر می کند و بی نیاز می کند و می خنداند و می گریاند.

و سپس حمد الهی را به جای آورده و فرمود:

«أحمده في السراء والضراء»؛ او را در سختی و آرامش، سپاس می گویم

«و أقر له على نفسي بالعبودية»^(۱)؛ اقرار می کنم که من بنده ی خدا هستم.

مطرح نمودن جانشینی بعد از خود

«من می خواهم دستور خدا را اطاعت کنم که اگر ابلاغ نکنم مرا عذاب خواهد کرد. خداوند فرمود: ﴿يا أيها الرسول﴾ ابلاغ کن آنچه را در رابطه با علی عليه السلام به سوی تو نازل شده و جبرئیل سه مرتبه پیش من آمد و گفت: در این مکان به همه اعلام می کنم که علی بن ابی طالب عليه السلام برادر من و خلیفه من و امام بعد از من هستند و مکان او نزد من مانند هارون عليه السلام نزد موسی عليه السلام است، با این تفاوت که بعد از من پیامبری نخواهد آمد و قبلاً خداوند در آیه ولایت ایشان را که در حالت

والمغتصبین.

من و علی علیه السلام و ائمه بعد از علی از نسل او صراط الله المستقیم هستیم. و حزب او حزب خدا است.

ای مردم! بدانید خاتم ائمه، حضرت مهدی علیه السلام است که قیام خواهد کرد و از ظالمین انتقام خواهد گرفت. او وارث تمام علوم است و خداوند کارها را به وسیله او برتری داده است و پس از او حجّتی وجود ندارد.

ای مردم بعد از بیان خطبه، شما را دعوت می‌کنم که با علی علیه السلام بیعت کنید. بدانید که من با خدا بیعت کرده‌ام و علی علیه السلام با من بیعت کرده است و شما باید به امر خدا با او بیعت کنید.

و فرمودند: به من امر شده است که از شما برای حضرت علی علیه السلام و ائمه بعد از حضرت علی از جمله حضرت مهدی علیه السلام در این مکان بیعت بگیرم. ای مردم، با علی و حسن و حسین و ائمه علیهم السلام بیعت کنید.

معاشر الناس، قولوا ما یرضی الله به عنکم من القول فان تکفروا انتم و من فی الارض جمیعاً... فلن یضّر الله شیئاً.^(۱)

خلاصه بحث

پیامبر صلی الله علیه و آله در خطبه‌ی غدیر به روشنی برای امامت امیرالمؤمنین و امام حسن و امام حسین و اولاد معصومین شان علیهم السلام و مخصوصاً برای امام زمان عجل الله تعالی فرجه با دست و زبان بیعت گرفتند و فرمودند: هر کسی ولایتشان را نپذیرد هر قدر هم از گناهانش توبه کند، گناهانش بخشیده نخواهد شد. و اگر کسی در این امر شک کند از اهل آتش است و فرمودند: این مطلب را حاضران به غائبان و پدران به فرزندان (هر نسلی به نسل بعد) واجب است که برسانند و فرمودند: کسانی که بعد

حضرت علی علیه السلام و اولاد معصومش از قرآن جدا نمی‌شوند و بدانید که لقب امیرالمؤمنین برای غیر حضرت علی علیه السلام جایز نیست.

سپس دست حضرت علی علیه السلام را بلند کرده و فرمودند: ای مردم! این علی، برادر من وصی و خلیفه من در امت من است و به امر خدا با ناکثین و قاسطین و مارقین قتال خواهد کرد.

«اللهم وال من ولاء» خدایا! ولی کسی باش که علی علیه السلام ولی اوست.

اگر کسی علی و اولاد او را امام خود نداند تمام اعمال نیکش از بین خواهد رفت و همیشه در جهنّم خواهد بود.

ای مردم ذریه‌ی هر پیامبری از نسل خود اوست، و ذریه‌ی من از نسل امیرمؤمنان است. در بین شما دشمنان خدا وجود دارند، و بدانید فقط متّقین ولایت او را می‌پذیرند. ای مردم، نور خدا در من قرار دارد و پس از من در حضرت علی علیه السلام و پس از او در ذریه‌ی او تا قائم ما، حضرت مهدی علیه السلام.

پس از من کسانی خود را به عنوان امام معرفی می‌کنند که مردم را به سمت آتش دعوت می‌کنند. من و خدا از آنها بیزار هستیم. بدانید که آنها و یارانشان و اتباعشان و پیروانشان در قعر جهنّم قرار دارند. «انهم و انصارهم و اتباعهم و اشیاعهم فی الدرك الاسفل من النار»^(۱).

ای مردم! من امر امامت را در نسل خود به صورت وراثت قرار دادم! تا روز قیامت.

«فلیبغ الحاضر الغائب ووالد الولد الی یوم القیامة»^(۲).

پس باید پیام امروز مرا حاضران به غائبان از نسل امروز به نسل‌های آینده و پدران برای فرزندان نسل به نسل تا روز قیامت برسانند. ألا لعن الله الغاصبین

از من خود را به جای علی عَلَيْهِ السَّلَامُ خلیفه معرفی کنند خودشان و یارانشان و پیروانشان در بدترین قسمت جهنم هستند.

ارزیابی

- ۱- آیا پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در خطبه‌ی غدیر فقط برای حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَامُ بیعت گرفتند؟ توضیح دهید.
- ۲- کسانی که ولایت امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ را نپذیرند در قیامت چه جایگاهی خواهند داشت؟
- ۳- شک کنندگان در نبوت و شک کنندگان در ولایت امیرالمؤمنین چه حکمی دارند؟
- ۴- چهار فضیلت از فضائل امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ را به وسیله‌ی خطبه‌ی غدیر بیان کنید.

منابع جهت پژوهش

- ۱- الغدیر، ج ۱، ص ۱۴۵.
- ۲- احتجاج، ج ۱، ص ۶۵.
- ۳- اقبال: ص ۴۵۴.
- ۴- قسمتی از خطبه در کتاب مسند احمد و مسند ترمذی و سنن نسایی و تاریخ بغداد و تفسیر طبری و غیره آورده شده است.

درس پانزدهم

استمرار امامت «از غدیر تا ظهور»

با انتصاب الهی امیرالمؤمنین علی عَلَيْهِ السَّلَامُ در روز ۱۸ ذی الحجه به امامت، رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ خطبه‌ای مفصل ایراد نموده و استمرار خط امامت از غدیر تا ظهور را ترسیم نموده و خواستار بیعت، تبعیت و پیروی عموم مسلمین از این صراط مستقیم الهی شدند.

مَعَاشِرَ النَّاسِ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَبَايِعُوا عَلِيًّا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ وَالْأئِمَّةَ عَلَيْهِ السَّلَامُ
كَلِمَةً طَيِّبَةً بَاقِيَةً...

ای گروه مردمان! از خدا بترسید و با تقوا باشید و با علی به عنوان امیرالمؤمنین و امام حسن و حسین و دیگر ائمه اطهار عَلَيْهِمُ السَّلَامُ که کلام پاک و پایدار خدایند بیعت کنید.

آن‌گاه عاقبت بیعت کنندگان و پیمان شکنان را مطرح نموده و فرمودند:

... يَهْلِكُ اللَّهُ مَنْ عَدَرَ وَبِرَحْمِ اللَّهِ مَنْ وَفَى فَمَنْ نَكَثَ فَإِنَّمَا يَنْكُثُ عَلَى نَفْسِهِ (۱)

هر آن‌که در این بیعت نیرنگ و خیانت کند خداوند او را نابود سازد و هر که در عهد خود استقامت نماید مشمول رحمت الهی باشد.

بیان تفصیلی مهدویت در خطبه غدیر

رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در خطبه بلیغ و شیوای غدیر نام دو امام را به صورت تفصیل با معرفی شخصیت، ویژگی‌ها و صفات نام بردند:

۱. احتجاج طبرسی، ج ۱، ص ۶۶.

۱. سیدالوصیین امیرالمؤمنین علی عَلَيْهِ السَّلَامُ

۲. خاتم الاوصیاء حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ با معرفی شخصیت بی نظیر علی بن ابیطالب عَلَيْهِ السَّلَامُ به عنوان خلیفه بلا فصل و جانشین حقیقی خاتم الانبیاء از یک سو و نشان دادن خط سیر امامت تا افاق مهدویت با معرفی خاتم الاوصیاء عجل الله تعالی فرجه الشریف از دیگر سو خط امامت را از ابتدا تا انتها ترسیم نمودند.

... مَعَاشِرَ النَّاسِ إِنِّي نَبِيٌّ وَعَلِيٌّ وَصِيٌّ أَلَا إِنَّ خَاتَمَ الْأَيِّمَةِ مِنَّا الْقَائِمُ الْمَهْدِيُّ أَلَا إِنَّهُ الظَّاهِرُ عَلَى الدِّينِ أَلَا إِنَّهُ الْمُتَّقِمُ مِنَ الظَّالِمِينَ أَلَا إِنَّهُ فَاتِحُ الحُصُونِ وَ هَادِمُهَا أَلَا إِنَّهُ قَاتِلُ كُلِّ قَبِيلَةٍ مِنْ أَهْلِ الشُّرْكِ أَلَا إِنَّهُ مُدْرِكٌ بِكُلِّ ثَارٍ لِأَوْلِيَاءِ اللَّهِ أَلَا إِنَّهُ النَّاصِرُ لِديْنِ اللَّهِ أَلَا إِنَّهُ الْعَرَّافُ فِي بَحْرِ عَمِيقٍ أَلَا إِنَّهُ يَسْمُ كُلَّ ذِي فَضْلٍ بِفَضْلِهِ وَ كُلَّ ذِي جَهْلٍ بِجَهْلِهِ أَلَا إِنَّهُ خَيْرَةُ اللَّهِ وَ مُخْتَارُهُ أَلَا إِنَّهُ وَارِثُ كُلِّ عِلْمٍ وَ الْمُحِيطُ بِهِ أَلَا إِنَّهُ الْمُخْبِرُ عَنْ رَبِّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ الْمُنْبَهُ بِأَمْرِ إِيْمَانِهِ أَلَا إِنَّهُ الرَّشِيدُ السَّيِّدُ أَلَا إِنَّهُ الْمُفَوَّضُ إِلَيْهِ أَلَا إِنَّهُ قَدْ بُشِّرَ بِهِ مَنْ سَلَفَ بَيْنَ يَدَيْهِ - أَلَا إِنَّهُ الْبَاقِي حُجَّةً وَ لَا حُجَّةَ بَعْدَهُ وَ لَا حَقَّ إِلَّا مَعَهُ وَ لَا نُورَ إِلَّا عِنْدَهُ أَلَا إِنَّهُ لَا غَالِبَ لَهُ وَ لَا مُنْصَوِّرَ عَلَيْهِ أَلَا وَ إِنَّهُ وَلِيُّ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَ حَكْمُهُ فِي خَلْقِهِ وَ أَمِينُهُ فِي سِرِّهِ وَ عَلَانِيَتِهِ. (۱)

ای مردم! من پیامبر خدا و علی وصی من است.

بدانید و آگاه باشید! آخرین امام از خاندان ما همان «قائم مهدی» است.

بدانید و آگاه باشید! او یاور دین خداست.

بدانید و آگاه باشید! او انتقام گیرنده از ستمکاران است.

بدانید و آگاه باشید! او گشاینده دژهای استوار و ویران گر قلعه‌های مستحکم

است.

بدانید و آگاه باشید! او نابودگر تمام مشرکین است.

بدانید و آگاه باشید! او منتقم خون‌های به ناحق ریخته شده اولیاء خداست.

بدانید و آگاه باشید! او پشتیبان دین خداست.

بدانید و آگاه باشید! او کشتیان اقیانوس بی پایان علوم و معارف است.

بدانید و آگاه باشید! او نمایانگر هر شخصیت ارجمند است به برتری اش و هر

نادن به ناخردی اش.

بدانید و آگاه باشید! او برگزیده خداست.

بدانید و آگاه باشید! او وارث همه دانش‌هاست و احاطه به همه آنها دارد.

بدانید و آگاه باشید! او خبر دهنده از خدای عزوجل و مراتب ایمان به اوست.

بدانید و آگاه باشید! او رشید و استوار است.

بدانید و آگاه باشید! که امر دین و دنیا به او واگذار شده است.

بدانید و آگاه باشید! گذشتگان به ظهور وی مژده و بشارت داده اند.

بدانید و آگاه باشید! او حجت پایدار خداست و پس از او حجت دیگری نیست

و حق در مدار او و همراه اوست و نور و روشنائی در کنار اوست.

بدانید و آگاه باشید! هرگز کسی بر او پیروز نمی شود و کسی را در برابر او

نتوان یاری نمود.

بدانید و آگاه باشید! او ولی خدا در گستره زمین و فرمانروای او در میان

آفریدگانش و امین او در نهان و آشکار است...

آن گاه رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در فرازهای پایانی خطبه بلیغ و شیوای غدیر به مسئله

مهم مهدویت اشاره نموده و بار دیگر مسلمین را متوجه خط سیر امامت از

وصایت تا مهدویت و بیعت با این شجره طیبه نمودند:

... فَأَمْرُتُ أَنْ أَخْذَ الْبَيْعَةَ مِنْكُمْ وَ الصَّفْقَةَ لَكُمْ بِقَبُولِ مَا حِثُّتُ بِهِ عَنِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ

فِي عَلِيِّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْأَيْمَةَ مِنْ بَعْدِهِ الَّذِينَ هُمْ مِنِّي وَ مِنْهُ أَيْمَةٌ قَائِمَةٌ مِنْهُمْ

۱. احتجاج علی أهل اللجاج، للطبرسی: ج ۱؛ ص ۶۳.

أَطَعْنَا اللَّهَ بِذَلِكَ وَإِيَّاكَ وَعَلِيًّا وَالْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ وَالْأئِمَّةَ الَّذِينَ ذَكَرْتَ عَهْدًا وَ
مِيثَاقًا... (۱)

ای مردم! جمعیت شما بیش از آن است که بتوانید به یکباره و با یک دست با من بیعت کنید و پیمان ببندید ولی خدای عزوجل به من فرمان داده تا از زبان شما اقرار بگیرم و با زبان خود بیعت کنید به آن چه که در مورد علی علیه السلام و کسانی که بعد از او خواهند آمد آن امامانی که از نسل من و او هستند و من شما را آگاه ساخته بودم که فرزندان من از نسل او هستند و از شما در مورد آنان پیمان گرفتم. پس همگی به یک صدا بگویید: شنیدیم آن چه را که از جانب خدای خود و رب ما درباره ولایت و امامت علی علیه السلام و امامانی که از نسل او هستند ابلاغ نمودی و به آن راضی و خشنود هستیم و در برابر آن فرمانبرداریم. اکنون با دل و جان و زبان و دستان با تو بر قبولی ولایت بیعت می کنیم و با تو پیمان می بندیم که با این اعتقاد زندگی کنیم و با آن بمیریم و تا زمانی که سر از خاک بر می داریم به آن پای بند بوده و هرگز در آن تغییر ندهیم و در آن تردید و شک راه ندهیم و از عهد خود با تو برنگردیم و پیمان نشکنیم و از خدا و رسولش و امیرمؤمنان و فرزندانش همان پیشوایانی که نام بردی که از نسل تو و نسل او بعد از حسن و حسین علیه السلام هستند اطاعت می کنیم. هم چنین بگویید: در این امر از خدا و تو ای پیامبر و از علی و حسن و حسین و امامانی که نام بردی به خوبی اطاعت می کنیم.

نکات و استدلال به مهدویت در اثبات حقانیت شیعه

۱. در میان تمام ادیان و مذاهبی که اعتقاد به منجی آخرالزمانی دارند، مکتب اهل بیت علیهم السلام کامل ترین، بهترین و صحیح ترین اعتقاد را دارد که نشان از حقانیت مذهب شیعه دارد.

الْمَهْدِيُّ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ الَّذِي يَقْضِي بِالْحَقِّ ...

بدانید که من مأمورم از شما بیعت گرفته و دست بیعت کننده شما را بفشارم تا آنچه از سوی خدا درباره امیر مؤمنان علی و امامان پس از او علیهم السلام که از نسل من و نسل او هستند بپذیرید. همان امامانی که قیام کننده آنان مهدی است که دولت او تا قیامت به حق داورى کند.

... مَعَاشِرَ النَّاسِ الْقُرْآنُ يُعْرِفُكُمْ أَنَّ الْأئِمَّةَ مِنْ بَعْدِهِ وُلْدُهُ وَ عَرَفْتُمْ أَنَّهُ مِنِّي وَ أَنَا مِنْهُ حَيْثُ يَقُولُ اللَّهُ فِي كِتَابِهِ وَ جَعَلَهَا كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي عَقْبِهِ (۱) وَ قُلْتُ لَنْ تَضِلُّوا مَا إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا ...

ای مردم! قرآن پیشوایان پس از علی بن ابیطالب علیه السلام که از فرزندان او هستند به شما معرفی می کند و من نیز آنان را به شما معرفی نمودم که آنان از من و من نیز از آنان هستم و خدا درباره آنان چنین گفته است: «و خدای تعالی امامت را کلامی پایدار در نسل او قرار داده است» و من نیز به شما گفتم که اگر به آنان پناهنده شوید هرگز گمراه نشوید.

مَعَاشِرَ النَّاسِ إِنَّكُمْ أَكْثَرُ مِنْ أَنْ تُصَافِقُونِي بِكَفِّ وَاحِدَةٍ وَ قَدْ أَمَرَنِي اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ أَنْ أَخَذَ مِنْ أَلْسِنَتِكُمُ الْأَقْرَارَ بِمَا عَقَدْتُ لِعَلِيٍّ مِنْ أَمْرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ مَنْ جَاءَ بَعْدَهُ مِنَ الْأئِمَّةِ مِنِّي وَ مِنْهُ عَلِيٌّ مَا أَعْلَمْتُمْ أَنْ ذُرِّيَّتِي مِنْ صُلْبِهِ فَقُولُوا بِأَجْمَعِكُمْ إِنَّا سَامِعُونَ مُطِيعُونَ رَاضُونَ مُتَقَادُونَ لِمَا بَلَّغَتْ عَنْ رَبِّنَا وَ رَبِّكَ فِي أَمْرِ عَلِيٍّ وَ أَمْرٍ وُلْدِهِ مِنْ صُلْبِهِ مِنَ الْأئِمَّةِ نُبَايَعُكَ عَلَى ذَلِكَ بِقُلُوبِنَا وَ أَنْفُسِنَا وَ أَلْسِنَتِنَا وَ أَيْدِينَا عَلَى ذَلِكَ نَحْيًا وَ نَمُوتُ وَ نُبْعَثُ وَ لَا نَعْيَرُ وَ لَا نُبَدِّلُ وَ لَا نُنْشِكُ وَ لَا نُرْتَابُ وَ لَا نَرْجِعُ عَنْ عَهْدِهِ وَ لَا نَنْفُضُ الْمِيثَاقَ نَطِيعُ اللَّهِ وَ نَطِيعُكَ وَ عَلِيًّا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَ وُلْدَهُ الْأئِمَّةَ الَّذِينَ ذَكَرْتَهُمْ مِنْ ذُرِّيَّتِكَ مِنْ صُلْبِهِ بَعْدَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ وَ قُولُوا

۶. رسول خدا ﷺ با استناد به آیه ﴿وَجَعَلَهَا كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي عَقْبِهِ﴾^(۱) انتصابی بودن امامت به جعل الهی را مطرح نمودند. هم چنین لزوم امامت از نسل پیامبر ﷺ «فی عقبیه» و تداوم و استمرار امامت تا روز قیامت نیز مطرح می شود «کلمة باقیة»، همان گونه که در حدیث شریف ثقلین به آن اشاره شده است «حتی یردا علی الحوض».

ارزیابی

۱. رسول خدا ﷺ در خطابه غدیر از کدام یک از امامان علیهم السلام به صورت مفصل سخن گفتند؟ چرا؟
۲. پنج ویژگی خاص و صفات مهم حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در خطبه غدیر چیست؟
۳. قرآن کریم با چه عبارتی ۱۲ امام معصوم علیهم السلام را معرفی نموده است؟
۴. چرا رسول خدا ﷺ در روز غدیر برای ۱۲ امام بیعت گرفتند و بر آن تأکید کردند؟
۵. انتصابی بودن امامت، از نسل پیامبر بودن و استمرار امامت هر کدام از چه جمله ای از قرآن استفاده می شود؟

منابع جهت پژوهش

- ۱- احتجاج، ج ۱ ص ۶۳.

۲. مطرح نمودن آخرین وصی در روز اعلام رسمی اولین وصی توسط رسول خدا ﷺ تأکیدی بر حدیث «اثنی عشر خلیفه» است.^(۱)

۳. اعتقاد به اولین وصی تا آخرین وصی از ضروریات مکتب اهل بیت علیهم السلام و شیعه اثنی عشری می باشد و انکار یک امام همانند انکار دیگر امامان و انکار ائمه اطهار علیهم السلام انکار رسول خدا ﷺ است. بنابراین بطلان مذاهب غیر دوازده امامی ثابت می شود.

۴. نام و یاد و بیعت با حضرت ولی الله الاعظم از آداب عید غدیر خم و همانند یاد نمودن و بیعت با امیرالمؤمنین علیهم السلام در روز غدیر است.

۵. اطاعت و پیروی از حضرت مهدی علیهم السلام در ردیف اطاعت و پیروی از سایر ائمه تا رسول خدا ﷺ و در ردیف اطاعت از خداوند متعال است همان گونه که در فراز پایانی خطبه غدیر به آن اشاره شده است:

... مَعَاشِرَ النَّاسِ مَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَعَلِيًّا وَالْأَئِمَّةَ الَّذِينَ ذَكَرْتَهُمْ فَقَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيمًا.^(۲)

ای مردم هرکس از خدا و پیامبرش و امامانی که یاد نمودم اطاعت کند به رستگاری و پیروزی عظیمی دست یافته است.

و این همان تفسیر آیه «اولی الامر» است که خدای منان فرمود: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَاطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ﴾^(۳)

۱. رسول خدا ﷺ فرمودند: الْإِئِمَّةُ بَعْدِي اثْنَا عَشَرَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ وَآخِرُهُمُ الْقَائِمُ فَهُمْ خُلَفَائِي وَأَوْصِيَائِي وَأَوْلِيَائِي وَحُجَجُ اللَّهِ عَلَى أُمَّتِي بَعْدِي أَلْمَوْزُ بِهِمْ مُؤْمِنٌ وَ الْمُنْكَرُ لَهُمْ كَاؤُ. امامان پس از من ۱۲ نفر می باشند که اولین آنان علی بن ابیطالب علیهم السلام و آخرین ایشان حضرت قائم علیهم السلام هستند و آنان وصی و اولیاء من و حجت خدا بر امت من پس از من می باشند کسی که به امامت ایشان اقرار کند مؤمن و هرکه منکر ایشان شود کافر است. من لا یحضره الفقیه؛ ج ۴؛ ص ۱۸۰.

۲. احتجاج علی اهل اللجاج، للطبرسی؛ ج ۱، ص ۶۶.

۳. سوره نساء، آیه ۵۹.

۱. سوره زخرف، آیه ۲۸.

امام رضا علیه السلام فرمودند: روز غدیر روز عید اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله است هر کس این روز را عید بگیرد خداوند مالش را زیاد کند. در این روز حضرت موسی، هارون را به عنوان شریک در رسالت برگزید.^(۱) در این روز حضرت عیسی جانشینی حضرت شمعون را اعلام کرد.^(۲) در این روز حضرت موسی، یوشع بن نون را به عنوان وصی خود تعیین نمود.^(۳) در این روز حضرت سلیمان، عاصف بن برخیا را وصی خود قرار داد.^(۴) در این روز توبه‌ی آدم پذیرفته شد و در این روز آتش بر حضرت ابراهیم سرد شد و در این روز حضرت موسی بر سحره‌ی فرعون پیروز شد.^(۵) و پیامبر در این روز در میان اصحاب خود عقد اخوت بست.

برخی از مستحبات روز غدیر

۱. نماز روز عید غدیر.
۲. غسل.
۳. روزه گرفتن.
۴. عقد اخوت.
۵. زیارت امیرالمؤمنین.
۶. ششم: تبریک گفتن.
۷. اطعام مؤمنین.
۸. هشتم هدیه دادن.
۹. به زیارت مؤمنین رفتن.
۱۰. دهم پوشیدن لباس نو.
۱۱. صلوات بر محمد و آل محمد علیهم السلام.

یکی از اعمالی که باید در این عید احیا شود، نماز عید غدیر است و شایسته است همان گونه که مؤمنین نماز عید فطر و قربان را به جا می‌آورند نماز عید غدیر را اقامه کنند و یکی از مهم‌ترین سنت‌هایی که لازم است احیاء شود، سنت اطعام روز غدیر است که در روایات آمده است: هر کس یک نفر را در این روز اطعام کند، تمام انبیاء و اولیاء را اطعام نموده است.

درس شانزدهم

آغاز خلافت ظاهری امیرالمؤمنین علیه السلام، عید ادیان

و بعضی از آداب غدیر

تقدیر خداوند بر آن قرار گرفت که پس از ۲۵ سال خانه نشینی حضرت علی علیه السلام با کشته شدن عثمان در روز غدیر مردم در اطراف خانه حضرت علی علیه السلام جمع شوند و با اصرار فراوان از ایشان بخواهند تا خلافت را بر عهده گیرند. امیرمؤمنان از ایام خانه نشینی این گونه تعبیر نموده‌اند: «صبرت وفي العين قذا وفي الحلق شجی^(۱)؛ صبر کردم در حالی که خار در چشم و استخوان در گلویم بود». یعنی لحظه لحظه‌ی آن برای من سخت‌ترین شکنجه‌ها را داشت و می‌دانیم معصوم علیه السلام غلو نمی‌کند بلکه مطابق واقع سخن می‌گوید.

در روایات، عید غدیر به عنوان «عید الله الاکبر»^(۲) یعنی بزرگ‌ترین عید خدا معرفی شده است.^(۳) و در روایات هست که تمام انبیاء علیهم السلام در ۱۸ ذی الحجه وصی خود را معرفی می‌کردند و انتخاب این تاریخ یک امر الهی است پس عید غدیر فقط یک عید اسلامی نیست بلکه یک عید جهانی و عید ادیان است و همه باید آن را جشن بگیرند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: عید غدیر بالاترین عیدهای امت من است^(۴).

امام صادق علیه السلام فرمودند: خداوند هیچ پیامبری را نفرستاد مگر این که این روز را عید گرفته و حرمت آن را نگه داشته است.

۱- وسائل الشیعه: ج ۱۰، ص ۴۶۶.

۲- همان.

۳- مصادر الشیعه: ص ۴۱.

۴- همان.

۱- علل الشرایع: ج ۱ ص ۱۵۱.

۲- تهذیب الاحکام: ج ۳ ص ۱۴۳.

۳- تهذیب الاحکام: ج ۳ ص ۱۴۳.

۴- عوالم: ج ۱۵، ص ۲۰۸.

چند نکته:

۱- با این که اکثر مسلمانان بیعت غدیر را زیر پا گذاشتند و از تبعیت امیرمؤمنان خودداری کردند، ۲۵ سال بعد مجدداً در همین روز خاضعانه با آن حضرت بیعت کردند. ﴿يُرِيدُونَ أَن يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَيَأْبَى اللَّهُ إِلًّا أَن يُتَمَّ نُورُهُ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ﴾^(۱) عده‌ای می‌خواهند نور خدا را با دهان خودشان خاموش کنند ولی خداوند نورش را به نهایت خواهد رساند.

۲- این که تمام انبیا در روز عید غدیر، پیامبر بعد از خود را معرفی می‌کردند و پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ هم فرمودند حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَام برای من مانند هارون برای موسی است دلالت می‌کند که امیرالمؤمنین تمام شئون پیامبری را دارند ولی نباید ایشان را پیامبر خطاب کرد، چرا که پس از ختم نبوت دیگر نیازی به پیامبر نیست.

۳- اگر عید غدیر نزد خدا و اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام برترین اعیاد است مسلمانان نیز موظف هستند عید غدیر را باشکوه‌تر از همه‌ی اعیاد برگزار کنند و به آن اهمیت دهند.

۴- چون قرآن و اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام از هم جدا نمی‌شوند پس عید غدیر عید قرآن هم هست «لن یفترقا» و ماه مبارک رمضان بهار ولایت نیز هست.

۵- پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در آن زمان در روز غدیر برای امامت امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام از مردم بیعت گرفتند، پس سزاوار است مطابق سنت پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ما نیز در عید غدیر با امام زمان عجل الله تعالی فرجه بیعت جمعی کنیم.

۶- پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در خطبه‌ی غدیر مکرراً از دشمنان حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَام بیزاری جسته و آنها را مستحق لعن دانستند ما نیز باید این روز را روز اعلام برائت بشماریم و تولی و تبری را در آن با هم نهادینه کنیم.

خلاصه بحث

برای خلافت واقعی حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَام در روز غدیر بیعت گرفته شد و مردم پس از بیست و پنج سال خانه نشینی در روز غدیر با اصرار خلافت را به ایشان سپردند. این روز عید همه‌ی انبیا است و انبیا در این روز خلیفه‌ی خود را معرفی می‌کردند و وظیفه‌ی مؤمنین است که غدیر را از همه‌ی اعیاد با شکوه‌تر برگزار کنند و دادن هدیه و زیارت یکدیگر و اطعام و... را در آن روز احیاء کنند و این روز را روز ولایت و امامت و در عین حال برائت از دشمنان قرار دهند.

ارزیابی

- ۱- پس از بیست و پنج سال مردم در چه روزی خلافت را به امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام سپردند؟
- ۲- عید الله الاکبر چه روزی است و چرا به این لفظ نامیده شده است؟
- ۳- پیامبران در چه روزی وصی خود را معرفی می‌کردند؟ ۴ مورد را نام ببرید.
- ۴- چهار نمونه از مستحبات عید غدیر را نام ببرید.

منابع جهت پژوهش

- ۱- تهذیب الاحکام: ج ۳، ص ۱۴۳.
- ۲- العدد القویة: ص ۱۶۶.
- ۳- مصباح کفعمی: ج ۲، ص ۶۶۱.
- ۴- بحار الانوار: ج ۳۱ ص ۴۹۳.
- ۵- تاریخ الخلفاء: ص ۱۶۲.
- ۶- مستدرک حاکم: ج ۳، ص ۱۹۶.

و در خطبه‌ی غدیر نیز پیامبر ﷺ این حدیث را تکرار نموده و این‌گونه فرمودند:

إِنَّ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ أَخِي وَوَصِيَّي وَأَمَامَ مِنْ بَعْدِي الَّذِي مَحَلَّهُ مِنِّي مَحَلٌّ هَارُونَ مِنْ مُوسَى إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي وَهُوَ وَلِيَّكُمْ مِنْ بَعْدِ اللَّهِ وَرَسُولِهِ. (۱)

به درستی که حضرت علی عليه السلام برادر و وصی و جانشین من است او بعد از من امام شماست و جایگاه او نسبت به من مانند جایگاه هارون نسبت به موسی است ولی بعد از من پیامبری نخواهد آمد و بعد از خدا و رسول خدا او مولای شماست.

نکات و استدلال به این روایت برای اثبات حقانیت عقائد شیعه

شباهت‌های حضرت علی عليه السلام و حضرت هارون عليه السلام

۱- امکان انکار آن از سوی مخالفان؛ با غیبت چهل روزه‌ی حضرت موسی مردم مرتد شدند و گوساله پرست شدند و بعد از پیامبر ﷺ هم «ارتد الناس الا ثلاثة» (۲).

۲- نص بر خلافت ﴿وَقَالَ مُوسَى لِأَخِيهِ هَارُونَ اخْلُفْنِي فِي قَوْمِي﴾ (۳)
حضرت موسی به جانشینی برادرش حضرت هارون تصریح کرد. پیامبر ﷺ هم در غدیر فرمودند: «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ»

۳- حضرت هارون وزیر حضرت موسی است ﴿وَاجْعَلْ لِي وَزِيرًا مِنْ أَهْلِي * هَارُونَ أَخِي﴾ (۴) حضرت علی عليه السلام نیز مقام وزارت را دارند. وزیر به کسی گفته می‌شود که در نبود امیر تمام مسئولیت‌های او را متصدی شود.

۴- هارون برادر موسی است ﴿هَارُونَ أَخِي﴾ و پیامبر ﷺ هم در روزی که پیمان برادری بین اصحاب می‌بستند بین خود و حضرت علی عليه السلام عقد برادری

درس هفدهم

تأکید بر حدیث منزلت

داستان حضرت موسی و هارون عليهما السلام در قرآن کریم مکرراً به صورت گسترده بیان شده است و تمام زوایای این داستان را خداوند متعال بیان کرده است که در حقیقت بیان فضائل امیرالمؤمنین عليه السلام است چرا که پیامبر ﷺ هارون و موسی را به خود و حضرت علی عليه السلام تشبیه کرده است و حتی در روایتی فرمودند: هر اتفاقی در قوم بنی اسرائیل افتاده باشد در امت من نیز اتفاق خواهد افتاد. (۱)

و از جمله‌ی این تشابهات جایگاه حضرت هارون عليه السلام نسبت به حضرت موسی عليه السلام است که به حدیث منزلت معروف است.

یکی از مناسبت‌هایی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در آن حدیث منزلت را بیان فرمودند هنگامی بود که لشکر اسلام از مدینه به سمت تبوک حرکت می‌کرد و پیامبر صلی الله علیه و آله حضرت علی عليه السلام را به عنوان جانشین در مدینه قرار داد و منافقین شروع به شایعه پراکنی کردند که پیامبر صلی الله علیه و آله، علی عليه السلام را دوست نداشته و با خود نبرده است. حضرت علی عليه السلام خود را به پیامبر صلی الله علیه و آله رساند و این شایعه منافقین را برای ایشان مطرح نمودند و پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند:

ای علی، تو برای من مانند هارون برای موسی هستی. (۲)

و پیامبر صلی الله علیه و آله در کلامی فرمودند:

فَأَنَّهُ مِنِّي وَأَنَا مِنْهُ وَهُوَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي. (۳)

۱- احتجاج طبرسی: ج ۲ ص ۶۲، خطبه غدیر. ۲- بحار الانوار: ج ۶۴، ص ۱۶۵.

۳- سوره اعراف: ۱۴۲. ۴- سوره طه: ۳۰.

۱- کمال الدین: ج ۲ ص ۵۷۶. ۲- کافی: ج ۸، ص ۱۰۸.

۳- تفسیر عیاشی: ج ۱، ص ۳۲۲.

برقرار کردند و فرمودند: «یا علیُّ اَنتَ اَخی فی الدنیا و الآخرة»^(۱).

۵- در این روایت تمام منزلت‌های پیامبر برای حضرت علی علیه السلام اثبات شده است، غیر از نامیدن حضرت علی علیه السلام به عنوان پیامبری. پس همان گونه که پیامبر معصوم می‌باشند، (حضرت هارون نیز معصوم است) حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام هم مقام عصمت دارند.

۶- در ابتدا پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «إِنَّهُ مِنِّي وَأَنَا مِنْهُ»^(۲) و این تفسیر همان عبارت «انفسنا» در آیه مباهله است که آنها دو وجود مقدس و یک گوهر هستند عبارت «إِنَّهُ مِنِّي وَأَنَا مِنْهُ» همان «أنا و علی من شجرة واحدة»^(۳) می‌باشد.

۷- همان گونه که هارون فرمود: «إِنَّ الْقَوْمَ اسْتَضَعُّونِي وَ كَادُوا يَقْتُلُونِي»^(۴) «این قوم مرا به استضعاف کشاندن و نزدیک بود مرا بکشند» حضرت علی علیه السلام نیز بعد از جریان سقیفه همین آیه را نسبت به خود قرائت فرمودند.

۸- همان گونه که حضرت هارون برای حفظ دین نوپای حضرت موسی علیه السلام و گوساله پرستی بنی اسرائیل شمشیر نکشید و فرمود: «إِنِّي خَشِيتُ أَنْ تَقُولَ فَرَّقْتَ بَيْنَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَ لَمْ تَرُقِّبْ قَوْلِي»^(۵) حضرت علی علیه السلام هم برای جلوگیری از اختلاف در امت نوپای اسلام شمشیر نکشید.

۹- همان گونه که حضرت هارون می‌فرمود: «فَاتَّبِعُونِي وَ أَطِيعُوا أَمْرِي»^(۶) حضرت علی علیه السلام نیز به هنگام غضب خلافت به مردم می‌فرمودند: «از من اطاعت کنید و یاری‌ام کنید و حتی حضرت زهرا و امام حسن و امام حسین علیهم السلام را به در خانه‌ی مهاجر و انصار برده و یاری می‌طلبیدند.

۱۰- همان گونه که حضرت موسی به هارون فرمود: «وَ أَصْلِحْ وَ لَا تَتَّبِعْ سَبِيلَ الْمُفْسِدِينَ»^(۱) و قتی در شورای شش نفره با حضرت علی علیه السلام شرط کردند که طبق دستور خدا و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و روش دو خلیفه قبلی حکومت کن. آن حضرت فرمودند: طبق روش خدا و سنت پیامبر و اجتهاد خودم عمل می‌کنم و بیعت مفسدین را نپذیرفتند.

۱۱- همان گونه که مردم در زمان هارون به گوساله‌ی سامری امتحان شدند در روایت وارد شده است: «إِنَّهُ سَامِرِيَّ هَذِهِ الْأُمَّةُ وَإِنَّ صَاحِبَهُ عَجَلَهَا»^(۲).

۱۲- همان گونه که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: جایگاه حضرت علی علیه السلام جایگاه حضرت هارون علیه السلام است پس جنگ با حضرت علی علیه السلام جنگ با پیامبران است. ۱۳- همان گونه که محبت هارون و سامری و گوساله او در یک دل جمع نمی‌شود محبت حضرت علی علیه السلام و دشمنان او در یک دل جمع نمی‌شود.

۱۴- همان گونه که بنی اسرائیل با رها کردن حضرت هارون، گوساله پرست و مردتد شدند (ولو حضرت موسی را به ظاهر قبول داشتند)، رها کردن حضرت علی علیه السلام (ولو به ظاهر پیامبر را قبول داشته باشند) ارتداد است.

۱۵- بر کسانی که حضرت هارون را رها کرده و گوساله پرستی را پذیرفتند، غضب خداوند واقع شد و ذلت در حیات دنیا را پذیرفتند. «إِنَّ الَّذِينَ اتَّخَذُوا الْعِجْلَ سَيِّئًا لَهُمْ غَضَبٌ مِنْ رَبِّهِمْ وَ ذِلَّةٌ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا»^(۳) کسانی هم که حضرت علی علیه السلام را رها کردند همان سرنوشت را خواهند داشت.

۱۶- حضرت هارون سه پسر داشت شَبْر شُبَيْر شُبْر، حضرت علی علیه السلام هم سه فرزند داشت: حسن و حسین و محسن علیهم السلام.

۱۷- با وجود هارون پیروی از سامری حتی اگر هم بتواند کار خارق العاده‌ای

۱- کشف الغمّه فی معرفة الائمة: ج ۱ ص ۳۸۴. ۲- کافی ۵: ج ۱ ص ۲۷۰.

۳- عیون اخبار الرضا: ج ۲ ص ۶۳. ۴- سوره اعراف: ۱۵۰.

۵- سوره طه: ۱۴. ۶- سوره طه: ۹۰.

۱- سوره اعراف: ۱۴۲.

۲- احتجاج طبرسی: ج ۱ ص ۱۷۲.

۳- سوره اعراف: ۱۵۲.

ارزیابی

- ۱- حدیث منزلت چیست؟ روایت آن را کامل بنویسد.
- ۲- با استفاده از آن چهار منصب از مناصب هارون را نام ببرید؟
- ۳- کسانی که هارون را نپذیرفتند چه سرنوشتی داشتند؟
- ۴- چهار شباهت از شباهت‌های حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَامُ و حضرت هارون عَلَيْهِ السَّلَامُ را بنویسید.

منابع جهت پژوهش

- ۱- کافی: ج ۱ ص ۲۹۳.
- ۲- المستدرک علی الصحیحین: ج ۳، ص ۱۴.
- ۳- بحار الانوار: ج ۴، ص ۱۶۵.
- ۴- المستدرک للحاکم: ج ۳، ص ۱۳۳.
- ۵- احتجاج: ج ۱، ص ۷۳.

انجام دهد، بیرون رفتن از توحید است، با وجود حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَامُ نیز پیروی از دیگران بیرون رفتن از توحید است.

۱۸- تقدیم مفضول بر افضل از طرف حکیم قبیح است و انتخاب هارون در زمان حضرت موسی نشان می‌دهد که هارون بعد از حضرت موسی از همه افضل است و گرنه پیامبر معصوم او را بر فاضل مقدم نمی‌کرد و حدیث منزلت دال بر آن است که افضل بشر بعد از پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَامُ است.

۱۹- همان گونه که شراکت هارون با موسی عَلَيْهِ السَّلَامُ و انتخاب هارون در نبوت از طرف خداست، انتخاب امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ هم از طرف خداست.

۲۰- کلمه ﴿وَأَشْرِكُهُ فِي أُمْرِي﴾^(۱) نشان می‌دهد که هارون شریک در رسالت است و حدیث منزلت می‌رساند که امیرمؤمنان عَلَيْهِ السَّلَامُ شریک رسالت پیامبر می‌باشد.

۲۱- وقتی سحره‌ی فرعون مغلوب شدند و خواستند توبه کنند، گفتند: ﴿آمَنَّا بِرَبِّ الْعَالَمِينَ * رَبِّ مُوسَى وَهَارُونَ﴾^(۲) با این که می‌توانستند بگویند: ﴿آمَنَّا بِرَبِّ مُوسَى﴾ و می‌دانیم هیچ کلمه‌ای در قرآن بدون حکمت نیست و کلمه‌ی هارون در این آیه به این معناست که مسلمانان هم می‌توانند بگویند به خدای علی عَلَيْهِ السَّلَامُ و محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ایمان آوردیم و در غیر این صورت ایمان نیاورده‌اند.

خلاصه بحث

داستان حضرت موسی و هارون در قرآن کریم مکرراً و با گستردگی بیان شده است که در حقیقت بیان جایگاه امیرالمؤمنین است و پیامبر با حدیث منزلت که متفق بین شیعه و سنی است تمام مناصب هارون (غیر از پیامبری) را برای حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَامُ اثبات نمودند که شامل: خلافت، وزارت، اخوت، وصایت و... است.

۲- سوره اعراف: ۱۲۲-۱۲۳.

۱- سوره طه: ۳۲.

ما بار و اگر دروغ می‌گوید عذابی بر او نازل کن.

پیامبر ﷺ فرمود: یا توبه کن یا از پیش ما برو.

گفت: راه سوم هم این است که در امر خلافت برای قریش نصیبی قرار بدهی.

پیامبر ﷺ فرمودند: این کار دست من نیست.

حارث هم گفت: توبه نمی‌کنم، ولی از حضور تو می‌روم. حارث برخاست و رفت، وقتی از پیامبر دور شد، پرنده‌ای در آسمان ظاهر شد و سنگ ریزه‌ای رها کرد که سرش را سوراخ و از انتهای بدنش خارج شد و ابر سیاهی در آسمان برقی زد و بدن او را سوزاند و این آیه نازل شد: ﴿سَأَلُ سَائِلٌ بِعَذَابٍ وَاقِعٍ﴾^(۱) قابل توجه است که عذاب در حضور پیامبر ﷺ نازل نشد، چون قرآن می‌فرماید: ﴿وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَأَنْتَ فِيهِمْ﴾^(۲) یعنی حضور وجود مقدس پیامبر اکرم ﷺ، مانع نزول عذاب است.

نکات و استدلال به این آیه برای اثبات عقائد حقّه شیعه

- ۱- این جریان به روشنی بیان می‌کند که امامت امری انتصابی و از طرف خداست؛ مردم، حتی وجود مقدس پیامبر ﷺ در آن نقشی ندارند.
- ۲- پیامبر و اهل بیت علیهم السلام مانع عذاب الهی هستند و هر کس به آنان بپیوندد از عذاب الهی مصون است که پیامبر ﷺ فرمودند:

مثل أهل بيتي كمثل سفينة نوح من ركبها نجي ومن تخلف عنها غرق.

- ۳- کسانی که ولایت امیرالمؤمنین علی را نمی‌پذیرند، حقانیت گفتار پیامبر ﷺ را نمی‌پذیرند و منکر پیامبر اکرم ﷺ کافر است ﴿لِلْكَافِرِينَ لَيْسَ لَهُ دَافِعٌ﴾^(۳)

درس هیجدهم

عذاب الهی بر دشمن غدیر

﴿سَأَلُ سَائِلٌ بِعَذَابٍ وَاقِعٍ﴾^(۱)

پس از مراسم بیعت گرفتن از مردم برای امیرالمؤمنین علی با هم پیامبر ﷺ فضائل امیرالمؤمنین را بیان می‌فرمودند تا این که بعضی از منافقین بر آشفته شدند در این میان حارث بن نعمان فهری شروع کرد با پیامبر درستی کردن و گفت: وقتی تو رسول الله باشی، و علی جانشین تو و فاطمه دختر تو بهترین زنان عالم و حسن و حسین سید جوانان اهل قریش، پس برای قریش چیزی باقی نگذاشته‌ای؟! پیامبر ﷺ فرمودند: این کار را خدا کرده نه من.

حارث دوبار گفت: گفתי لا اله الا الله بگو، گفتیم. از ما خواستی پیامبریت را بپذیریم، با اکراه پذیرفتیم، گفתי نماز روزه، حج، زکات را بجا آوریم انجام دادیم، حال اکتفا نکردی و پسر عمویت را بر گردن ما سوار کردی؟ آیا این از طرف خودت بود یا از طرف خدا؟ و حال آن که امر را از طرف رسول خدا ﷺ هم بود مانعی نداشت، زیرا که خداوند می‌فرماید: ﴿مَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ﴾

پیامبر ﷺ قسم خوردند و فرمودند: همه‌ی اینها از طرف خداست. او هم سخنان کفرآمیزی گفت. پیامبر ﷺ او را به تقوا و توبه دعوت کردند، ولی حارث سر را به سوی آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر محمد راست می‌گوید، سنگی بر

۲- سوره انفال: ۳۳.

۱- سوره معارج: ۱.

۳- سوره معارج: ۲.

۱- سوره معارج: ۱.

۱۰ - خداوند می فرماید: ﴿وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ * إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ﴾ (۱)

یعنی پیامبر ﷺ از روی هوای نفسش چیزی نمی گوید هر چه بگوید از طرف خداست ولی منافقین حتی تا آخرین روزهای حیات پیامبر ﷺ سؤال می کنند این مطلب از طرف خداست یا از طرف پیامبر. از جمله این سؤال را خلیفه‌ی دوم پرسید که یا رسول الله هذا من الله او من رسوله؟ (۲)

۱۱ - کسی که علی عليه السلام را رد کند پیامبر عليه السلام را رد کرده و کسی که پیامبر عليه السلام را رد کند خداوند متعال را رد کرده است.

۱۲ - کسی که از ولایت امیرالمؤمنین عليه السلام خارج شود از ولایت خدا خارج شده که فرموده اند: «ولایة علی ولایة الله».

۱۳ - در حدیث قدسی خداوند می فرماید:

ولایة علی بن ابی طالب حصنی فمن دخل حصنی أمن من عذابی. (۳)

حارث به قلعه الهی (ولایت امیرمؤمنان عليه السلام) وارد نشد و به عذاب خدا گرفتار آمد. (در امور جزئی غدا نازل نمی شود، پس امر ولایت از امور مهم و ارکان هدایت است.)

خلاصه بحث

بعد از بیعت همگانی با امیرالمؤمنین عليه السلام حارث بن نعمان فهری ولایت امیرالمؤمنین عليه السلام را نپذیرفت و به خدا عرض کرد: اگر این مطلب حق است بر من عذابی نازل کن و خداوند هم بر او عذاب نازل کرد تا معجزه‌ای ماندگار بر حقانیت امیرالمؤمنین عليه السلام باشد و آیه‌ای که نازل شد منکرین امیرالمؤمنین عليه السلام کافر خوانده شده‌اند و در این ماجرا نیز انتصابی و الهی بودن امامت به روشنی بیان شد.

۴ - تقاضای حارث در حقیقت نوعی مباحله بود و خداوند همان گونه که در آیه مباحله حقانیت پیامبر عليه السلام و اهل بیت عليهم السلام را اثبات می کند این جا نیز حقانیت ایشان را ثابت می کند.

۵ - قصه غدیر به قدری مهم بود که برای عده‌ای نیاز به معجزه‌ای بزرگ داشت و این معجزه مانند معجزه‌ی سپاه ابرهه واقع شد و دهان به دهان در بین مردم منتشر گشت.

۶ - این ماجرا وجود منافقین در بین صحابه را ثابت می کند پس تمام صحابه عادل نیستند.

۷ - این ماجرای نعمان و اعتراضات صحابه حقانیت این فراز خطبه‌ی غدیر را ثابت می کند که پیامبر عليه السلام فرمودند:

من می دانم مؤمنین در بین شما کم و منافقین زیادند و این عبارت فهم این روایت «ارتد الناس بعد رسول الله إلا ثلاثة او سبعة» را آسان می کند.

۸ - طبق آیه مباحله «انفسنا»، انکار علی عليه السلام انکار پیامبر عليه السلام است و حارث در حقیقت منکر پیامبر عليه السلام بود.

۹ - قرآن می فرماید:

﴿مَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمُ عَنْهُ فَانْتَهُوا﴾ (۱)

آنچه پیامبر برایتان می آورد قبول کنید و از آنچه نهی می کند بپرهیزید.

کلمه‌ی «خذوه» امر است یعنی واجب است؛ بعضی ادعا می کنند که اهل پذیرش امر پیامبر و سنت ایشانند و خود را سنی می نامند، در حالی که گروهی که بعد از پیامبر عليه السلام امر ایشان را پذیرفتند، شیعیان بودند.

۲ - تفسیر قمی: ج ۱، ص ۱۷۴.

۱ - سوره نجم: ۳.

۳ - توحید صدوق: ص ۲۵.

۱ - سوره حشر: ۷.

- ۱- شأن نزول ﴿سَأَلَ سَائِلٌ بِعَذَابٍ وَقَعْ﴾ را بیان کنید.
- ۲- چرا تا حارث کنار پیامبر ﷺ بود عذاب نازل نشد؟
- ۳- با توجه به ماجرای این آیه انتصابی بودن امامت را اثبات کنید.
- ۴- بعضی می‌گویند: همه صحابه عادل هستند، آن را نقد کنید.

منابع جهت پژوهش

- ۱- بحار الانوار: ج ۳۷، ص ۱۶۶.
- ۲- اقبال الاعمال: ج ۲، ص ۲۵۱.
- ۳- مناقب آل ابی طالب: ج ۲، ص ۲۴۱.
- ۴- تفسیر ثعلبی: ج ۱۰، ص ۳۵.
- ۵- شواهد التنزیل: ج ۲، ص ۳۸۱.

درس نوزدهم

واقعه هرشا

پیامبر اکرم ﷺ سه روز پس از غدیر به سمت مدینه حرکت کردند و منافقان که وجود پیامبر ﷺ در مدینه را مضرّ می‌دانستند تصمیم گرفتند پیامبر خدا ﷺ را قبل از رسیدن به مدینه به قتل برسانند تا به خیال خود امامت و خلافت را از مسیر خود منحرف سازند. به همین علت در کوه‌های هرشا پنهان شده و در مسیری که باید شتر پیامبر ﷺ از آنجا حرکت می‌کرد و مشرف به یک پرتگاه بود ترور را برنامه ریزی کردند. جبرئیل نازل شد و به پیامبر ﷺ عرض کرد: چهارده نفر در گردنه‌ی هرشا کمین کرده‌اند تا شتر شما را رم دهند. عمار و حذیفه شمشیرهای خود را کشیده و دنبال آنان می‌روند و منافقین فرار می‌کنند رعد و برقی زده می‌شود و حذیفه منافقین را می‌بیند و از آن پس حذیفه را منافق شناس می‌دانستند ولی پیامبر ﷺ حذیفه را از نام بردن و افشاء آنها منع کرد.^(۱)

نکات و استدلال به ماجرا برای اثبات عقائد شیعه

- ۱- گرچه امیرالمؤمنین (علیه السلام) خود محور شناخت حق و باطل می‌باشند، ولی چون حذیفه منافق شناس شد، پس باید دید که بعد از سقیفه حذیفه طرف دار کیست امیرمؤمنان یا خلیفه اول؟
- ۲- خداوند در آیه غدیر فرمود: ﴿وَ اللَّهُ يَعْصِيكَ مِنَ النَّاسِ﴾^(۲) و در هرشا جان پیامبر را حفظ کرد.
- ۳- عده‌ای از صحابه طرح ترور پیامبر ﷺ را برنامه ریزی کردند، پس این

۲- سوره مائده: ۶۷.

۱- تفسیر قم، ج ۱ ص ۱۷۴.

عقیده که صحابه عادل هستند باطل است.

۴ - منافقینی که حاضر به کشتن پیامبر می شدند، بسیار راحت تر کشتن ذریه پیامبر را انجام خواهند داد.

۵ - شیطان منکر فضیلت آدم شد و رجیم و داخل جهنم شد. چون پیامبر ﷺ و حضرت علی علیه السلام از حضرت آدم برترند، منکرین پیامبر و حضرت علی علیه السلام از شیطان پست ترند.

۶ - امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: «تعرف الأشياء بأضدادها» هر چه قدر پیامبر صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علیه السلام با فضیلت باشند، کسانی که تصمیم به کشتن آنها گیرند، دارای نهایت رذیلت هستند.

۷ - خداوند می فرماید: ﴿إِنَّ الَّذِينَ يُؤْذُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا مُهِينًا﴾^(۱) «کسی که پیامبر را اذیت کند، خدا در دنیا و آخرت او را لعن می کند و کسانی که تصمیم به قتل پیامبر می گیرند آنها مستحق لعن هستند.

۸ - خدا می فرماید: ﴿وَمَنْ يَقْتُلْ مُؤْمِنًا مُتَعَمِدًا فَجَزَاؤُهُ جَهَنَّمُ خَالِدًا فِيهَا وَغَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَلَعَنَهُ وَأَعَدَّ لَهُ عَذَابًا عَظِيمًا﴾^(۲) اگر کشتن یک مؤمن خلود در جهنم و غضب خدا و لعنت خدا بر او و آماده شدن عذاب عظیم را در پی دارد کشتن پیامبر صلی الله علیه و آله، اعظم از آنها را در پی خواهد داشت.

۹ - بارها خلیفه‌ی دوم در ایام حکومتش از حدیثی سؤال می کرد: آیا من در بین آن چهارده نفر بودم؟ حدیثی می گفت: اگر بوده‌ای که خود بهتر می دانی و اگر نبوده‌ای باز خود بهتر می دانی.

۲ - سوره نساء: ۹۴.

۱ - سوره احزاب: ۵۷.

خلاصه بحث

منافقین که بزرگ‌ترین پایگاهشان در مدینه بود، وجود پیامبر صلی الله علیه و آله را در مدینه مضر می دانستند به همین خاطر پس از بیعت غدیر تصمیم گرفتند در بین راه پیامبر صلی الله علیه و آله را ترور کنند و عمّار و حذیفه به دنبال آنها رفتند و حذیفه آنان را شناخت این نشان می دهد که همه‌ی اصحاب عادل نیستند و بعضی حتی قصد کشتن پیامبر صلی الله علیه و آله را در سر داشتند.

ارزیابی

- ۱ - بعد از بیعت غدیر در کوه‌های هرشا چه برنامه‌ای اتفاق افتاد؟
- ۲ - چرا حذیفه منافق شناس شد؟
- ۳ - آیا کسی که قصد کشتن پیامبر صلی الله علیه و آله را دارد می شود لعن کرد؟ مستدل بیان کنید.
- ۴ - چرا منافقین می خواستند پیامبر به مدینه برنگردد؟

منابع جهت پژوهش

- ۱ - عوالم العلوم: ج ۱۵، ص ۳.
- ۲ - تفسیر قمی: ج ۱، ص ۱۷۵.
- ۳ - بحار الانوار: ج ۷، ص ۲۰۹.
- ۴ - ارشاد القلوب: ج ۲، ص ۳۳۰.
- ۵ - مسند احمد: ج ۵، ص ۳۹۰.
- ۶ - مجمع الزوائد: ج ۱، ص ۱۱۰.

نکات و استدلال به این آیه برای اثبات حقانیت عقائد شیعه

۱- در این آیه خداوند با کلمه «إِنَّمَا» ولایت را منحصر کرد در سرپرستی خودش و رسولش و امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ، پس با وجود اینان هیچ کس ولایتی ندارد.

۲- امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمودند: وقتی ما در رکوع هستیم خداوند ملکی می فرستد تا ما به او عطا کنیم و مصداق این آیه قرار بگیریم، و کلمه «الَّذِينَ» که جمع است اشعار به آینده دارد.

۳- اگر کسی بهانه کند که این عمل، با حضور قلب نمی سازد، یکی از جوابها این است که آن سائل چند مرتبه از مردم تقاضا کرد، وقتی به او چیزی ندادند رو به خدا کرد و گفت: خدایا تو شاهد باش که من در مسجد پیامبر تو از مردم تقاضای مال کردم و کسی به من چیزی نداد. پس امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ در حال مناجات با خداست و آن فقیر هم شکایت به خدا کرده و خداوند حاجت آن فقیر را با دست امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ ادا کرد چون که حضرت علی ید الله است.

۴- همان گونه که فرد در حال روزه داری می تواند نماز هم بخواند یعنی عبادتی را در ظرف عبادت دیگر انجام دهد، امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ صدقه را که یک عبادت است در ظرف نماز انجام دادند.

۵- خداوند می تواند در آیه بفرماید: «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَامِيرَ الْمُؤْمِنِينَ» ولی صفات او را نام برد تا چند مطلب همزمان اثبات شود.

اول: ایشان اهل نمازند (گر چه هنگام ضربت خوردنش در محراب بعضی گفتند: مگر علی نماز می خواند؟)

دوم: صدقه دادن در حال رکوع سنت نبود و خداوند با نزول این آیه عمل ایشان را مانند پیامبر عَلَيْهِ السَّلَامُ جائز و ممدوح دانستند.

سوم: با این گونه بیان کردن ولایت یازده امام بعدی را هم در آیه گنجانند.

چهارم: عبد الله بن سنان و دیگران در کلام پیامبر عَلَيْهِ السَّلَامُ شک نکنند آن را مقرون

درس بیستم آیه ولایت

روز ۲۴ ذی الحجه قبل از سال هفتم هجرت، عبد الله بن سنان با تعدادی از اقوامش که همگی قبلاً یهودی بودند و مسلمان شده بودند خدمت پیامبر اکرم عَلَيْهِ السَّلَامُ رسیدند. عبد الله به پیامبر عَلَيْهِ السَّلَامُ گفت: ای پیامبر! حضرت موسی عَلَيْهِ السَّلَامُ وقتی می خواست از دنیا برود، یوشع بن نون را وصی خود قرار داد، شما نیز وصی و جانشین و امام بعد از خودتان را معرفی فرمایید.

در این هنگام جبرئیل نازل شد و این آیه را نازل کرد:

﴿إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ ذَاكِرُونَ﴾^(۱)

اصحاب مراد آیه را متوجه نمی شوند. پیامبر عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمودند: همه بلند شوید و به سمت مسجد حرکت کنید، دیدند فقیری از مسجد خارج می شود. پیامبر عَلَيْهِ السَّلَامُ پرسیدند: ای فقیر، آیا در مسجد کسی به تو چیزی داد؟ فقیر گفت: بلی، این انگشتر را. سؤال فرمودند: چه کسی آن را به تو داد؟ عرض کرد: آن مردی که نماز می خواند. سؤال فرمودند: در چه حالتی بود که انگشتر را به تو داد؟ او عرض کرد: در حالت رکوع بود. پیامبر عَلَيْهِ السَّلَامُ تکبیر گفتند. با تکبیر ایشان اهل مسجد تکبیر گفتند. پیامبر عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمودند: «علی بن ابی طالب ولیکم بعدی»^(۲) بدین صورت خداوند به کسانی که می خواستند خلیفه ی پیامبر را بشناسند به زیبایی پاسخ گفت.

۱۱ - روایت «الحق مع علی وعلی مع الحق یدور حیث ما دار»^(۱)؛ یعنی حق با علی است» چون ولایت او ولایت خداست.

۱۲ - خداوند می فرماید: «وَ مَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا مُؤْمِنَةٍ إِذَا قَضَى اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ»^(۲) یعنی وقتی خدا در امری مطلبی را بیان کرد، دیگر مردم در آن مطلب اختیاری نداشتند و در آیین آیه خداوند ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام را بیان فرمود و مردم در این مورد اختیاری نخواهند داشت.

۱۳ - کلمه «انما» می رساند که جعل ولایت هم از طرف خداست هم انحصاری و انتصابی است و بدون امر خدا هیچ کس بر دیگری ولایتی ندارد.

خلاصه بحث

خداوند متعال برای معرفی امیرالمؤمنین علیه السلام به عنوان ولی بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله در یک طرح و برنامه بسیار زیبا ولایت ایشان را اعلام و آیه «انما ولیکم الله»^(۳) را نازل فرمودند که فریقین شأن نزول آن را در مورد امیرالمؤمنین علیه السلام ذکر نمودند و این آیه دلیل بر افضلیت، عصمت و ولایت امیرالمؤمنین نسبت به دیگران است. این آیه ولایت مطلقه حضرت را اثبات می کند زیرا خداوند ولایت خود و پیامبر صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علیه السلام را در یک سیاق و با یک کلمه (و عطف بر آن کلمه) بیان داشته است.

ارزیابی

- ۱ - شأن نزول آیه ولایت را بنویسید.
- ۲ - یکی از حکمت های جمع آوردن «الذین آمنوا» چیست؟
- ۳ - آیا صدقه دادن در نماز امیرالمؤمنین علیه السلام با حضور قلب منافات دارد؟

به یک معجزه و پیش گوئی همراه کردند و آن این مطلب بود که بعد از سؤال آنها از پیامبر صلی الله علیه و آله و در همان زمان سائل از امیرالمؤمنین علیه السلام انگشتر گرفت و در مکان دیگر، جبرئیل برای پیامبر صلی الله علیه و آله خبر آن را آورد.

۶ - هم عرض قرار گرفتن ولایت خدا و رسول خدا صلی الله علیه و آله و امیرمؤمنان علیه السلام یعنی این که ولایت حضرت علی علیه السلام ولایت خداست و ولایت رسول، ولایت خداست که در روایت است «ولایتی ولایة الله»^(۱)

۷ - این آیه دلیل بر عصمت امیرمؤمنان است، زیرا ولایت مطلقه ایشان را اثبات می کند؛ تنها از کسی که معصوم است باید تبعیت مطلق کرد در غیر این صورت تناقض می شود.

۸ - سؤال عبد الله بن سنان که گفت: موسی وصی خود را مشخص کرد، وصی شما کیست؟ نشان می دهد این عقیده که گفته می شود: پیامبر صلی الله علیه و آله امر بعد از خود را به مردم واگذار کرد، عقیده ی باطلی است.

۹ - این که قرآن می فرماید: «أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ»^(۲) یعنی اطاعت مطلق از اولی الامر واجب است و در آیه دیگر می فراید: «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَ الَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ زَاكِعُونَ» و ولایت مقرون با اطاعت است، و در روایات مشخص شده که مراد از اولی الامر خاصاً اهل بیت علیهم السلام می باشند و فرموده اند که عام نیست بلکه مخصوص ما اهل بیت است. پس مشخص می شود که «اولی الامر» فقط امیرالمؤمنین علیه السلام و اولاد معصومین علیهم السلام او هستند.

۱۰ - این که پیامبر صلی الله علیه و آله در غدیر فرمودند: «من كنت مولا فلهذا علی مولا»^(۳) تفسیر «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَ الَّذِينَ آمَنُوا» است.

۱ - من لایحضره الفقیه: ج ۴ ص ۲۰. ۲ - سوره نساء: ۵۹.

۱ - کافی ۱: ۲۹۴.

۲ - سوره احزاب: ۳۶.

۳ - سوره مائده: ۵۵.

۳ - سوره کافی ۱/ ۲۷۸.

۴- با توجه به این آیه خلافت انتخابی است یا انتصابی؟ مستدل بیان کنید.

منابع جهت پژوهش

- ۱- کافی: ج ۱، ص ۴۲۷.
- ۲- بحار الانوار: ج ۲۴، ص ۶۳.
- ۳- امالی صدوق: ص ۱۸۶.
- ۴- تفسیر نور الثقلین: ج ۱، ص ۶۴۷.
- ۵- شواهد التنزیل: ج ۱، ص ۲۳۴.
- ۶- مناقب خوارزمی: ص ۲۶۴.

درس بیست و یکم آیه مباحله

یکی از اعیاد مهم تاریخ اسلام عید بزرگ مباحله است که در این عید عظیم خداوند بزرگ‌ترین آیه‌ای را که در مورد فضیلت اهل بیت علیهم‌السلام است نازل کرد و آن، آیه‌ی مبارکه مباحله است.

جریان مباحله این گونه بود که در سال نهم هجری، پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به دستور خداوند، مردم نجران را به اسلام دعوت کردند و آنان را مخیر نمودند که مسلمان شوند یا جزیه (مالیات) دهند.

علمای نجران مشورت کردند و هشتاد و هشت نفر از بزرگان خود را برای تحقیق به مدینه فرستادند و آنان گفتند: عیسی پسر خداست چون پدر ندارد. خداوند وحی فرستاد که حضرت آدم نه پدر داشت و نه مادر (پس چرا او را فرزند خدا نمی‌دانید) مباحثات زیادی بین آنها واقع شد و نجرانیان در همه‌ی مباحثات شکست خوردند و در آخر پیشنهاد دادند که بیایید مباحله کنیم که آیه مباحله نازل شد:

﴿فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَ
أَبْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَتَ
اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ﴾^(۱)

در روز مباحله پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم تنها با امیرالمؤمنین و حضرت زهرا و امام حسن و امام حسین علیهم‌السلام برای مباحله حاضر شدند و نجرانیان که آثار عذاب را مشاهده

روایت «هو منِّي وأنا منه» و یا روایت «من حاربك فقد حاربنى»^(۱) و... تماماً تفسیر ﴿أنفسنا وأنفسكم﴾^(۲) است.

۷- چون پیامبر ﷺ افضل انبیاء است، نفس پیامبر هم از همه‌ی انبیاء افضل است، از آیه‌ی مباهله معلوم می‌شود مقام حضرت زهرا علیها السلام از بقیه‌ی زنان پیامبر و از تمامی اصحاب برتر است.

۸- در جریان مباهله، سنّ کم امام حسن و امام حسین علیهما السلام مانع از این فضیلت نشد، پس کسانی که در سقیفه جوانی حضرت علی علیه السلام را نقص و پیری بعضی از صحابه را ملاک خلافت دانسته‌اند، خلاف ملاک خداست.

۹- زیادی تعداد افراد دلیل بر حقانیت شان نیست، چنانکه زیادی نصرانیان بر پنج تن دلیل حقانیت آنها نبود و تعداد زیاد مسیحیان و سنی‌ها نسبت به شیعه دلیل بر حقانیت شان نیست.

۱۰- عدم دعوت از خلفای سه گانه و زنان پیامبر ﷺ در قضیه مباهله با وجود نفوذ و تأثیر آنان در بین مردم بسیار قابل تأمل است چرا که استجاب دعا لیاقت می‌خواهد نه سن زیاد و عده و عده.

۱۱- از این که خداوند پیامبر ﷺ را به تنهایی به مباهله فراخواند، می‌توان استفاده کرد که مردم هنگام دعا کردن و برای استجاب آن باید اهل بیت را واسطه قرار دهند.

۱۲- وجود اهل بیت علیهم السلام تشریفاتی و تصنعی نبوده و اثبات حقانیت پیامبر ﷺ به آنان گره خورده است و پیامبر ﷺ آنها را دعوت نمود تا وقتی دعا کردند آمین بگویند، پس آمین آنها شرط استجاب است و مباهله بعد از علم و استدلال است، ﴿من بعد ما جاءك من العلم﴾^(۳)

کردند ترسیدند و از مباهله منصرف شدند و عده‌ای از آنان مسلمان شده و بقیه به دادن جزیه راضی شدند و این پیروزی بزرگ مسلمانان بر مسیحیان زبان زد خاص و عام شد.

نکات و استدلال به این آیه برای اثبات حقانیت عقائد شیعه

۱- در این آیه خداوند امام حسن و امام حسین علیهما السلام را فرزندان پیامبر ﷺ دانسته است، با آن که به ظاهر فرزندان امیرالمؤمنین علیه السلام هستند و در روایتی پیامبر ﷺ فرمودند: نسل هر کسی از او منتشر می‌شود و نسل من از امیرالمؤمنین و امیرالمؤمنین علیهما السلام در جنگ صفین وقتی دو بار محمد حنفیه را به معرکه‌ی جنگ فرستادند و او سؤال کرد: چرا حسن و حسین را نمی‌فرستی؟ فرمودند تو پسر من هستی و امام حسن و امام حسین علیهما السلام پسران پیغمبر هستند.

۲- در این آیه هنگام مباهله با وجود زنان مؤمنه و حتی زنان پیامبر، هیچ یک از آنان را برای مباهله دعوت نشدند، بلکه تنها حضرت زهرا علیها السلام را آوردند و این نشان می‌دهد که تنها حضرت زهرا علیها السلام در بین تمام زنان استحقاق ورود به این عرصه را داشته‌اند.

۳- در این آیه خداوند، امیرالمؤمنین علیه السلام را نفس پیامبر ﷺ خواندند و این اتحاد وجودی و مساوات بین آن دو را می‌رساند.

۴- اگر پیامبر صلی الله علیه و آله اولی به تصرف هستند، نفس پیامبر (یعنی امیرالمؤمنین علیه السلام) هم اولی به تصرف است.

۵- با وجود پیامبر صلی الله علیه و آله کسی حق سرپرستی امت را ندارد و با وجود نفس پیامبر نیز کسی حق سرپرستی امت را ندارد.

۶- روایات «أنا وعلی من شجرة واحدة»^(۱) و «أنا وعلی أبوا هذه الأمة»^(۲) و یا

۱- شرح الاخبار: ج ۲ ص ۳۹۷.

۲- سوره آل عمران: ۶۱.

۳- سوره آل عمران، ۶۱.

۲- کمال الدین: ج ۱ ص ۲۶۱.

۱- عیون اخبار الرضا: ج ۲ ص ۶۳.

۱۹- اهل نجران در نبوت پیامبر ﷺ شک داشتند و خداوند به وسیله‌ی اهل بیت ﷺ، نبوت را اثبات کرد، همان گونه که در سوره رعد خداوند می‌فرماید:

ای پیامبر! کفار می‌گویند تو پیغمبر نیستی، بگو من دو شاهد دارم: یکی خدا و دیگری حضرت علی ﷺ.

﴿وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَسْتَ مُرْسَلًا قُلْ كَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَ مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ﴾^(۱)

۲۰- بعد از جریان مباهله خداوند دوباره آیه تطهیر را نازل فرمود که این آیه ملاک انتخاب این پنج نفر برای مباهله را به روشنی بیان می‌کند.

۲۱- با وجود آن که ابراهیم پسر رسول خدا ﷺ در آن زمان زنده بود ولی در جریان مباهله آورده نشد، نشان می‌دهد که جایگاه امام حسن و امام حسین ﷺ، جایگاه خاصی است.

خلاصه بحث

بزرگ‌ترین فضیلت قرآنی برای اهل بیت ﷺ آیه مباهله است در این آیه امیرالمؤمنین ﷺ، نفس پیامبر و امام حسن و امام حسین ﷺ فرزندان پیامبر و حضرت زهرا ﷺ افضل زنان عالم نامیده شده است. و در این آیه اتحاد و مساوات عمیق امیرمؤمنان با پیامبر و افضلیت ایشان از همه‌ی انبیا و حقانیتشان در دعا کردن و شرافتشان در رسالت و مساواتشان در افضیلت و محبوبیت و غیره به روشنی بیان شده است.

ارزیابی

۱- از عبارت «انفسنا» چهار مطلب استخراج کنید.

۲- به دو دلیل ثابت کنید که امام حسن و امام حسین ﷺ فرزندان پیامبر ﷺ

۱۳- بعد از جریان سقیفه خانه‌ای که به آتش کشیده شد، شامل اهل مباهله بود، یعنی در آن خانه، حضرت فاطمه و حضرت علی و امام حسن و امام حسین ﷺ بود.

۱۴- چون خدا می‌فرماید که پیامبر ﷺ هر چه بگوید وحی است ﴿وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ ۗ إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ﴾^(۱) نشان می‌دهد که در حقیقت خداوند به کل عالم نگاه کرد و از این پنج نور مقدس برتر و پاک‌تر و عزیزتر نیافت و لذا آنها برای مباهله انتخاب شدند.

۱۵- روزی هارون از امام کاظم ﷺ سؤال کرد به چه دلیل خود را فرزند پیغمبر می‌دانی؟ امام جواب دادند: اگر پیامبر ﷺ دختر تو را خواستگاری کند، به او می‌دهی؟ او گفت: با افتخار قبول می‌کنم. امام ﷺ فرمودند: ولی ما دختر نمی‌دهیم چون دختران ما فرزندان او هستند.

۱۶- حدیث شریف «من كنت مولا ههذا علي مولا»^(۲) تفسیر آیه‌ی «انفسنا» است و بعد از پیامبر ﷺ نفس پیامبر متصدی امر او می‌شود.

۱۷- عبارت «انفسنا» تمام فضائل و مناقب و اختیارات پیامبر ﷺ را برای حضرت علی ﷺ اثبات می‌کند به جز پیامبری ایشان، یعنی همان حدیث منزلت که می‌فرماید: «أنت مني بمنزلة هارون من موسى إلا أنه لا نبي بعدي»^(۳)

۱۸- در داستان مباهله یک طرف دروغگویان هستند، نصارای نجران که در آیه مباهله فرمود: ﴿فَنَجْعَلُ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ﴾^(۴) و طرف مقابل «صادقین» هستند که در آیه‌ی دیگر خداوند فرمود: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ﴾^(۵)

۱- سوره نجم: ۳.

۲- کافی: ج ۸ ص ۱۰۷.

۳- کافی: ج ۸ ص ۱۰۷.

۴- سوره توبه: ۱۱۹.

۲- کافی: ج ۱ ص ۲۸۷.

۴- سوره آل عمران: ۶۱.

۱- سوره رعد: ۴۳.

هستند؟

۳- علت انتخاب این پنج نفر برای مباحله از بین این همه مردم چه بود؟

۴- اگر کسی گفت: حضرت عیسی بدون پدر به دنیا آمده است، پس فرزند

خداست در جواب نقضی شما چه می‌گویید؟

منابع جهت پژوهش

۱- بحار الانوار: ج ۲۱، ص ۲۸۱.

۲- مناقب آل ابی طالب: ج ۳، ص ۱۴۳.

۳- تفسیر عیاشی: ج ۱، ص ۱۷۶.

۴- صحیح مسلم: ج ۷، ص ۱۲۰.

۵- الدر المنثور: ج ۲، ص ۳۹.

۶- تفسیر آلوسی: ج ۳، ص ۱۹۰.

درس بیست و دوم

حدیث کساء

ماجرای حدیث کساء چند گونه و در چند مکان تکرار شده است. یک مورد آن بعد از جریان مباحله، پیامبر و اهل بیت علیهم السلام در زیر کسایی قرار گرفتند و آیه تطهیر نیز نازل شد.

یک مرتبه هم در خانه‌ی حضرت زهرا علیها السلام حدیث کساء تکرار شد.

حضرت زهرا علیها السلام می‌فرمایند: روزی پدرم بر من وارد شده و فرمودند: «احساس ضعف می‌کنم. کسایی برایم بیاور.» آوردم و ایشان خود را پوشاندند درحالی که صورتشان می‌درخشید. اندکی که گذشت فرزندم حسن علیه السلام آمد و سؤال کرد: بوی خوشی به مشامم می‌رسد. گفتم: بله، بوی جدّ توست. و او رفت و به پیامبر صلی الله علیه و آله سلام کرد و کنار ایشان زیر کساء قرار گرفت. سپس فرزندم حسین علیه السلام آمد و به همان ترتیب او نیز کنار جدّ خود قرار گرفت. سپس امیرالمؤمنین علیه السلام آمدند و او نیز به زیر کساء رفت. من نیز اجازه گرفته و کنار آنها زیر کساء نشستم و پیامبر دو طرف کساء را گرفت و به سمت آسمان اشاره کرده و فرمودند: «اینها اهل بیت من هستند، گوشت و خون آنها گوشت و خون من است و ... خداوند فرمود: ای ملائکه من ما سوی الله را نیافریدم مگر به خاطر محبت این پنج نفر. جبرئیل پرسید: آنها چه کسانی هستند؟ خداوند فرمود:

هُم فاطمة وابوها وبعلمها وبنوها^(۱).

جبرئیل اجازه گرفت و او نیز وارد کساء شد و گفت: خداوند می‌فرماید:

۱- اطیب البیان فی تفسیر القرآن: ج ۷ ص ۱۰۶.

﴿إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا﴾^(۱)

و فرمودند: هر کس این داستان را در محفلی بیان کند خداوند رحمت و غفران خود را نازل می‌کند و اگر صاحب غمی در آنجا باشد غم او را برطرف می‌کند و حاجات او را می‌دهد.

سند این حدیث، سند معتبری است که در جای خود به آن پرداخته شده است. شیعه و سنی نقل کرده‌اند که ام سلمه، همسر پیامبر بعد از این قضیه پرسید: آیا من هم جزء اهل بیت شما هستم؟ پیامبر ﷺ فرمودند: در جای خود باش، تو بر خیر هستی اما جزء اهل بیت و مشمول این آیه (تطهیر) نیستی.

نکات و استدلال به این حدیث برای اثبات حقانیت عقاید شیعه

۱- در زمان نزول این آیه، امام حسن و امام حسین ﷺ کودک بوده‌اند ولی خداوند چنین مقامی را برای آنان ثابت می‌کند که همه بدانند این مقام اکتسابی نیست بلکه موهبتی است.

۲- حضرت جبرئیل که اعظم ملائکه است از خدا می‌خواهد که اجازه دهد ششمی آن پنج نفر در زیر کساء باشد.

۳- این که پیامبر دو طرف کساء را می‌گیرند و اجازه نمی‌دهند کسی وارد شود، می‌خواهند ثابت کنند که در آن زمان هیچ کس دیگری لیاقت چنین فضیلتی را ندارد.

۴- حضرت زهرا ﷺ می‌فرماید: «فقال الله عزّ وجلّ» بدون این که این کلام خدا را منتسب به پیغمبر کنند و این یعنی تحدیث اهل بیت ﷺ به صورت مستقیم از خداوند متعال.

۵- این که خداوند می‌فرماید: آسمان و زمین و.. را برای محبت اهل بیت ﷺ خلق کرده‌ام، نشان می‌دهد که خلقت اهل بیت ﷺ قبل از آسمان و زمین است.

۶- وقتی جبرئیل می‌پرسد: «ومن تحت الكساء» خداوند همه را با محوریت فاطمه معرفی می‌کند می‌فرماید: «فاطمة وابوها وبعلمها و بنوها» و این نشان می‌دهد اگر کسی ادعا کند پیامبر را می‌شناسد یا دوست می‌دارد، ولی فاطمه ﷺ را نشناسد یا اذیت کند، او پیامبر را نشناخته است که این نشان از عظمت حضرت فاطمه ﷺ دارد.

۷- این که جبرئیل می‌گوید: «ما سوی الله را خداوند «لأجلکم» یعنی به خاطر شما آفرید و روایتی که می‌فرماید: «الأرض وما فيها كان للإمام» می‌رساند که از سوئی عالم به خاطر آنان خلق شده و از سوی دیگر مالک هستی اهل بیت ﷺ هستند و اگر کسی بدون رضایت و اذن ایشان در زمین تصرف کند، آن شخص غاصب است.

۸- وجود اهل بیت ﷺ آن قدر با برکت است که ذکر خبر یک داستان از زندگی آنها باعث نزول رحمت و مغفرت می‌شود.

۹- بعد از حدیث کساء اگر کسی دعا کند دعایش مستجاب می‌شود و دلیل بر آن است که هنگام دعا کردن باید اهل بیت ﷺ را شفیع قرار داد.

۱۰- در حدیث کساء، پیامبر ﷺ به حضرت زهرا ﷺ فرمودند: «یا بنتی و یا بضعتی» یعنی ای دختر من و ای پاره‌ی تنم، و می‌دانید اگر کسی به پاره‌ی تن پیامبر آسیب برساند، پیامبر ﷺ را آزرده و اذیت کرده است و قرآن می‌فرماید: کسانی که پیامبر را اذیت کنند، خداوند آنها را لعنت می‌کند و عذاب عظیمی برای آنها تهیه شده است.

۱۱- این که پیامبر ﷺ فرمودند: گوشت آنها از گوشت من و خون آنها از خون من است، در مورد حضرت زهرا و امام حسن و امام حسین ﷺ روشن است و در مورد امیرالمؤمنین ﷺ نیز به وسیله‌ی آیه‌ی مباحله، کلمه‌ی «انفسنا» فهمیده می‌شود و نیز به وسیله روایت «أنا و علی من شجرة واحدة»^(۱).

۱۲- این که پیامبر ﷺ فرمودند: «انا حرب لمن حاربکم»^(۱) نشان می‌دهد کسانی که در جنگ جمل و صفین و غیره وارد شدند در حقیقت با پیامبر ﷺ جنگیدند و کافر شدند.

۱۳- این که فرمودند: «إِنَّهُمْ مِنِّي وَأَنَا مِنْهُمْ» نشان می‌دهد که طینت چهارده معصوم واحد است «کلّهم نور واحد» و یا عبارت «اَوْلَنَا مُحَمَّدٌ، وَاوَسَطْنَا مُحَمَّدٌ وَآخِرِنَا مُحَمَّدٌ وَكُنَّا مُحَمَّدًا ﷺ»^(۲)

خلاصه بحث

با قرار گرفتن پنج تن تحت کساء، خداوند آیه‌ی تطهیر را نازل کرد و پیامبر اکرم ﷺ فضائل مهمی را در رابطه با آنان بیان فرمود و خداوند علت خلقت را به صورت روشن اعلام کرد و پیامبر ﷺ زنان خود را از شمول در این فضائل خارج کرد و نیز فرمود: اینها از اختصاصات اهل بیت ﷺ است و جبرئیل که اعظم ملائکه است، از خدا خواست که در کنار آنها قرار بگیرد.

ارزیابی

- ۱- آیا زنان پیامبر ﷺ، جزء اهل بیت ﷺ هستند؟ با یک دلیل اثبات کنید.
- ۲- از کلمه‌ی «بضعتی» چه مطلبی به دست می‌آید؟
- ۳- خداوند آسمان و زمین و... را چرا آفرید؟
- ۴- فرمایش پیامبر ﷺ: «أنا حرب لمن حاربکم»^(۳) چه نتایجی در بر دارد؟

منابع جهت پژوهش

- ۱- اصول کافی: ج ۱، ص ۲۸۷.
- ۲- بحار الانوار: ج ۳۵، ص ۲۱۱.
- ۳- مسند احمد: ج ۱، ص ۳۳۱.
- ۴- المستدرک للحاکم: ج ۲، ص ۴۱۶.
- ۵- تفسیر ثعلبی: ج ۸، ص ۴۰.

درس بیست و سوم

آیه‌ی تطهیر

﴿إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا﴾

پیامبر اکرم ﷺ مکرراً و به مناسبت‌های مختلف آیه‌ی تطهیر را برای مردم قرائت کرده‌اند، نزول این آیه را در ۲۴ ذی الحجه دانسته‌اند. این آیه منبع جوشان معارف اهل بیت ﷺ است. خداوند این آیه را در بین آیاتی در قرآن قرار داده است تا استفاده‌ی از آن بیشتر شود. خداوند در قسمتی از آیه ۳۳ سوره احزاب می‌فرماید: ﴿إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا﴾

در این آیه کلمه «انما» دلالت در حصر در اراده می‌دهد نوع خاصی از اراده و آن هم فقط برای افراد خاصی (اهل بیت) می‌باشد، خداوند اراده کرد که همه‌ی بشریت پاک باشند و پاک از دنیا بروند که به آن اراده‌ی تشریحی می‌گوییم اما در مورد طهارت اهل بیت ﷺ می‌رساند اراده‌ی غیر تشریحی و از نوع اراده‌ی تکوینی است و این که می‌فرماید: «یرید الله» یعنی خداوند اراده کرده است و این طهارت اعطائی است نه اکتسابی. و امام رضا ﷺ هم می‌فرماید: «من غیر اکتساب»؛ یعنی ما آن را کسب نکردیم خداوند به ما هبه کرد.

نکته‌ی دیگر آن که «لیذهب» یعنی خداوند دفع کرد نه رفع و اهل بیت ﷺ هیچ‌گاه متلبس به رجس نبودند و از اول پاک بودند و «الف و لام» الرجس چه جنس باشد و چه استغراق تمام رجس را شامل می‌شود و وقتی تمام رجس دفع شود عصمت مطلق حاصل است.

کلمه اهل البیت چون منصوب به اختصاص است می‌رساند که این حکم فقط

۱- عیون اخبار الرضا: ج ۲ ص ۵۸. ۲- بحار الانوار: ج ۲۶ ص ۶.

۳- عیون اخبار الرضا: ج ۲ ص ۵۸.

در مورد اهل بیت علیهم السلام است و دیگران را شامل نمی‌شود و در روایات آمده است مراد از اهل بیت علیهم السلام چهارده معصومند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند:

يا عليّ هذه الآية نزلت فيك وفي سبطي والائمة من ولدك.^(۱)

و لفظ «یرید» و «لینذهب» و «یطهرکم» همه صیغه‌ی مضارع اند و دلالت بر استمرار و دوام این اراده و این اذهاب و این طهارت از جانب خداوند می‌کند کلمه‌ی «یطهرکم» دلیل بر طهارتی بالاتر از اذهاب رجس و کلمه‌ی تطهیراً، طهارتی مطلق را دلالت می‌کند که از حدّ فکرها بیرون است. (اصل آن است که هر کلمه تأسیس معنا می‌کند مگر بر خلاف آن دلیل داشته باشم).

نکات و استدلال به این آیه برای اثبات حقانیت عقائد شیعه

۱- این آیه دلالت بر افضلیت اهل بیت علیهم السلام نسبت به دیگران است.

۲- عصمتی که از این آیه اثبات می‌شود، فوق عصمت انبیاء و اولیاء است.

۳- در روایتی «رجس» به معنای جهل تفسیر شده است وقتی خداوند تمام جهل را از اهل بیت علیهم السلام دفع کرده باشد، یعنی علم مطلق نزد آنهاست.

۴- خداوند این آیه را در بین آیاتی که وظایف زنان پیامبر را بیان می‌کند قرار داد تا به زنان پیامبر صلی الله علیه و آله بفهماند که شما زنان در خانه‌ای وارد شده‌اید که این خانه پاکی مطلق است یعنی مراقب عملکرد و برخوردهای خود باشید و شأن این خانه و خانواده را حفظ کنید.

۵- پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام بشر هستند ولی نباید فضیلت‌ها و تفاوت‌های آنها را با بشر عادی انکار کرد، همان گونه که حضرت عیسی هم بشر است ولی بدون پدر متولد می‌شود و حضرت موسی هم بشر است ولی چهل روز بدون آب

و غذا در کوه طور خدا را عبادت می‌کند و حضرت خضر هم بشر است، اما عمر ایشان به ۴۰۰۰ سال می‌رسد، و حضرت یونس هم بشر است ولی در دل ماهی در اعماق دریاها زمان زیادی زندگی می‌کند و حضرت عیسی بشر است اما اکنون خارج از این جهان و در آسمان چهارم زندگی می‌کند پس تفاوت‌های انبیاء با بشر عادی قابل انکار نیست.

۶- آب دهان پیامبر صلی الله علیه و آله معجزه گر است، وقتی در چاه خشک می‌افتد پیر از آب می‌شود و در جنگ خیبر که چشم‌های امیرالمؤمنین علیه السلام متورم شده بود از آب دهان شریف بر آن قرار دادند و چشمان امیرالمؤمنین علیه السلام فوراً شفا گرفت، و در جریان ازدواج حضرت علی علیه السلام با حضرت زهرا علیه السلام، آن حضرت مقداری از آب دهان مبارک خویش را در ظرفی قرار داده و به امیرالمؤمنین علیه السلام و حضرت زهرا علیه السلام فرمودند بنوشید و مقداری هم به بدن خود بپاشید.^(۱)

۷- بدن شریف اهل بیت علیهم السلام پاک است، حضرت زهرا علیه السلام به حضرت علی علیه السلام فرمودند: بعد از مرگ من از زیر لباس مرا غسل بده «فإني طاهرة مطهرة» یعنی بعد از مرگ هم من طاهر هستم.^(۲)

۸- مطهر به دنیا می‌آیند. «الله تبارك و تعالی قد نظّفه و طهّره» و در هر حالی پاک‌اند «ابنتی طاهرة مطهرة»^(۳).

و باز فرمودند «لا یحلّ لأحد أن یجنب فی هذا المسجد الا أنا و علی و فاطمة و الحسن و الحسین و من کان من اهلی فانهم منی»^(۴).

۹- در روایتی دیگر فرمودند: که مراد از رجس شک می‌باشد، خداوند شک را از آنها دور کرده است.^(۵)

۱- بحار الانوار: ج ۴۳ ص ۱۳۳ و ج ۳۹ ص ۱۱. ۲- بحار الانوار: ج ۴۳ ص ۱۷۹.

۳- احقاق الحق: ج ۱۰ ص ۳۱۱. ۴- بحار الانوار: ج ۳۹ ص ۲۰.

۵- بحار الانوار: ج ۲۳ ص ۲۰۳.

۱- تفسیر البرهان: ج ۴ ص ۴۴۴.

۱۰- بدن مقدّس آنها بعد از رحلت نیز باعث پاکی زمین می‌گردد «طبتم و طابت الارض الّتی فیها دفنتم»^(۱).

۱۱- آنها دریای ولایت اند و اگر گنه کاری به زیارتشان برود، ملائکه ندا می‌دهند «طبت و طاب من زرت»^(۲).

ز) آنها از قرآن جدا نمی‌شوند «إنّهما لن یفترقا»^(۳) و قرآن می‌فرماید: ﴿لَا یَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ﴾ پس تنها آنها حقیقت قرآن را درک کرده‌اند و تنها مفسر قرآن هستند.

۱۲- یکی از معانی فرمایش اهل بیت علیهم‌السلام که می‌فرمودند: «لا یقاس بنا أحد»^(۴) این است که طهارت اهل بیت علیهم‌السلام قابل مقایسه با طهارت هیچ کس نیست، حتی انبیاء عظام و ملائکه مقرب.

خلاصه بحث

آیه‌ی تطهیر دلیل بر عصمت مطلق و علم بی‌کران و افضلیت بر ما سوی الله دارد و خداوند این کرامت را با علم الهی خود و حکمت بی‌انتهایش فقط به چهارده معصوم علیهم‌السلام عنایت کرده و در این زمینه هیچ کس با آنها قابل مقایسه نیست نه ملک مقرب و نه نبی مرسل و نه بنده مؤمن، اختصاصات اهل بیت علیهم‌السلام دلیل بر این نیست که آنها بشر نیستند، بلکه بشری هستند که این صفات را نیز دارند.

ارزیابی

۱- اراده‌ی الهی ﴿إِنَّمَا یُرِیدُ اللهُ﴾ اراده‌ی تشریحی است یا تکوینی؟ چرا؟

۲- چگونه این آیه دلالت بر عصمت مطلق اهل بیت علیهم‌السلام می‌کند؟

۳- دلالت آیه بر علم بی‌کران اهل بیت علیهم‌السلام را به وسیله روایت مربوطه اثبات کنید.

۴- چهار ویژگی از ویژگی‌های خاص اهل بیت علیهم‌السلام را که مربوط به طهارتشان است، نام ببرید.

منابع جهت پژوهش

۱- تفسیر البرهان: ذیل آیه

۲- تفسیر درالمنثور: ص ۶۰۴ و ۶۰۶

۳- بحار الانوار ج ۲۳ و ۳۹ و ۱۰۱

۴- احقاق الحق ج ۱۰ ص ۳۱۱

۱- بحار الانوار: ج ۱۰۱ ص ۲۰۱.

۲- بحار الانوار: ج ۱۰۱ ص ۱۹.

۳- کافی ۲ ص ۴۱۵.

۴- عیون اخبار الرضا: ج ۲ ص ۶۶.

هر چه می بینی پس از بازگشت برای من نقل کن. هنگامی که همگی بر آن فرش سوار شدند امیرالمؤمنین علیه السلام خطاب به باد فرمودند: یا ریح احمیلنا و سیروا علی برکة الله. ای باد ما را حرکت بده و به واسطه برکت خدا روان ساز! «باد فرش را برداشته و به آسمان برد و از مکان‌های مختلف ما را حرکت می داد تا آن که به فرمان امیرالمؤمنین علیه السلام بر زمین نشست. آن گاه امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: آیا می دانید این چه سرزمینی است؟! گفتیم: خدا و رسول و وصی او بهتر می دانند. حضرت فرمودند: این سرزمین اصحاب کهف است برخیزید تا نزد آنان رفته و بر آنان سلام کنیم. وقتی به غار اصحاب کهف وارد شدیم ابتدا ابوبکر سپس عمر و پس از آن مابقی صحابی به اصحاب کهف سلام کردند و گفتند: السلام علیکم یا اصحاب الکهف والرقیم! سپس من پیش رفته و گفتم: السلام علیکم و رحمة الله و برکاته انا انس خادم رسول خدا صلی الله علیه و آله یا اصحاب الکهف! اما هیچ یک از ما جوابی نشنیدیم. پس از آن امیرالمؤمنین علیه السلام برخواسته و فرمودند: السلام علیکم یا اصحاب الکهف والرقیم الذین کانوا من آیاتنا عجباً! ناگهان همه اصحاب کهف با هم گفتند: و علیک السلام یا وصی رسول الله و رحمة الله و برکاته! امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: ای اصحاب کهف چرا جواب سلام دیگران را ندادید؟! آنان گفتند: ای خلیفه رسول خدا صلی الله علیه و آله ما گروهی هستیم که به خدا ایمان آورده و خداوند نیز هدایت خود را بر ما افزوده است و ما اجازه نداریم که جواب سلام کسی را بدهیم مگر آن که آن شخص پیامبر یا وصی پیامبر باشد و جواب سلام تو را دادیم چرا که تو وصی و جانشین رسول خدا صلی الله علیه و آله و خاتم انبیاء و سیدالوصیین هستی. امیرالمؤمنین علیه السلام به ما فرمودند: آیا شنیدید ای اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله؟ همگی گفتند: آری یا امیرالمؤمنین! سپس فرمودند: همگی بر قالیچه سوار شوید تا بازگردیم. صبح به مدینه رسیدیم و نماز را پشت سر رسول خدا صلی الله علیه و آله خواندیم و به تعقیبات مشغول شدیم. در این هنگام رسول خدا صلی الله علیه و آله به

درس بیست و چهارم

حدیث بساط (غمام)

بنا بر آن چه که مرحوم کفعمی رحمته الله و علامه مجلسی رحمته الله نقل نموده اند، حدیث بساط (سفر امیرالمؤمنین علیه السلام با قالیچه پرنده به غار اصحاب کهف) در روز بیست و یکم و یا بیست و هفتم ماه ذی الحججه اتفاق افتاده است^(۱) و حکایت آن بنا بر نقل مرحوم مقدس اردبیلی رحمته الله از این قرار است: ابی جعد می گوید در بصره بودم که به مجلس انس بن مالک خدمت کار رسول خدا صلی الله علیه و آله وارد شدم. در این هنگام مردی برخاسته و گفت: ای انس! ای کسی که مصاحب رسول خدا صلی الله علیه و آله بوده‌ای این بیماری برص که در تو مشاهده می کنیم از چیست و حال آن که از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده که مؤمنان به برص و جذام مبتلا نمی شوند؟!

انس سر خود را پایین انداخته و اشک در چشمانش جاری شد و گفت: دعای بنده صالح در حق من مستجاب شده است! مردم جریان را سؤال نمودند اما انس از بیان آن شرم داشت، و هنگامی که با اصرار مردم مواجه شد، جریان حدیث بساط را نقل نموده و گفت: روزی قالیچه ای برای رسول خدا صلی الله علیه و آله هدیه آوردند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مرا خواسته و فرمودند: آن ده نفر را (ابوبکر، عمر، طلحه، زبیر، عبدالرحمن بن عوف و...[﴿] حاضر کن! وقتی آنان آمدند، رسول خدا صلی الله علیه و آله به امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: این ده نفر را بر این فرش سوار کن و آنان را به زیارت اصحاب کهف برده و بازگردید. پس به من فرمودند: ای انس! تو نیز با آنان برو و

تا از دنیا رفت. (۱)

سند حدیث بساط

حدیث بساط از احادیث معتبری است که علمای فراوانی در کتب خود آن را از طرق مختلف نقل فرموده‌اند. (۲)

روایت انس بن مالک در زمان رسول خدا ﷺ و با عنوان بساط «فرش» و روایت سلمان فارسی در زمان امیرالمؤمنین علیؑ با عنوان غمام «ابر» نقل شده است و با توجه به اختلاف متن، ممکن است این حکایت دو مرتبه و در دو زمان جداگانه و با دو کیفیت اتفاق افتاده باشد. در کتب مربوط به فضائل و مناقب امیرالمؤمنین علیؑ روز واقعه این ماجرا «۲۱ یا ۲۷ ذی الحجه» را «یوم البساط» نامیده‌اند.

نکات و استدلال به حدیث بساط در اثبات حقانیت شیعه

۱. رسول خدا ﷺ در زمان‌های مختلف و به شیوه‌های مختلف وصایت و جانشینی امیرالمؤمنین علیؑ را برای افراد مختلف حتی منافقان بازگو نموده و به نوعی اتمام حجت می نمودند که حدیث بساط یکی از صدها مورد آن است.
۲. طبق نقل جابر آیه اطاعت در خلال حکایت بساط نازل یا بر آن تأکید شده است.
۳. اصحاب کهف با صراحت دلیل پاسخ دادن به سلام امیرالمؤمنین علیؑ را وصایت و جانشینی رسول خدا ﷺ بیان نمودند.
۴. با وجود آن همه دلایل و معجزات روشن بر وصایت امیرالمؤمنین علیؑ باز هم دنیا طلبی برخی به ظاهر اصحاب باعث کتمان حقیقت و مخفی نمودن فضائل

من رو کرده و فرمودند: ای انس! آیا تو خود می گویی یا من بگویم آن چه را دیدی و شنیدی؟! گفتم یا رسول خدا ﷺ سخن شما شیرین تر است. آن گاه رسول خدا ﷺ تمام آن چه را که اتفاق افتاده بود از ابتدا تا انتها بیان نموده و فرمودند: ای انس! هرگاه پسر عمویم علیؑ از تو گواهی طلبید بر آن چه اتفاق افتاده است آیا گواهی خواهی داد؟ گفتم آری ای پیامبر خدا!

در روایت جابر بن عبدالله انصاری و سلمان فارسی آمده است که رسول خدا ﷺ پس از آن که از تمام مسافران قالیچه بر این معجزه اقرار و اعتراف گرفتند فرمودند: من مأموریت دارم که از شما بیعت بگیرم که با علی بن ابیطالب علیؑ بیعت نموده و از او اطاعت کنید که بر این مطلب این آیه نازل شده است ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ﴾ ای کسانی که ایمان آورده اید از خدا و رسول و صاحبان امر اطاعت کنید. (۱)

انس می گوید: پس از ارتحال رسول خدا ﷺ و غصب خلافت، روزی امیرالمؤمنین علیؑ در جمع کثیری به من فرمودند: ای انس! حکایت روز بساط را نقل کن! اما من گفتم: یا علی! من پیر شده ام و همه چیز را فراموش کرده ام. امیرالمؤمنین علیؑ فرمودند: اگر کتمان شهادت رسول خدا ﷺ را نموده و در بیان حدیث بساط کوتاهی نمایی حق تعالی سفیدی برص را بر روی تو و آتش در درون تو و کوری را در چشم تو پدید آورد که آن را نتوانی پنهان کنی و من از آن مجلس برنخواستم مگر آن که به آن سه مرض گرفتار شدم و انس به همان حال بود

۱. الأصول الستة عشر؛ ص ۱۳۰ و بحار الانوار، ج ۳۹، ص ۱۴۰؛ و اذا نحن على باب المسجد فخرج الينا رسول الله ﷺ فقال كيف رايتم فقال القوم نشهد كما شهد اهل الكهف و نومن كما امنوا فقال ص ان فعلوا تهتدوا و ما على الرسول اّلا البلاغ المبين فان لم تفعلوا تختلفوا فمن وفى وفى الله له و من نكص فعلى عقبه ينقلب ابعده المعرفة و الحجة و الذى نفسى بيده لقد امرت ان امركم بيعة و طاعته فبايعوه و اطيعوه فقد نزل الوحي بذلك على يا (أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ)

۱. حديقة الشيعه، مقدس اردبیلی، ص ۳۸۲.

۲. برخی از منابع حدیث بساط عبارتند از: ارشادالقلوب: ۲/۲۶۹، بحارالانوار: ۳۹/۱۴۵، الخرائج والجرائح: ۱/۱۹۰ و ۲/۲۱۱ و مناقب ابن شهر آشوب، ۲/۱۶۲.

و حقانیت امیرالمؤمنین علیه السلام شد.

۵. کسانی که حقانیت امیرالمؤمنین علیه السلام و ولایت و وصایت ایشان را منکر می شوند در دنیا به بلاهای مختلفی دچار می شوند و در آخرت نیز به انواع عذاب دچار خواهند شد.

۶. اصحاب کهف بر طریق حق و اهل بهشت بودند و اعتقاد آنان به وصایت امیرالمؤمنین علیه السلام از شیعه بودن ایشان حکایت می کند. بنابراین شیعه برحق و اهل بهشت است.

۷. با توجه به آن که اصحاب کهف جواب سلام هیچ یک از اصحاب را به جز امیرالمؤمنین علیه السلام ندادند و علت آن را هم بیان نمودند، بنابراین تنها وصی و جانشین رسول خدا صلی الله علیه و آله، امیرالمؤمنین علیه السلام است نه دیگر اصحاب.

۸. نزول آیه «اولی الامر» در جریان حدیث بساط ثابت نمود که اولی الامر تنها امیرالمؤمنین علیه السلام است و هیچ یک از اصحاب اولی الامر نبوده و نیستند و کسانی که خود را اولی الامر نامیدند خلاف آیه قرآن عمل نمودند.

۹. اطاعت از اولی الامر، اطاعت از خدا و رسول اوست و این امر نشان دهنده عصمت مطلق و بی نظیر آنان است که اگر معصوم نباشند دستور خداوند به اطاعت مطلق از آنان لغو می شود، چرا که اطاعت مطلق از غیر معصوم جایز نیست. همانند کسانی که دائماً به خطاها و اشتباهات خود اعتراف می نمودند «لولا علی لهلك عمر».

۱۰. در جریان حدیث بساط و غدیر خم و زمانها و مکانهای متعدد رسول خدا صلی الله علیه و آله از اصحاب برای امیرالمؤمنین علیه السلام بیعت گرفتند، بنابراین کسانی که نقض عهد نموده و پیمان شکستند طبق آیات قرآن مشمول عذاب الهی می شوند.

ارزیابی

۱. یوم البساط چه روزی است و در آن روز چه اتفاقی افتاد؟
۲. چرا اصحاب کهف پاسخ سلام اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله را ندادند؟
۳. دلیل بیعت گرفتن برای امیرالمؤمنین علیه السلام پس از اقرار گرفتن رسول خدا صلی الله علیه و آله از اصحاب چه بود و پس از آن چه آیه ای نازل شد؟
۴. با توجه به حدیث بساط دلایل حقانیت شیعه چیست؟
۵. آیه «اولی الامر» چگونه بر عصمت امیرالمؤمنین علیه السلام دلالت می کند؟

منابع جهت پژوهش

- ۱- أصول السنّة عشر، ص ۱۲۸
- ۲- الخرائج و الجرائح، ج ۲، ص ۸۳۶
- ۳- مناقب آل أبي طالب، ابن شهر آشوب، ص ۳۳۸
- ۳- بحار الانوار، ج ۳۰، ص ۱۳۶.

عبادت هستند و چشمانشان از گرسنگی فرو رفته است. پیامبر ﷺ او را در آغوش گرفته و در این حالت جبرئیل نازل شد و سوره‌ی دهر را نازل کرد:

﴿هَلْ أَتَى عَلَى الْإِنْسَانِ حِينٌ مِّنَ الدَّهْرِ لَمْ يَكُنْ شَيْئًا مَّذْكُورًا...﴾ * يُؤْفُونَ
بِالنَّذْرِ وَيَخَافُونَ يَوْمًا كَانَ شَرُّهُ مُسْتَطِيرًا * وَيُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَى
حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا * إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً
وَلَا شُكُورًا ﴿١﴾

و سپس جبرئیل از آسمان ظرفی را در آن غذای بهشتی بود برای آنان آورد و آنان میل فرمودند و سیر شدند و پیامبر اکرم ﷺ شکر خدا را نمودند که مانند مریم علیها السلام در خاندان او هست که ﴿كَلَّمَا نَحَلَّ عَلَيهَا رَكْرِيًا الْإِحْرَابَ وَجَدَ عِنْدَهَا رِزْقًا﴾ (۲) و آن ظرف نزد امام زمان علیها السلام است که در آن تناول می‌کنند «وهي الجفنة التي يأكل منها القائم» (۳)

نکات و استدلال به آیه برای اثبات حقانیت عقائد شیعه

۱- مقدم داشتن دیگران بر خود، روش اهل بیت علیهم السلام است (خداوند می‌فرماید: ﴿وَيُؤْتُونَ عَلَى أَنفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ﴾ (۴) و یا حضرت زهرا علیها السلام از شب تا صبح به همسایگان دعا می‌کردند، وقتی امام حسن علیها السلام علت را جویا می‌شوند، می‌فرمایند: «الجار ثم الدار»

۲- سزاوار است مؤمنین جهت تعجیل در فرج امام زمان علیها السلام، این سه روز را این گونه نامگذاری کنند: «سه روز صیام جهت سلامتی و تعجیل در فرج صاحب قیام».

۳- امیرالمؤمنین علیها السلام فرمودند: سه روز روزه می‌گیریم برای تشکر از خدا «أصوم ثلاثة أيام شكراً لله» و در این سوره خداوند می‌فرماید: ﴿إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ

درس بیست و پنجم

سوره‌ی هل آتی «انسان»

در سال ششم هجری، امام حسن و امام حسین علیهما السلام بیمار می‌شوند. پیامبر ﷺ از امام حسن و امام حسین علیهما السلام عیادت می‌کنند و به امیرالمؤمنین علیها السلام می‌فرمایند اگر در مورد فرزندان نذری کنی خداوند آنها را شفاء خواهد داد.

امیرالمؤمنین علیها السلام فرمودند: سه روز به شکرانه‌ی شفا‌ی آنها روزه خواهیم گرفت. حضرت زهرا علیها السلام نیز همان نذر را نیت کردند. امام حسن علیها السلام و امام حسین علیها السلام نیز که کودک بودند، گفتند: ما هم سه روز، روزه خواهیم گرفت. خداوند آنان را شفا داد و آنها از روز بعد، شروع به روزه گرفتن کردند. حضرت علی علیها السلام از یکی از همسایگان که مقداری پشم همراه با مقداری جو گرفتند. حضرت زهرا علیها السلام پشم‌ها را به دست مبارک خود ریخته و با دست خود آن جوها را آرد کردند.

یک سوم آردها را خمیر کرده و پنج قرص نان پخته و برای افطار در سفره گذاشتند. مسکینی درب خانه را زده و تقاضای کمک کرد. آنان نان‌ها را به مسکین دادند و خود تنها با آب افطار کردند.

روز دوم حضرت زهرا علیها السلام یک سوم دیگر از آردها را خمیر کرده و نان پختند. در شب دوم یتیمی به در خانه‌ی اهل بیت علیهم السلام آمد و آنها نان‌ها را به ایتم دادند و خود با آب افطار کردند.

روز سوم هنگام افطار اسیری آمد و همان تقاضا را کرد و آنان غذای خود را به او دادند و بعد همراه با امام حسن و امام حسین علیهما السلام در حالی که از گرسنگی می‌لرزیدند خدمت پیامبر ﷺ رسیدند، پیامبر ﷺ فرمودند: برای من سخت است شما را در این حالت ببینم. و حضرت زهرا علیها السلام را دیدند که در محراب

۲- سوره آل عمران: ۲۷.

۱- سوره انسان: ۱.

۴- سوره حشر: ۹.

۳- تفسیر عیاشی: ج ۱ ص ۱۷۲.

سی آیه نازل می‌کند همان گونه که در جنگ خندق پیامبر ﷺ فرمودند: «ضربه علی یوم الخندق أفضل من عبادة الثقلين» یعنی یک ضربه‌ی چند ثانیه‌ای از امیرالمؤمنین از هزاران سال نماز و روزه و جهاد و حج و انفاق و تحصیل علم جن و انس نزد خدا بالاتر است، پس یک حسنه‌ی امیرالمؤمنین ﷺ برتر از تمام اعمال اولین و آخرین است.

خلاصه بحث

اهل بیت ﷺ به شکرانه‌ی شفای امام حسن و امام حسین ﷺ سه روز روزه گرفتند و خداوند یک سوره‌ی کامل در مدح آنان فرستاد. سوره‌ی هل آتی آنان را ابرار و عباد الله و مخالفین ایشان را کفار خواند و در این سوره به این نکته اشاره شد که خداوند کثرت عمل را نمی‌نگرد بلکه اخلاص و حسن عمل را ارجح می‌نهد.

ارزیابی

- ۱- شأن نزول سوره‌ی هل آتی را توضیح دهید.
- ۲- شرکت فضه در این فضیلت چه رهاوردی برای بشریت دارد؟
- ۳- کافر بودن مخالفین اهل بیت ﷺ را به وسیله‌ی این سوره ثابت کنید.
- ۴- چهار نکته از این سوره برای اثبات حقانیت عقائد شیعه بنویسید.

منابع جهت پژوهش

- ۱- امالی صدوق: ص ۳۲۹.
- ۲- مناقب امیرالمؤمنین، کوفی، ج ۱، ص ۱۸۲.
- ۳- بحار الانوار: ج ۳۵، ص ۲۳۷.
- ۴- تفسیر ثعلبی: ج ۱۰، ص ۱۰۱.
- ۵- شواهد التنزیل: ج ۲، ص ۳۸۸.
- ۳- مناقب ابن مغزالی: ص ۲۷۲.

إِنَّمَا شَاكِرًا وَإِنَّمَا كَفُورًا^(۱) یعنی انسان‌ها یا شاکر هستند و یا کافر، پس امیرالمؤمنین شاکر است و مخالف او کافر و در ادامه خداوند می‌فرماید: ﴿إِنَّمَا أَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ سَلَاسِلَ وَأَغْلَالًا وَسَعِيرًا^(۲)﴾

۴- در این سوره خداوند بهشتی بودن آنها را خبر می‌دهد و از طرفی پیامبر ﷺ فرمودند: «من مات ولم يعرف امام زمانه مات میتة جاهلیة» حال باید دید حضرت زهرا ﷺ در هنگام وفات، امامت کدام امام را پذیرفته بودند، هر طرف که او باشد امام برحق، آن طرف است و گروه مقابل به مرگ جاهلی از دنیا رفته‌اند.

۵- خداوند می‌فرماید: ﴿وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ^(۳)﴾ و در آیه‌ای برای رسیدن به «بر» می‌فرماید: ﴿لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ^(۴)﴾ و در این سوره در وصف اهل بیت ﷺ آمده است: ﴿وَ يُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَىٰ حُبِّهِ^(۵)﴾ پس آنان بر محبت انفاق کرده‌اند و به بر رسیده‌اند در نتیجه مؤمن واقعی هستند و اهل فلاح (رستگاری) که خداوند فرمود: ﴿قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ^(۶)﴾ و اینان که رستگار باشند مخالف آنان اهل ضلالت است.

۶- خداوند در این سوره می‌فرماید: ﴿إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ^(۷)﴾ و در آیه‌ای دیگر دستور می‌دهد که همراه کسانی باشید که «وجه الله» را می‌خواهند ﴿وَ اصْبِرْ نَفْسَكَ مَعَ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْغَدَاةِ وَالْعَشِيِّ يُرِيدُونَ وَجْهَهُ^(۸)﴾ پس خداوند دستور به معیت با اهل بیت ﷺ را می‌دهد.

۷- خداوند به کیفیت عمل بها می‌دهد نه کمیت آن ﴿لِيَبْلُوكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا^(۹)﴾ نمی‌فرماید: «اکثر عملاً» و در این ماجرا برای دادن ۱۵ قرص نان بیش از

- | | |
|--------------------|-----------------------|
| ۱- سوره انسان: ۳. | ۲- سوره انسان: ۴. |
| ۳- سوره بقره: ۱۷۷. | ۴- سوره آل عمران: ۹۲. |
| ۵- سوره انسان / ۸. | ۶- سوره مؤمنون: ۱. |
| ۷- سوره انسان: ۹. | ۸- سوره کهف / ۲۸. |
| ۹- سوره ملک: ۲. | |

(امام كاظم عليه السلام) سخن مي گفت. پس از قدری به من فرمودند: اي يعقوب، اين فرزند من است و امام بعد از من، نزد او برو و به او سلام كن. من جلو رفتم و به آن نوزاد سلام كردم. آن نوزاد لب به سخن گشوده پس از جواب سلام فرمودند: برو و اسم دخترت را كه ديروز نام گذاري كردی عوض كن، كه خداوند از اين اسم خشمگين است. يعقوب مي گوید: روز قبل دختری برای من متولد شده بود و من نام او را حميراء گذاشته بودم.

سپس امام صادق عليه السلام فرمود: برو و امر او را انجام بده، من هم رفتم و نام دخترم را عوض كردم. (۱)

۲- روزی مهدی عباسی به امام كاظم عليه السلام گفت: محدوده‌ی فدك را مشخص كن تا به شما برگردانم. امام عليه السلام فرمودند: يك طرف كوه احد و يك طرف تا مصر يك طرف عدن و يك طرف تا سمرقند و از آفريقا تا خزر «حدّ منها جبل احد و حدّ منها عرش مصر و حدّ منها سيف البحر و حدّ منها دومة الجندل». (۲) مهدی عباسی گفت: اين بسيار زياد است.

شايد مراد اين است كه فدك يعنى قلمرو مسلمين، فدك يعنى ولايت، فدك يعنى حكومت.

۳- روزی صفوان جمال بر امام كاظم عليه السلام وارد شد، امام به او فرمودند: كارهای تو زیباست، غير از يك كار. صفوان پرسید: کدام كار؟ حضرت عليه السلام فرمود: اين كه شترهايت را به هارون كرايه داده‌ای. او گفت: شترها را برای تفريح نمی خواست بلکه می خواست به مكّه برود، و خودم هم با او نمی روم كه كمك كنم. امام عليه السلام فرمودند: آیا دوست داری كه آنها زنده بمانند، تا وقت برگشت كرايه‌ی تو را بدهند؟ گفتم: بله. امام عليه السلام فرمود: «فمن أحبّ بقاءهم فهو منهم ومن كان منهم فهو وَرَد النار» (۳) يعنى اگر كسی طاغوت را بخواهد ولو يك لحظه، جزء

درس بيستم و ششم

ميلاد امام كاظم عليه السلام

چندی است كه متأسفانه علیرغم نظر مراجع تقليد، برخی هفتم صفر را كه شهادت امام حسن مجتبی عليه السلام است، به عنوان ميلاد امام كاظم عليه السلام جشن مي گيرند، كه مورد اعتراض مراجع نیز واقع شده است. بايد دقت كرد، اولاً: حرمت ماه محرم و صفر (عزاداری) بايد حفظ شود. ثانياً: بر فرض كه در خانه‌ی حضرت زهرا عليها السلام، فرزندی متولد شود و در همان روز فرزند دیگری را به شهادت برسد، به طور قطع و يقين و عزای شهيد را مقدّم بر جشن ميلاد می دارند.

علاوه بر آن كه در عتبات عاليات و حتی خود كاظمين هفتم صفر را به عنوان شهادت امام مجتبی عليه السلام عزا اعلام کرده و پارچه‌ی سیاه نصب می کنند.

اما ميلاد امام كاظم عليه السلام، طبق نظر شيخ كلینی رحمته الله و مرحوم صفار در كتاب بصائر الدرجات، و مرحوم برقی در كتاب محاسن، بعد از ایام حج اعلام شده.

ابوبصير چنین می گوید: با امام صادق عليه السلام حج را به جا آوردیم. هنگام برگشت به مدینه در «قبطه ابواء» خبر ميلاد امام كاظم عليه السلام به ما رسید. پس ميلاد امام كاظم عليه السلام در دهه‌ی سوم ذی الحجه بوده است (فاصله مكه تا مدینه حدود ده روز طی می شود و ابواء هم تقریباً وسط آن قرار دارد و اگر امام صادق عليه السلام روز پانزدهم از مكه خارج شده باشند، ميلاد امام كاظم عليه السلام در دهه‌ی آخر ذی الحجه واقع خواهد شد.)

معرفی از امام كاظم عليه السلام برای اثبات عقائد شيعه

۱- يعقوب سراج می گوید: بر امام صادق عليه السلام وارد شدم در حالی كه با نوزادی

۱- كافي: ج ۱ ص ۳۱۰.

۲- كافي: ج ۲ ص ۲۲۶.

۳- جامع احاديث الشيعه: ج ۲۲ ص ۵۵۸.

آنهاست و داخل جهنّم خواهد شد. صفوان می‌گوید: رستم و تمام شترهایم را فروختم تا به طاغوت کمکی نکرده باشم.

خلاصه بحث

ولادت امام کاظم علیه السلام در اواخر ماه ذی الحجّه واقع شد و شیعیان باید هفتم صفر را به عزاداری امام حسن مجتبی علیه السلام پردازند و از امام کاظم علیه السلام معارف و اعتقادات بلندی به ما رسیده است. مثلاً نهی از نامگذاری فرزندان به اسامی دشمنان اهل بیت علیهم السلام، و یا غاصبانه معرفی کردن حکومت‌های بعد از پیامبر به جز حکومت امیرالمؤمنین علیه السلام و یا پرهیز از کمک به طواغیت حتی برای انجام اعمال خیر و....

ارزیابی

- ۱- بادو دلیل ثابت کنید که میلاد امام کاظم علیه السلام در آخر ماه ذی الحجّه بوده است.
- ۲- بر فرض این که در یک روز میلاد یک امام و شهادت امام دیگر واقع شود، وظیفه‌ی شیعیان چیست؟
- ۳- به نظر امام کاظم علیه السلام محدوده‌ی فدک کجاست؟
- ۴- آیا شیعیان اهل بیت علیهم السلام مجاز هستند اسامی دشمنان اهل بیت علیهم السلام را روی فرزندان خود بگذارند؟

منابع جهت پژوهش

- ۱- بحار الانوار: ج ۳، ص ۴۸.
- ۲- بصائر الدرجات: ص ۴۶۰.
- ۳- محاسن: ج ۲، ص ۳۱۴.
- ۴- رجال کشی: ج ۱، ص ۷۴۰.
- ۵- ارشاد مفید: ج ۲، ص ۲۱۹.
- ۶- مناقب آل ابی طالب: ج ۳، ص ۴۰۷.

بسم الله الرحمن الرحيم

اللهم صلّ على محمد و آل محمد و عجل فرجهم و العن من عاداهم

اهداء به:

حضرت فاطمه‌ی معصومه سلام الله علیها

